

داده اند که در دفتر مدعی و مدعی علیه را حاضر کرده
بین آنها گفتگو نموده آخر بمصلحت گفتاریده ده یکی
وصول تا قسطنی برقیس مجلس و سپس به حکومت علیه
یا ریاست کل داده باشند و هرگاه یکی از آن دو قر
منکر محض باشد موقوف بضم و رجوع بمسئله
خریج تصدات

المنجوب است که اگر وقتی جمعی برای اصلاح حل
خود خاتمه یابند انعقاد مجلسی نماند و از حکومت
استیذان نخواهند اول مبنی تقدیمی مطالبه میشود. این
مطلب را مکرر دیده و شنیده کسی هم انکار ندارد
ازین رو امر خطیر تجارت درین حدود خاصه در شهرها
بتدری محال است که بیچوجه نمیتوان هیولت او را احصا
کرد مگر این اوقات که از اثر فطرت پاک شاهزاده صدر
اعظم و شاهزاده رکن السوله وئی که از کفایت رجال با دانش
یا علم و اطلاع و بطمع میباشد محض ترقی تجارت
مجلس منعقد و یکی از رجال محترم با اطلاع که ندیم باشی
خوانده میشود برای انتظام مجلس مزبور مأمور
خرموماند و وزارت جلیه تجارت نیز کتابچه که
حارثی بر قوانین صحیح است برای ریاست حکمران
خرستاده که تفصیل آن من بعد عرض خواهد شد
الحاصل شهر کرمان و بلوکات آن که در تحت حکومت
و فرمانروائی ایالت جلیه این مملکت میباشد شاید وسعت
خاکش از یکی از ممالک دول متمدنه اروپا کم نباشد
زیرا که از سرحد خراسان که (نای بند) میگویند تا اخر
نقطه بلوچستان که جاسق یا بندر جاهاار که از بندر
خلیج فارس بشمار میرود فریب دو ماه راه است که
یا قافله کسی عبور نماید - چون این مسئله از مآلین فیه
ما خارج است در مقام تخمین عرض میشود - و الا
چینوان با تقدیم صحیح منصلاً بر ضرر رسانید چون مقصود
لظهار علم و اطلاع نیست ازین سخنسان میکنیم -
حاصل آنکه تجارت این مملکت بطور یقین ممکن است
بآنکه توجه ایالت بقدر تمام شهرهای ایران برای مملکت
فایده داشته باشند

از بی علمی تجار و بی اطلاعی آنها و عدم مجلس
مشورت و انقلاب و بی مبالائی و طمع حکام ماضی و
تمدنی و بی بسای ضابط کار بجائی رسید ماست که بیچوجه
تجارت قابل ذکر نیست و آنکه اندک مغلوب بکسب این

شهر تپه و تا بود - عمده و رشته تجارت بومیان
گسیخته جمعی از کسبه این شهر که در بازارخانه بودند
بقا و شراب حال مردم را تپاه نموده و رشک شده
متدرجاً خورده فروشی افسته هم بدست جناعت نمود
و زرداشقیها افتاده طالبات یک صنف بزاز معلوم شد
این قبیل تجار هم که اکنون در این شهر و بلوکات
موجودند بعض کار آنها ضایع ضابط است بلکه
ضابط و عامل از جان گذشته بطمع غارت رعیت مبنی
را بمحکومت سند داده تاجر احق نیز بطمع فایده
و تنزیل زیاد یا بملاحظه گرفتاری سابق ضامن لوشده
هنوز چهار ماه از سال نگذشته که تمام وجه از تاجر
دریافت و ضابط میان سال معزول دیگری مبنی
اضافه کرده منصوب می شد ایالت پول خود را
گرفته چه کار دارد که تاجر خراب یا آباد می شود و
این چند سال جماعتی از تجار و ازین راه ورشکست
شده از اعتبار ساقط شدند

جمعی دیگر طبل و امانت کار میباشد معلوم
است بقول قضا روی امانت سیاه است جز خیال
حق سی زیاد حکردن کاری ندارند دیگر مال
میخواهد خراب باشد یا نباشد تاجر در سال هزار
جور جقم هم چشمی و خرج دارد بلغ می خواهد
مرزعه میخواهد کاش همین ما اکتفا می شد در
عدم قانون و بی مبالائی کار بجائی رسیده است که قش
مال مردم را خورده هزار میکند یا ورشکست شده
جمعی قرا را پایمال میباشد - اشکال شرکت و کپانی میشود
اشخاصی که اول نمره در ایران بشمار میروند مال
بچاره ما را گرفته چهارروز که گذشت جواب نمیدهند
این روزها یک نفر مشهدی محمد نام تاجر
مبلائی در کرمان مبالائی مال مردم را خورده مشارفیه
سه سال است حکمران آمده چون از اول خیال
جاب فایده و تاراج مخلوق را داشت بنسای ضایع
قط و دخل و تصرف در ملایات نموده بقرار گفته
خودش چهار پنج هزار تومان طلبه او در رودبار
سوخت شده یا معطل مانده است لکن حال یکسال است
دانی گسترده مبنی گراف مال مردم را تلف نموده
برای خود خطیره کرده بنای سردقالی و پرانت بازی
نهاده تبار هم بملاحظه صاحب عینو صریح بواجت که

زیادتر از دیگران میداد از مشارالیه خریداری نموده برات ۲ ماه چهار ماه پنج ماه داده قالی کالی خرید به تبریز و طهران فرستاده است - از قرار معلوم هنوز قالی ها موجود است و بمعرض فروش نرسیده که براتها نکول شده چون مشارالیه از نجی حکه گشته خبر داشت فوراً رفته در خانه یکی از علما بست نشسته با نهایت اطمینان ذخیره کامل دیده شام و نهار ملوکانه حاضر نموده منتظر بروز قبایح اعمال خود میباشد. هنوز معلوم نیست ده هزار تومان بیست هزار تومان پنجاه هزار تومان مال مردم را تلف کرده یا زیادتر هر هفته مبنای برآمدتهای طولانی نکول شده میرسد شاید از هفت ماه قبل برات نکول شده میرسد از قرار معلوم یکدفعه دیگر هم در اسلامبول ۱۵ هزار ایرا ور شکست شده حال مردم را خورده است - واقعاً انسان از دیدن این حالات نزدیک است هلاک شود. لامحالہ پنجاه نفر کاس بچهاره این شهر بواسطه حرکت این شخص که برده بی حیثی بر رو کشیده تمام خواهند شد امید است - وزارت جلیه تجارت ایران حدی برای این جور اشخاص تعیین فرمایند و رسیدگی نمایند آیا کدام تشکی این شخص خرق شده حکدام خزینه او را در سنر دزد زده حکدام ضرر فاحش را نموده که باید این قدر اموال مردم بچهاره را حراب نماید شخص امانت کار که در سال شاید با صد تومان فایده ندارد چرا باید بر قایت وهم جشی دستگاه زیاده از خانه ویغ و مال و تجملات فرام و هزار تومان خرج کند امید است امر رسیدگی بامور این قسم مردم فرمایند در صورتیکه بخواهد مال مردم را خورده برای خود ذخیره نماید از او مسترد دارند

فالحقیقه چه طور میتوان در این گونه محاسن زندگانی کرد و رشکست تاجر همه جا هست لکن حساب در کار است باید دینار و قلمبر عمل خود را تاجر در عدالت خانه ظاهر نماید و ضرر خود را بگری نماید و الا جزای آن حبس است

بالاخره چنانچه تجارت بزرگ قالی حراب شده عا قریب بکلی رشته سائر تجارتها هم از دست ما خارج شده تاجر خارجه جلو خواهند گرفت آلآن احدی

یک دینار برات دیگر جرئت ندارد از عموم تبریزی های متوقف کرمان خریداری نماید بکنوع را یک نفر نا اهل خراب میکنند بالاخره امید است از وزارت جلیه تجارت و توجه حضرت مستطاب اهالت جلیه کرمان که از حکام بزرگ ایران و در مقام آبادی و اصلاح امور تجارت بی اختیار میباشد رسیدگی بحساب این شخص نموده امر به تحقیقات نمایند در صورتیکه هنوز کلی قالی در راه و پیراه و تبریز موجود است چرا باید مال مردم از میان برود اگر غور شود شاید چیزی باید این رعایای فقیر بشود بعد تفصیل کلیه وجبی حکه از میان رفته عرض خواهد شد و چگونه حالات و واقعات را معروض خواهد داشت

مکتوب از اتزلی

امروز شاهنشاهزاده اعظم عبدالسلطان فرمانفرمای با اقتدار گیلان برای سرکشی به بندر اتزلی نزول اجلال فرمودند هنگام ورود با سکه مخصوص شمس الماره صاحب منصبان لشکری و حکم شوری از نوبچی و تکنیکی با قنون ملام نظامی داده شاهزاده از میان صفوف نظام از نوبچی و تکنیکی عبور فرموده جواب سلام نظامی حکه راست کردن دست راست است همی داده که وارد بحیاط شمس الماره گردیده در حیات همارت نیز شاگردان مدرسه عضدی بطور نظام صف بسته تعلق و خطابه مفصلی که مبنی بر خیر مقدم شاهزاده بود یکی از اطفال قراب نمود - سایرین آمین گفتند شاهزاده چند دقیقه نزدیکی صف شاگردان مدرسه را مخاطب فرموده آنها را ترغیب و تخریب و تشویق بمل میفرموده و ضمناً اظهار نمودند شما ها برادر من و ودیده پادشاهید تا می توانید در علم بکوشید حکه دانستن هر چیز بهتر از ندانستن اوست. گویا مقصود شاهزاده از این اصرار و ابرام که متعلمین را وادار بفر گرفتن علوم لازمه میفرمود اقتناء به پدر تاجدار و ولی نعمت طالباندار ما ایرانیان فرموده زیرا اعلیحضرت قدر قدرت و ذات مقدس شاهانه تا چه اندازه در ترویج علوم و معارف جد و جهد دارند اخلاف آن اعلیحضرت نیز تأسی به پدر بزرگوار خود میفرمایند چنانچه شاهنشاهزاده اعظم شعاع السلطنه در شیراز متعلمین مدارس آنها را برادر خطاب فرموده

بالسویه اند - و هیچ گونه مقام شکایت برای هیچ یک از آنان نباید بشود

§ خبر (روتز) از (توکيو) خبر میدهد که (۲۱) اکتوبر فهرست مصارف سال آینده ژاپون در پارلمان پیش شده يك هزارمليون سکه (ين) تخمین شده است از آن جمله هفتصد و هشتاد مليون مصارف جنگ بقلم آمده و تنزيل قروض ژاپون نیز درین مد شامل است - سایر مصارف ۲۲۰ مليون است - چهار صد و پنجاه مليون قرضه جدید در مصارف سال سنه (۱۹۰۰) مسیعی دولت ژاپون را ضرورت خواهد اقامد

§ جهاز آلمانی که در (گاردیف) از حمل ذغال ممنوع شد حال یکی از قواسلهای آلمان بودماست

§ پرنس ارفع الدوله امیر نویان سفیر کبیر دولت علیه ایران در دربار عثمانی وارد (مسکو) گردیده ظاهراً به مأموریت تبریک میلاد ولیمهد امپراطور روس میباشد ولی روزنامه های روسی مینویسند که ضمناً بسیاری از معاملات بلتیک و ملکی هم تصفیه خواهد شد

(۲۷ رمضان - ۶ دسمبر)

§ خبر (روتز) از (مکدن) خبر میدهد که در حملات چهار روزه و شایک توپخانه سنگرهای لشکریان روس و ژاپون تغییر و تبدیل نیافته - در اردوگاه بجاری شایع شده یکی بواسطه زحمت و محنت زیاد و دیگر بملاحظه بودت هوا و شدت برف -

§ ژاپونیان با منتهای استقامت و قوت قلب از قلعه (مترهل) بر جهازات روسی شلیک مینمایند و دوسه جهاز روس را آتش زده اند نام جهازات و اندازه خسارات تا کنون معلوم نشده است

§ به موجب اعلان روسی که در (توکيو) اشاعت یافته بواسطه شلیکیکه بر شهر بندر آرهنر شده قورخانه روس که در (جربوبوشان) بود بتاریخ سوم مشتمل گردید - و بر قلاع مشرقی (سنکشوشان) ژاپونیان با منتهای استقلال شب و روز حمله مینمایند - دونوب سی و شش متری سریع الاطلاق پوم یکشنبه در قلعه (ایلینگهان) ژاپونیان غلبت گرفتند

و آنها را تفویق و تخریب بعم میفرمودند جبراید هن این خصوص شرحها درج نمودند امید است از همراهی حضرت مستطاب والا شامشاهزاده عهد قلماطان فرمان فرمای گیلان این اساس شرافت بنیان نهادند باقی و برقرار و بیدار ماند - جناب سالار انظم سالیانه یکصد و بیست تومان باین مدرسه اعانه میفرمایند

(همت بتد دار که مردان روزگار)

غرض این است که سالار انظم فوق العاده در اعانه این بنای مقدس همراهی دارند مؤسس این بنا جناب حمید هابون نایب الحکومه اترلی است اعیان و اشراف نیز اعانه میدهند

تکرافات

(۵ دسمبر - ۲۶ رمضان)

§ روزنامه (نوبورجیا) مجدداً این امر را قوت میدهد که سومین دسته جهازات جنگی را فوراً باید دولت روس روانه اقصای شرق نماید - چه نوای بجزی روس لازم است در اقصای شرق کامل باشد - و این دو دسته جهازات بالتیک که فرستاده شده نسبت بقوای بجزی دشمن کم و قابل بمقابله امور نمی شود

§ خبر (روتز) از بتسبرگ خبر میدهد که رسماً تکذیب شده است که در باره گذشتن جهازات جنگی از بوماز داردنلز و ابطال معاهده دول هیچگونه اقدام رسانه نشده قط رأی جرائد روسیه مایه شهرت گردیده هیچ ربطی بوزارت بجزی و وزارت خارجه روس ندارد

§ شب شنبه وزارت خارجه انگلستان حاکمومت (گاردیف) را اطلاع بخشید که جهاز آلمانی که مسکیتان وی (دیلو منزل) نام دارد از حمل ذغال ممنوع است - چه این امر به پایه ثبوت رسیده که جهاز مذکور قبل ازین ذغال بجهازات بالتیک داده است چهارصد (ین) ذغال حمل نموده بود که این حکم صادر شد - دولت انگلیس درباره سائر جهازات که معقول حمل ذغال اند نیز تدارکات بلازمه را مینماید - دولت حصارها - جبرین باب بیخایضه بیطرفی خود در جنگ حمل مینماید - دولتین ژاپون و روسی درین احکام

شماره ۱۱۶۱۵ شوال ۱۳۲۲ - سال نوزدهم - ۱۹ دسمبر (۱۳۵۱) صفحه ۲۲

غیر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که لشکریان روس همه شب بیفانده بر (متزل) حمله مینمایند و در حالات شبخون (متزل) سه هزار قشون خود را تلف نموده اند

(۲۸ رمضان - ۷ دسمبر)

وقایع نگار دلی تلگراف از شنکای خبر میدهد که دولت ژاپن در (توکیو) حکمی صادر نموده که قشون ردیف جمع و افسرایسکه مبعاد خدمتشان سرآمده باز بخدمت طلب شوند و انتظام اردوی دو طلب نیز می شود

غیر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که مجدداً دیروز پنج ساعت سرداران روس و ژاپون باتفاق جنگ را موقوف داشتند - چه روسیان برای دفن اموات خود چنین خواهش نموده بودند

در بندرگاه (آرتیر) از شلیک ژاپونیسان جهاز (یالتاوا) غرق و (ریتویشان) شکسته (بیان) درکار غرق است - کوه (اکاسکا) را که در قرب شهر آرتیر است ژاپونیان منصرف شدند

وقایع نگاران روسی از (مکدن) متواخبر میدهند که طایفه (هنوز) همه روزه زیاد شده قوت گرفته بناوت و شرارشان بالا میگردد - و فعلاً در نخت سرداری (تولیسان) این طایفه بر مخالفت روسیان اقدام دارند و فعلاً هم خود را مصروف این امر کرده اند که جا بجا دامهای آهن منجوریای روس را خراب نمایند

غیر (روتر) از (مکدن) خبر میدهد که دیروز صبح بر چهار طرف تپه (یونتلف) سخت حمله و شلیک جاری بود و بجانب راه آهن نیز شلیکهای متواتر می شد - توپخانهجات دو اردو همه روزه در شلیک و حمله شدت مینمایند - این حملات میرساند که عنقریب جنگی بسیار سخت و شدید واقع خواهد شد

دسته دوم جهازات باتیک در (نجیر) رسیده بجانب شرق اقصی رهسپار گردیدند

(۲۹ رمضان - ۸ دسمبر)

یکی از جهازات فرانسه که از (مارلس) بطرف دریای سیاه رهسپار بود و در اسلامبول جلو او را گرفته همولانش را تالاش نمودند - منجمه باروط و اسباب حراقة زیاد بسم میسو (نوز) وزیر کمرکات ایران که از

اهالی بتریک است بیرون آمد

(این تلگراف معلوم نیست که مقرون بصواب است از بلیتیک همسایگان است ولی در هر صورت شاهزاده صدراعظم و وزارت خارجه ایران وسفیر کیر اسلامبول را لازم است که تحقیقات لازمه نموده کشف حالات بطریق شایسته بشود)

(سرادوردفراژ) امیرالبحر (بومونت) که از جانب دولت انگلیس در مجلس حکمیت حادثه بحر شمال وکیل بود - مشیر قانونی مقرر شده مستر (اویترنی) معاون سفیر انگلیس در پاریس وکیل دولت مشارالها مقرر گردید

از اخباراتی که از بندر (آرتیر) رسیده ظاهر می شود که جهازات روس (پریسوی) غرق شده و (ریتویشان) قریب الفرق است (بلاوه) نیز حسیه عقبی او شکسته است - و (بیان) مشغول میباشد

غیر (روتر) از (چیفو) خبر میدهد که امشب فوجی از ژاپونیان در خارج بندر (آرتیر) دیده شده و ازین ظاهر می شود که جمیع دسته جهازات ژاپونی نیز در آنجا میباشند

غیر (روتر) هفته گذشته بعد از قبضه ژاپونیان (متزل) را ملاحظه کرده ظاهر میدارد که در این میدان جنگ خیلی خوفناک و خطرناک بوده است - قله های کوه از حالات ژاپونی فرو ریخته و نصف خندق را پر کرده - و در خندق سکه قرب دو صد زرم طول او بود دو بیست نفر مقتولین و مجروحین روسی بروی یکدیگر ریخته بودند - سکه بواسطه نارنجک های دستی و کارروائیهای سرنگی از هم متلاشی شده بودند

(۹ دسمبر - ۹ شوال)

دسته سوم جهازات جنگی روس بجانب اقصای شرق در راه جنوری روانه خواهند شد

جهاز جنگی (بالادا) در بندر آرتیر محرق شد سکشکی (کلیاک - و امور) غرق شده اند - جهاز (بیان) تاکنون بروی آب بدون سکان نمودارست از اداره جنگی (توکیو) اشاعت یافته که در جنگ بندر (آرتیر) سی وعش نفر مقتول و نجاه و هشت نفر مجروح گردیدند

کولبو تلاش راه نموده باید قصد محافظت جہازات جنگی خود بوده اند

§ بموجب خبری که از بندر آرتر رسیدہ جہاز (پلاوا) (Кіаіа) قریب الفرق است (سواستوپول) آن طرف بندر رفته تا از شلیک ژاپونیاں محفوظ ماند
 § کشتی گزمنہ ژاپون (سایتن) که در بندر آرتر بتاریخ سوم شلیک مینمود یکی ارسرنگ های دریای روس مصادم شدہ غرق گردید - ۲۷ فقر عملیات آن هلاک شدند

(۳ شوال - ۱۱ دسبر)

§ دستہ جہازات امیرالبحر (فولکرشام) تپہ می بینند که از (جیوتل) روانہ شوند - چنان تصور می شود که جہازات مذکورہ بہ (مدیکاسکر) رفته متظر شوند تا امیرالبحر (روسدینسکی) با آنها ملحق گردد

(۴ شوال - ۱۲ دسبر)

§ جنرل (توچکو) خبر میدہد کہ جز جہاز (سواستوپول) و چند کشتی موشک کہ در برون بندر آرتر پناہ یافته جمیع کشتی های جنگی روس معدوم و بیکار گردیدند - و ازین و بعد ژاپونیاں را از خیال آنان فراغت حاصل شدہ و شلیک بر آنها بحاصل است - اشکریان ژاپونی اینوقت بہ شهر (آرتر) شلیک مینمایند - و از مترهل بر شهر نقصان زیاد رسیدہ است
 § از شلیک ژاپونیاں تلگراف خانہ پسیم روس کہ در (آولدن هل) بود خراب شدہ و قورخانہ روسیاں آتش گرفته است

§ تا کنون در روسیہ خبر برہادی جہازات جنگی بندر آرتر اشاعت نشده بود فقط چند نفر از خواص مطلع بودند چون این خبر افشا شد اهالی خیلی مشوش و پریشان گردیدند - و چنان تصور میکنند کہ امیرالبحر جہازات باتلیک نیز در این میدان منقضی المرام نخواہد گردید
 § مجلس حکمیت بحر شمال بتاریخ ۲۰ شخص پنجم را منتخب خواہد نمود و اصول مباحثہ را معین خواہد کرد - ولی کار روائی رسماً از آغاز جنوری شروع خواہد شد

§ جنرل قوئل ژاپون را در بمبئی چنین خبر رسیدہ کہ حہ و شلیک ژاپونیاں بتاریخ یازدهم نقصان زیادی بمخمس وارد آورده - تلگرافخانہ بی سیم روس کہ در

§ پسر دوم جنرل (نوگو) نیز در جنگ (مترهل) قتل رسید - پسر بزرگش در جنگ (ناشان) کشته شد فعلاً لاوہ و لاوارث با کمال جانفشانی در پیشرفت امور جنگ ساهیبست

§ اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس روس سفیر فوق العادہ دولت علیہ ایران پراس ارفع الدولہ امیرنویانرا امروز با حضور دادہ خیلی اظهار محبت نمودند - سفیر فوق العادہ مکتوب محبت اسلوبیکہ بدستخط مبارک شاهنشاه ایران بود قدیم و نیز ہدا یا و تحف بسیار کہ خیلی ذقیمت بودہ است پیش نمود -

§ پنجشنبہ ساعت دو و سہ جہازات روسی را در بندر آرتر بدین حال مشاہدہ نمودہ اند - (پرسوی) تا حد لغان غرق شدہ - (پولساوا ریتویسکان - پوویدا) تا حد تحتہ بندی زیر آب رفته - (پلاوا) بجانب بندر فرار نمودہ (پیان) مشعل است - (سواستوپول) بجانب مشرق بندر آرتر از نظر پنهان شدہ - فقط ستون او دیدہ می شود - پنجشنبہ بجانب آن سہ جہازات شلیک نمودند

§ خبر [روتر] از [نوکیو] خبر میدہد کہ علت تباهی جہازات بندر [آرتر] این بود کہ از تاید و کک جہازات باتلیک باز ماندند - ازین و بعد ممکن است کہ ژاپونیاں در تسخیر بندر آرتر بمحاصرہ اکتفا نمایند و ازین بہ بعد سائر قلاع را بمحمله و پورش تصرف نہ کنند

§ در حبیبکہ ژاپونیاں بر جہازات روسیاں در بندر آرتر شلیک مینمودند احدی از عملیات در جہازات دیدہ نمی شدند - ازین ظاہر می شود کہ عملیات جہازات بزمین آمدہ در حفظ خویش سعی بودہ اند
 (۷ شوال - ۱۰ دسبر)

§ تلگرافاتی کہ خبر برہادی و تباهی جہازات بندر آرتر را میداد در پترسبرگ افشا نمودہ مخفی داشته اند
 § خبر روتر از بندر آرتر خبر میدہد کہ در قبضہ (مترهل) شدیدترین جنگ ہا در بندر آرتر واقع شد و قشون زیادی از صفحہ ہستی نابود گردید - چند نوبت توقف در جنگ بواسطہ کثرت مقتولین شد - در این میدان کار بہ شمیر و قنک و شش تلوہ بلکہ جنگ دست و پتہ کہید

§ دیروز چند نفر از روسیاں در جانب (رنکوماری)

(گولدن هل) بود خراب و قور خانه مقام مذکور نیز آتش گرفته است

§ امیرالبحر روس با ۴۱ جہازات جنگی بزرگ و کوچک در (موسائیداس) که در مغرب افریقا و دریای (بنلفش) میباشد وارد شده

(۶ شوال - ۱۴ دسمبر)

§ یکی از جہازات موشک شکن روس (پرون دینی) وارد (ویگو) شده است

§ وقایع نگار (دیلی تلگراف) از (جیفو) خبر میدهد که بموجب خبریکه از (دالی) رسیده یک جہاز دیگر ژاپون که از (سائین) قدری بزرگتر بود کشتی موشک شکن روس اورا غرق نموده است

§ یک کشتی گزما ژاپونی بتاريخ ۲۵ دو جہاز موشک شکن روس را غرق نموده است

§ مخبر روتر از بندر آرتر خبر میدهد که از اثر ناوینجک در جنگ اخیر بندر آرتر حالت غریبی نمودار بود احصاء متلاشیه صورت عیبی در قلوب جلوه میداد - هزارها اموات بروی یکدیگر در خندق ریخته بودند - نخته‌های کلفت و سنگهای آهنین قلمه از ضربات ژاپونیان قطعه قطعه شده است

(۷ شوال - ۱۵ دسمبر)

§ از توکیو خبر رسیده که سیزدهم ماه حال ژاپونیان شلیک نموده کارخانه موشک‌سازی روسیان محترق شده سه جہازات موشک روس غرق شده اند

§ امیرالبحر (نوگو) راپورت میدهد که جہازات موشک شب دوشنبه و سه‌شنبه پنج نوبت حمله بر جہاز (سواستوپول) نمودند - نتیجه تاکنون معلوم نیست - بر کشتیهای موشک شکن نیز شلیک شده چنانچه یکی از آن جہازات بیگار شده اند و کشتان کشتان به خشکی رسانیدند

§ سه کلوله بر جہازات دیگر نیز رسیده سه نفر مجروح شده اند

§ بموجب خبریکه از (سیوا کوپند) رسیده دسته جہازات امیرالبحر روسیدنسکی در (اکرایکونه) رسیده مشغول بحمل و نقلند (انکرایکونه) یکی از بناور مشرق و جنوبی افریقا و از مستعمرات آلمان میباشد

§ مخبر روتر از لندن خبر میدهد که امیرالبحر

(فولکرشام) تاکنون در (جیوتل) مختلر امیرالبحر (بروشکی) است و توقف خواهد نمود تا آخرین حصه جہاز بلتیک برسد

§ جنرال قولس ژاپون را در بمبئی چنین خبر رسیده که از حمله ژاپونیان در تاریخ ۱۳ سلاح غلظت و کارخانه موشک سازی روس در (نایگر نیل) و جہازاتیکه در آن قرب و نواح بود صدمه زیاد وارد شده - کارخانه مذکور محترق و سه جہازات را نقصان رسیده یک جہاز غرق و علاوه بمکانات نیز نقصان وارد آمده بر جہاز [سواستوپول] که خارج از بندر لنگر انداخته بود نیز شلیک شده ولی بواسطه خرابی هوا که جہاز مذکور درست بنظر نمی آید شلیک را ملتوی نمودند

§ امیرالبحر (نوگو) خبر میدهد که دسته کشتیهای موشک شکن در شب دوازدهم دو مرتبه و شب سیزدهم سه نوبت بر جہاز سواستوپول حمله نمودند نتیجه تاکنون معلوم نیست - دشمنان نیز بر جہازات ما سخت شلیک کردند - چنانچه یک کشتی موشک شکن ما بقسی از کار افتاد که کشتان کشتان بساحل رسانیدیم و به سه کشتی دیگر هر یک یک کلوله رسیده دو این حمله سه نفر از ما مجروح شده اند

§ بموجب خبریکه از بندر (آرتر) رسیده جہاز (سواستوپول) بی اختیار بروی آب دیده می شود ظاهراً نقصانی شدید باو رسیده است

§ دسته جہازات امیرالبحر (نوگو) را بامنتهای سرعت و سکمال مهارت مرمت میبایند و همه قسم آمادگی برای مقابله با جہازات بلتیک نموده اند

§ مخبر روتر از (نوکیو) خبر میدهد که دسته کشتیهای موشک ژاپون علی‌الصباح در حالتی که طرفان برف شدید بود بر جہاز سواستوپول حمله نمودند - هوا باندازه خراب بود که یکی از آن کشتیها مفقود شده نخته بندی کشتیهای ما علو از برف بود جہاز سواستول را بازو و نخته‌های آهنین محفوظ داشته بودند ولی از حملات ژاپونیان سخت بر آنان نقصان رسید

§ دسته جہازات امیرالبحر (فولکرشام) دیست از

جیوتل روانه گردید

جبل التین کلکته

مذیکل کالج - تربیت نمبر ۴

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

هر دو شنبه طبع

(و سه شنبه توزیع میشود)

بتاریخ دو شنبه

۱۸ شوال ۱۳۲۲ هجری

مصادف با

قیمت اشتراك

(سالانه - شش ماهه

هند - و برمه)

(۱۲ روپيه - ۷ روپيه)

ایران - افغانستان

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۳۰ فرانک - ۱۷ فرانک)

روس - و ترکستان

۱ دسمبر ۱۹۰۳ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نماید) (۱۰ منات - ۶ منات)

جبل التین

سنة ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
مراسلات تام المنفعه منبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

ورود امیر زاده اعظم سردار عنایت الله خان ولیمهد
افغانستان در کلکته • خیر مقدم • مسرت • بوشهر •
مکتوب از کربلا یعمل • جبل التین • ملاحظه حال شرق
و غرب • انا لله و انا الیه راجعون • جبل التین • مکتوب
از شاهرود • تقریظ • ساری • ایضاً • قصه بسیار
شگفت انگیز • مکتوب از دزفول • گنبد قابوس •
هریستان • جغرافیای ایران • دبستان دانش •
اخطار • استدعا از وکلای محترم • قابل توجه وقایع
نگران محترم • قابل توجه وکلای محترم • اخبارات
خارجیه • مکتوب از بحرین • اوخامه یکی از خیرخواهان •
مکتوب یکی از فضلای امدار • ایراد مخصوص • تعجب
و تأسف • تلگرافات • اعلان • ایضاً • اخطار •

ورود امیر زاده اعظم

سردار عنایت الله خان

ولیمهد افغانستان

در کلکته

بتاریخ ۱۵ شوال ۱۳۰۱ هجری دو شنبه ساعت ده و نیم
صبحی با اخطار راه آهن مخصوص امیر زاده عنایت الله

خان وارد کلکته گردید - در معیت ایشان از طرف
فرمانفرمای هند فقط (کرنل جی ننگ) و (میسجرین) بودند
در ایستگاه راه آهن کلکته رسماً (کپتان جون ملترجر)
ندیم خاص فرمانفرما و (جنرل ایچ) و (مستزای ایچ -
اس - کارک) نایب وزارت امور خارجیه آمدند. و مستر بگنل
کشنر (رئیس پلیس) امیرزاده را استقبال نمودند از دحام
پاشائیان بسیار بود - جو زدر ایستگاه رسیدند در کالسکه
مخصوصی که محض ایشان تدارک شده بود نشسته در
(مستنگ هوس علیپور) که از صهارات ممتاز است فرود
آمدند و ۲۱ توپ با احترام ایشان شلیک شد

امیرزاده سیردار عنایت الله بوم سه شنبه قبل از ظهر
لارد کرزن فرمانفرمای هند را دیدن نمود - نایب وزارت
جنگ و نایب وزارت خارجه هندوستان (مستر کارک -
و آریل اهورد بارنک) قبل از وقت خدمت امیرزاده
رسیده در معیت ایشان بملاقات فرمانفرما آمدند - رسماً لوازم
احترام بمثل آمد موزیکانچیان بنوامای فرح بخش
مترجم بودند - پس از ملاقات فرمانفرما و انجام تعارفات
رسی امیر زاده عنایت الله خان مراسم دوستانه
از جانب والد بزرگوار خود امیر حبیب الله خان داشتند
تقدیم نموده در آن دستخط نیز مخصوصاً اشاره شده بود
فرستادن امیر زاده عنایت الله خان برای ملاقات ایشان و

مکتوب از کربلای معلی
 در عشره اخیر رمضان المبارک یوم حیدر سید
 درد دلی سخت طارش حضرت حجة الاسلام والمسلمین
 قاضی شریانی البهائه حلل الود گردید - و از همان
 طارشه فوری در گذشتند رحمة الله علیه رحمة واسعة
 جنازه را با غایت اعزاز و احترام در سخن
 مطهر دفن نموده نجل جلیل آقا مرحوم جناب
 مستطاب حسن آقا سلمه الله تعالی کسب کیده زهد و تقوی
 و ثمره علم و فضل اند بدوا مجلس فائمه خوانی منعقد
 نمودند - از آن بعد حضرت حجة الاسلام والمسلمین قاضی
 مامقانی مدظله و از آن بعد حضرت حجة الاسلام
 والمسلمین آخوند ملا محمد حکاکم خراسانی مدظله
 مجالس فائمه خوانی منعقد کردند چون این خبر وحشت
 اثر بکربلای معلی رسید حضرت مستطاب حجة الاسلام
 والمسلمین حاجی شیخ محمد حسین مدظله العالی انفساد
 مجلس فائمه فرموده از آن بعد حضرت مستطاب حجة
 لاسلام آقا سید محمد باقر مدظله مجلس ختم را خانمه
 فرمودند خداوند رحمت فرماید آن مرحوم را **سکه**
 پشت و پناه دین و دولت اسلام بود

جنگ بن رشید و بن سعود خلیف الاکرته دولت
 عثمانی حمایتانه پسر رشید را باید تأیید فرماید - معیریه
 بغداد که وسکیلی والی هم است گویا بعد از رمضان
 حرکت نماید اردوگاه فلال نجف اشرف است ردیف
 کربلا و حله را هم جمع کرده اند که با ردیف سائر
 بلاد در مقام حاکم نظامی باشند - دوالای سواره و
 دو بطاریه توپ همراه خواهند بود - بیست و سه هزار
 تفنگ سوزنی گویا بجهت تقسیم عسکر چند روز دیگر
 وارد بغداد شود - مصارف این سوق عسکر بسیار است
 چه از سائر بدهان نیز - سوق عسکر شده مجموعاً سی و دو
 طاوور عسکر خواهد شد حکم گرفتن امانه شتر از اهالی
 شده هر شتر ده لیرا قیمت دارد از کربلا قریب یکصد
 و سی شتر میخواهند به تیره عثمانی سرشکن خواهد شد
 و الی جدید بغداد عبدالوهاب پاشا از اسلامبول
 حرکت کرده گویا بعد از عید وارد شود - سلیمان پاشا
 بیرنجی فریق برکات معیریه بغداد معین شده است
 سپس آنچه واقع شود اطلاع خواهد داد

حبل المتین

از ذکر ملکات ملکوتی حضرت حجة الاسلام والمسلمین

نیز این دستخط مبنی بود بر اتحاد و دوستی و یگانگی
 کامل امیر با حکومت هند - لارڈ کرزن فرما فرمای
 هند خلی اظهار تشکر از امیر و ابراز مسرت از ملاقات
 امیرزاده نمود از آن بعد یک یک سرداران و بزرگان
 انسانی که در رکاب امیرزاده معظم بودند بار حضور
 فرما فرما را یافته معرفی شده مرخص گردیدند

عصر آن روز امیرزاده در میدان اسب دوانی
 رونق افروز شده فرما فرما نیز تشریف آورده در
 سکرسی مخصوص بهلوی یکدیگر قرار گرفته مژم در
 بین قرار داشت الحق فرما فرمای هند غایت احترام
 و منتهای محبت را نسبت بامیرزاده و وصوف نمود -
 سلم است که این مراتب - بلی موردت حلب قلوب
 امیر تواند گردید

خبر مقدم

یوم شنبه بساعت شش و نیم مسائی جناب آقا
 پرزا محمود خان وزیر مقیم جنرل قونسل دولت علیه
 ایران بصحت و سلامتی از بمبئی رونق افروز کلکته
 گردیدند - اجزای انجمن مظری و طامه تبه دولت
 علیه از ملاقات ایشان محظوظ شده قدوم بیمنت
 لزومشان را تبریک میگویند

مسرت

جناب مستطاب آقا میرزا حسن ادیب الملک حکه
 سالها در مدرسه دارالفنون تدریس فرموده و مدرسه
 تربیت طهران نیز یکی از تأسیسات خیریه ایشان است
 محض اصلاح مزاج و تفریح دماغ چند روز قبل وارد
 کلکته گردیده اجزای اداره حبل المتین با غایت مسرت
 قدوم ایشان را تبریک و تهنیت میگویند

بوشهر

هفته گذشته از طرف شاهزاده صدارت عظمی
 تلگرافاً خبر وحشت اثر رحلت حجة الاسلام قاضی
 شریانی اعلی الله مقامه بحکومت رسید - ابتداء در مسجد
 جمعه مجلس عام منعقد و جناب در با بیکی و جناب
 امام جمعه صاحب مجلس بودند تمام بازار و دکانین
 بسته در وقت ختم بک (وکتل) و لوازم عزاداری با
 دسته و موزیکان حاضر شده فی الواقع اثر حزن و ملال
 فزونی در مردم هویدا بود - پس از آن سایر علماء هر یک
 در مساجد خود جداگانه مجلس ختم جمعه و دکانین
 باز شده هر کس بسرکار خود رفت و حقه الله علیه

فلسفه شریانی رحمت الله علیه زبان قاصر است بعد از مرحوم حجة الاسلام میرزا شیرازی نورالله مضجعه بین علمای اعلام در سیاست مشارالین بود. آنچه محقق است حسب الامر دوات علیه وشاهزاده سدارت عظمی در جمیع بلاد و سماء مجالس فائمه خوانی منعقد گردید علاوه بر این علمای اعلام هم در هر یک از بلاد ایران مجالس عیدیه فائمه منعقد نمودند

یوم جمعه گذشته در اداره جبل اللئین از جانب مؤید الاسلام مجلس فائمه منعقد شد. یوم دوشنبه از جانب انجمن مرتضوی جناب آقا سید صدرالدین شیرازی منصور انجمن مزبور در حسیه عالی حاجی کر بلائی محمدخان مجلس فائمه منعقد نمود. پنجشنبه آتیه در (متیابرج) در حسیه هماینس نواب بیگم مرشد آباد آج الهیاند. خان بهادر حاجی میرزا شجاعت علی خان مجلس فائمه منعقد خواهند نمود

ملاحظه حال شرق و غرب

(از شماره ۱۵)

یزدان باک جات - مسکته و همت قدرته که ایجاد عالم اکوان را بر بهترین نظام و نیکو ترین ابداع مقرر فرموده - و هر یک از انواع حیوانات ضعیفه و قویه را آنچه سرمایه تربیت هستی اوست از خزانه رحمت خود عنایت کرده - و اسباب معیشت و لوازم زندگانی هر کدام را کاینقی و بایق عطا نموده - برخی را چنگال خونریز و پاره را دندان تیز بخشوده تا صید را بقوت چنگال گیرند و باستمانت دندان گوشت و گیاه را تناول کنند - طایفه از آنها را بال و پر داده که در فضاء عالم و جو هواء طیران کنند و قوت و غذا را از درختان بلند و قال جبال بدست آرند - بعضی را چنان شامه کرامت نموده که از مسافتات بعیده بوی طعام را ادراک کنند - و برخیا آلسان باصره شد موجب فرموده که با بعد چندین فرسنگ جسم را بخوبی مشاهده نمایند - دست را قوت تی و نیروی بدن - و فرقه را ذکاوت و هوش و حیه و تدبیر - و گروهی را تحمل و شکیبایی - و حزیرا لطیفوت و تنیدی از مبداء فیاض افاضت شده - تا چند صباحی که در عالم کون و فسادند در کار خود در نمانند و از تحصیل قوت و غذا عاجز نگردند

(نکه تدبیر فی الیوم)

در بین اینها، مخلوقات مختلفه و موجودات متنوعه

السان را با یکدسته از احتیاجات عاده و مغویه توأم آفریده فقر و حاجتش را در حیات زیاده از همگان ساخته که در مسلكش از تمامی حیوانات تنگتر و میرش سخت تر و راعش مشکله است - زحمتش از همه افزون و لوازمش از حد شاره و احشاء بیرون - زندگانیش محض است بانواع مکاره و مشکلات - حیانش محاط است از انعام شدائد و مشقات - مکنتف است باصناف آلام و مصکبات - هیچگاه نتواند در حالت عزت از ابتناء نوع و جدائی از افراد جنس خود امور معاش را منظم سازد - و هرگز بدون اسباب مقاومت با مواعط طبیعی و مزاحمت گونه او را میسر نکرده - و تاب و توان نیارود نه بر گرما تحمل کردن تواند نه بر سرما - نه بر گرگی صبر کند و نه بر تشنگی شکیبایی اش ممکن شود - نه در دفع دشمن عضو دافعه دارد و نه در ترتیب همیشه آلات طبیعی - نه دندان برنده و نه چنگال درنده - و در هستی چندان لوازم خواهد که چون تهاشود از همه ایجاد اینهمه بر نیاید - و بشقاوت و ادبار گرفتار گردد - و با حالتی که پیچیده بنکت است بدرود حیات گوید

السان است مسکته خانه و مسکن خواهد چاه و لباس طلبد در شب نور و چراغ و در زمستان بستر و چوب و ذقال و در مرض دواء و در مان و در سفر زاد و راحه لازم دارد - و در خوردن بومیه مسکته نخستین شرط ادامه حیات است هزاران هزار اسباب محتاج است - و باعانه و همراهی دیگران در هر جزئی عمل نیازمند - فوالثل در تحصیل لغمه نان که از همه مأمکولات سهلتر و حاجت یان از جلگی شدید تر است اشخاص بسیار و آلات پیشمار و اوقات فراوان و زحمت بی پایان لازم است تا بتقاضی و تقویت یکدیگر زراعت و طحعات و طبخ نمایند - بنابر این بایستی انسان با این احتیاجات گوناگون از همگی حیوانات در معاش تنگتر و در حیات شقاوتش از جمله بیشتر باشد و روزگار بروی سخت تر گذرد آیا چیست که او را قریب عیش و راحت و بطوشی و ضییح نوشی و دعد و شادی نموده ابواب سعادت را بر روی او گشوده انسان را انسان کرده و برکاتش تسلط و برتری بخشد و بر هر مشکل توانا و قادر ساخته حیوانات را مطیع و متقادش کرده و جبال

راسخه را در نظرش بست و کوتاه گردانیده بخار را
 مرکب او مقرر داشته و برق را خادم وی قرار داده
 همانا باری هنر اسمه در آب و گل خلقت انسان
 دو گوهر باک بودیت نهاده است **حک** بواسطه آندو
 آدمیرا سعادت رخ نموده و فوز و فلاح رسیده یکی
 را عقل گویند و دیگری را نفس و انسان بحقیقت
 انسان است بقل و نفس و اگر این دو نبودی فرزند
 انسان از همه حیوانات خیس تر و شقی تر بودی این
 همه تدارکات و لوازم زندگانی و ملزومات میبست و
 بهجت و سرور و شادی و حبور و رفعت درجات خواه
 در دنیا یا آخرت از پرتو این دو جوهر نورانی است
 اما عقل پس آن چیزی است **حک** بسبب او
 مسیبات را از اسباب استنباط **حک** کنند و معلول را از
 علت کشف نمایند و از ملزومات لوازم را بدست آورند
 و از مؤثر آثار را استخراج کنند و باستمانت او بر
 استکشاف مجهولات قادر شوند و بجهت وی اخراجات
 بدیهه را از کتم عدم بعرضه شهود آرند
 عقل دور بین است که در عواقب امور ضرر و
 نفع را نشان دهد و میزان است که مقدار هر فعل را
 در هر وقت ارائه کند و مقیاسی است که در عاجل و
 آجل فوائد و خسارت هر عمل را مشخص نماید و حق
 را از باطل در اعمال الهامیه تمیز دهد
 عقل ذره بینی است که درجه عظیمه مستقبل ذرات
 صغیر سود و زیانرا نشان دهد و عینکی است که در طریق
 معاش و معاد راه را از جاه و جاده را از پراه جدا نماید
 شمعبری است برنده که غلط را از صواب مفرق سازد
 عقل است مدار ثواب و عقاب و منسلط مکافات
 و مجازات که (**بک آیب و بک اطاب**)
 عقل است هادی بمر منزل سعادت و منهج امن
 و راحت هر که بوی پناهند از جور زمانه آرمد و
 آنکه از نور او استتاره کرد بوادی مقصود رسد -
 گمراه نشود آنکس که پیروی او را کند و بضالات و
 غرابت دچار نگردد هر **حک** از وی راه طلبد -
 اوست مرشد حقیقی و رسول باطنی و دلیل طریق
 راست و صراط مستقیم - شقاوت پیرامون اتباع
 او نگردد و شدت و حسرت در حوالی امتنان وی
 آشکار نفوذ عسائی است **حک** اقدام را از
 نظرش نگاه دارد و ابدان سالکان را از وقوع در

خوف و خطر محافظت نماید - جبرانی است که سالکان
 را بوادی خوشبختی راه نماید و سرکی است که قاصدان
 بلاد سیادت و رفعت را بشهرستان مقصود رساند کلیدی
 است که اقبال گنجهای شایگانرا بیدونگ بگشاید سفینه
 است که از دریاهای خوف و خطر آدمیرا بساحل
 امن و سلامت کشاند پناهی است که از آفات و طامات
 حراست نماید سلاحی است که از شر هرگزند محافظت
 و محارست کند برهان متین است و مصباح طریق یقین
 مرآت حقیقت است و میزان قسط و عدالت - کشافی
 حقایق امور و مزین او هام و شکوک مشیر ناصح و
 وزیر مصلح رفیق شفیق و دوست و رفیق صدر هر
 خیر و منشاء هر خوبی است - و شر در عالم حاصل
 نشود مگر بسبب دوری از صراط المستقیم عقل و بعد
 از طریق محتوی خرد - هر که از این نعمت عظمی
 محروم شود لا محاله سعادت از وی فوت گردد و
 خوشبختی از او کناره گیرد اگرچه زمین گنجهای
 خود را بروی هر سه دارد و معادن و احجار کریمه
 خویش را بر آن آشکار سازد - و آسمان ابواب شادی
 برویش بگشاید که (**من لم یجد الله نورا فانه من نور**)
 هیچ امتی را شرف سیادت و نعمت بزرگی و عزت
 حاصل نشود مگر بواسطه هدایت و راهنمایی عقل و
 توسل و تمسک بدامان خرد - و هیچ قومی در این
 جهان دو چار نکبت و ذلت نشود و از مقام ملیح
 و منزلت عظیم که اوج اقبال و شوکت است محضیض
 ادبار و اسارت تنزل **حک** کرد مگر بسبب امراض از
 فصایح عقل و اغماض از مشورت آن ناصح امین و
 توکل در پیمان غوایت و انظار در بحار ضلالت و
 رو تافتن از منهج یزانی و مسلک عقل و استعمال خرد
 را در قضاء حوائج خبیثه و استخدام او را در
 طریق رذائل و قبایح و چون این گونه با عقل
 خدا داد رفتار کردند ناچار طار و شان را بطرف
 خود جلب و جذب نمودند و بستی و اضحلال را
 بجناب خویش دعوت کردند و در درکات شقاوت و
 گمراهی غوطه ور گردیدند چه استعمال شیئی را در
 غیر محل نموده اند

تو را نبشه دادم که هیزم **حک**

ندادم **حک** بر پای مردم زنی

(**بک باقی دارد**)

انالله وانا اليه راجعون

مکتوب از شوشتر

هفته قبل ۲۵ شعبان شرحی از کلمات و تفسیر مزاج جناب مستطاب ملاذالانام مروج الاحکام ابوالارامل والایتام حجة الاسلام آقای آقا شیخ محمد علی رحمة الله علیه اظهار داشت چون مرض ایشان عذب شد هر قدر اطباء معالجه نمودند سودمند نیفتاد اول طلوع صبح ۲۹ شعبان این دارفانی را و داغ فرمود و روح مطهرش بشاخصار جهان پرواز نمود و از این مصیبت جگر سوز غم اندوز تمام اهالی هریستان خاصه شوشتر چنان متألم و متأسف شدند که ذکر آن ممکن نیست و چند روز قبل آن بزرگوار خبر وفات خود را در این روز داده بودند بدین معنی که یکی از علماء عبادت نموده عرض کرد: متوسل بحضرت حجة عجل الله تعالی فرجه بشوید در جواب فرمودند روز پست نیم خادم خدمت آن حضرت شرفیاب خواهم شد - حسب الوصیه جنازه آن بزرگوار را در قدمگاه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی علیه بفاصله یکمیل سمت مشرق شوشتر است دفن نمودند. عجب تشییع جنازه اهالی شوشتر نمودند دکورا و آقا سفیرا و حکمیرا خاص طام سیاه و سفید گریه کنان با سرو پای برهنه در مشاییت حاضر بودند چنین تشییعی بجهت مصیبت از علمای اعلام دیده نشده بود باز آن مرحوم را خلف اکبر و ارشدشان جناب مستطاب ثقل الحقیقین و بدرالدقیقین همدان العلماء الاعلام و زبدة الفقهاء الکرام ظهیر الاسلام آقای آقا شیخ محمد جواد مدظله العالی بجای آوردند و بالغ بر سه هزار نفر ایشان اقتداء نمودند بانصد نفرشان علماء و امام جماعت بودند سه روز تمام در مسجد آنجناب رحمة الله علیه مجلس فاتحه و ختم بود و تمام اهالی شوشتر حاضر شدند علاوه اهالی معات از هفت فرسخی سینه زنان و نوحه کنان در شهر بجهت فاتحه و عزاداری حاضر شدند چهار روز دکانین و بازار حق آفیسهای خارجه حکه در شوشترند بسته بود و اداره کمرک هم بند شد اگرچه اهالی شوشتر و هریستان گمان ندارم که از این داغ و مصیبت جگر سوز فراموشی حاصل نمایند ولیکن باز چون خلف اکبر آن بزرگوار از علم و زهد و روح و قوی امروزه عدیل ندارند و

مرجیت نامها دارا میباشد قدری خود را بان وجود مقدس نسلی میتوانستند دو فرزند دیگر و یادگار آن بزرگوار یکی جناب مستطاب شریعتمدار آقا شیخ محمد کاظم که مدتهاست در نجف مشغول تحصیل میباشد و دیگر جناب مستطاب شریعتمدار آقا شیخ مرتضی که بعزم اشرف مکه معظمه زاده الله شرقاً و نظایا مسافرت فرمودند میباشد - هر یک وحید و فرید دهر اند یوم حکم فاتحه آن بزرگوار باصرار اهالی و بعضی علمای اعلام بجهت ختم فرزند اکبر و ارشدشان بمنبر موروثی بالا رفته پس از حمد و ثناء الهی و دعاء بر حضرت رسالت پنهانی و دعای قضاء سلاقی ذات اقدس اعلی حضرت شهر یاری خداوند ماسک موعظه و مرثیه خوانند هزار نفر بیشتر از کلام ایشان آشفته و مدهوش شد خداوند انشاء الله این یادگار بزرگوار را با آن دو آقا زاده دیگرشان محافظت فرماید

حبل المتین

چون این وجود جلیل القدر یعنی جناب مستطاب آقا شیخ محمد جواد از یازماندگان و یادگار و دست پرورده و سبط مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاجی شیخ حفر شوشتری قدس سره میباشد جای دارد از طرف بندگان اهلی حضرت قدس قدرت قوی شوکت شاهنشاه دین پرور خداوند که اظهار مرحمت و عنایت نسبت بدیشان شود تا اسباب از دیاد دعا گونی این خانواده تقدس و علم گردد انشاء الله باعث این کار خیر بندگان حضرت مستطاب اشرف اقدس ارفع شاهزاده صدر اعظم مدظله العالی خواهند گردید که در حقیقت این مسئله خدمتی است بدولت و مات اسلام

مکتوب از شاهرود

در نمره ۵۳ سال ۱۳۲۲ روزنامه مبارک "حبل المتین" افکار طایفه جنرال کرو باتکن را که در باره حمله با سپاه وسطی و ضایع مشفقانه او بدولت متبوعه خود و اقدامات همایه شاهی در استیلای ایالات جنوبی بحر اخصر و ایالت خراسان بود مطالعه نمودم اگرچه مشارالیه در الطار اهالی نظام خصوصاً مردمان روسیه در فن حرب جدید ماهر و مجرب است و از جغرافیای آسیا و ساکنین آنها نایک اعلازه بی اطلاع نیست - لکن در خیال مواد این (بلان) حرب بلکه در این اساس آن سهواً قاضی گردانند

چون جرب جدید امروز در هر دولتی از دول عسکره
تقریباً بیک درجه تعلیم و تدریس میشود و میزان و
اساس آن دهر ملت یکی است. لکن هر شخص نظامی
باید با خاصه دارای قوه ممتاز و سبک و سلیقه سلیمی
باشد (که ما اهل نظام آنرا دهاء عسکری مینامیم) تا
علوم تحصیل شده را با دهاء عسکری خود در تدابیر
جنگ توأم نموده از آن قرار حرکت نماید که با مال منجر
بتأسف نگردد و طاقت و طعم حاصل نشود چه فقط با علم
بر دهاء عسکری میجوچه نتیجه بر آن مترتب نخواهد بود
انصافاً فقط خط حرکتی که برای اردوی روس
در استیلای افغانستان پیش گرفته و نقشه که کشیده
صحیح است چونکه غیر از این راه خط دیگری بنظر
نیاید که بمقصد اصلی دولت روس اقرب و آسول باشد
ولی بقیه او که در مقدمه با سی هزار قشون داخل
شدن به افغانستان و منقاد نمودن اهالی آنرا کافی دانسته
معلوم میشود که از حال دول و ملل ایران و استعداد
ایشان درست مطلع نیست

اولاً - اعارت افغانستان امروزه دارای دویست هزار
قشون منظم تربیت شده با اسلحه جدید و مهمات و
وجه نقد کافی است که اگر تأثیر اسلحه آنها را با اسلحه
ساعات روس مساوی فرض کنیم میجووقت بارشادت و
قناعت و بردباری افغانها در جنگ برابری ندارند
ثانیاً - عده قشون متعرض لااقل باید ضعف بلکه سه
برابر عده قشون مدافع باشد تا بتواند از هر طرف
محاط بر مدافع باشد و در موقع لزوم خط رحمت و
خط کمک و راه آذوقه را بر آنها مسدود نمایند و
علاوه بر این یک عده قشونی هم لازم است که در
بعضی حالات فوق العاده از قبیل شورش اهالی بلد از آنها
جولوگیری باید در صورتیکه اعارت افغانستان از طرف
هند و ایران و چین اطمینان داشته باشد و از اغتشاش
داخلی مملکت هم آسوده باشد یقین است که تمام قوای
حربی خود را بمرسد روس جمع آوری تواند نمود
خصوصاً که از طرف حکومت هند معناً با آنها کمک برسد
ثالثاً - مرحد افغان از طرف روس، بکومهای
مرتفع سبیلرور و دریندهای محکم و دارای اهالی
شجاع متعصب که در مواقع استحكامات طبیعی از زمین
است که به این آسانی با هر هزار قشون با

امکان پذیر است
از ابتدای تاریخ اسلام تاکنون شنیده نشده است که
علاء اعلام ملت اسلامی در استیلا و تصرف مملکت
باخواجه هم عهد کشته یا راضی شده باشند که شهری
از خاک مملکت بجزیره تصرف اجانب درآید بلکه همیشه
در این نوع موارد محرم و مریح دولت و ملت بوده
قدم جلالت پیش گذاشته اند

(عنا سیر کس نشود دام باز چین)

آیا متولیان املاک موقوفه حضرتی که امروزه در ظل
طاقت دولت علیه بجمداقه داوای ثروت و مکنث بی
اندازه هر کدام باسباب جمع و خاطری آسوده در دلمه
خود کوس لمن الملکی برسد اینقدرها بصیرت ندارند
که بدانند اگر خدای مخواستہ شکل دیگری پیش آید
از همه چیز محروم باک معلوم صرف خواهند بود؟
اهم بر این ملاحظت خراسان یکی از بزرگترین
ایالات ایران از حیث وسعت خاک و قوس و شعول و
قشون لطیزی بجهار می آید. و نیز بواسطه شرف
مدفن حضرت نامن الآفه علیه الآف التبعه و اللعاه مجزله
قبه اسلامیان است یقیناً دولت علیه و ملت نجیبه ایران
نظر باین جهات در نگاهداری آن محل شریفه از
بدل معون و ثروت ناآدرین نقطه حویج نخواهند نمود
بلکه هموم ملت اسلامی برای حفظ و حراست آنجا
از صرف جان و مال خود جاری نخواهد کرد -
چیزیکه می توان گفت این (پلان) - حویج را بانقعه
چنگی منچوریا خیل عظمت است

(در این نقطه نظامی)

تقریظ

(لا تفر الا لاهل العلم انهم)

(والى الله لمر استعلى ادلاء)

گوهر گرانمای علم و دانش ستوده گوهر ارجمندینکه
مرقات ارتقای مدارج عالیہ وسلم هروج بمعارض متعالیه
است - ولی چون بضون

(لكل زمان دولته و رجال)

هر زمان را علمی در کار و رواجست باید مرد دانای
کار آگاه بحصیل علوم مروجہ زمان و تدبیر قنون
مطلوبہ اوان خود پردازد - و دفتر پارینه که مایه تنصیح
هر هنیز و اوقات شریف است بدور اندازد که
(قوم پارینه ناید بکار)

از کسانیکه باین مهم پی برده و دقتش را اهم دقیق
شمرده ادیب اریب و فاضل لیب جامع علوم ادبیه
و حاری قنون عربیه ناسرلوای انسانیت و رافع اعلام
مدنیت و حید دهر و زمان همصر محترم مالم جرجی
زیدان) مدیر جریده غرای (الهلل) حکه فی الواقع
در نشر علوم جدیدہ و بسط قنون مفیدہ گوی سبقت
از همکنان ر بوده و خود را منبوط خاص و تام نموده
بیوسته همت والای خود را بانتشار انواع قنون و اقسام
علوم صرف فرموده در حقیقت داد شکر منم حقیقی
این که نعمت وجود را باو ارزانی داشته ماده زیرا که
وجود خود را سهل و معطل نگذارده گاهی بطرز
رومان و حکایت رساله (فتح الاندلس) و (شارل و
عبدالرحمن) و (للملوك الشارد) و (فتاة فسان) و
(عذراء قریش) وغیر ذلک ینگارود تا اطفال خورد سال
بلکه یران سالخورده را بطریق تمدن و غیرت و حیث
و السانیت راه نماید و زمانی بطریق تاریخ و سیر
(تمدن الاسلام) و (فلسفة الفویہ) و (تاریخ الامنة
العربیہ) که دارای مطالب عالیہ و احوال قرون حالیه
است مینویسد تا اعالی شرق خاصه مسلمانانرا سر مشق
برای پیشرفت امور گردد - فی الواقع قدر این گونه
انتخاس بتد همت که کر بخندمت تام انسانیت و تمدن
حکم بینه آند باید دانست و از رسایل و کتب شان
که فکی لبت مضمون با آداب تمدن و اسباب قوی
استقامت غوره ایزد معان مہ خنداشی ببناء جنس صلا
فرموده همت با عمارت تمدن و استقامت را با کمال تعجب و

رسایل عنایت فرطید

داری

شب پنجشنبه سوم شهر شعبان المعظم که شب ولادت
کثیر السعادة حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام
بود و ابن عبد سعید جبهه اختصاصی بسلسله ذاکرین
دارد لهذا جناب مستطاب نتیجه العلماء العظام آقای
آقا سعید رضا (سلطان الذاکرین) دامت الاضناء در منزل
خودشان مجلس جشن منصلی بدستور سنوات سابقه
ترتیب داده انواع و اقسام جراحها و جوارها از هر
قبیل در محن خانه و خارج و داخل روشن نموده
هموم خلق از هر طبقه و حضرت اشرف والا نائب الامام
حکمران محاکمت مازندران با اجزاء و آقایان عامام
عظام و خوانین و تجار و اصناف در آن مجلس حاضر
شدند پس از صرف شربت و جای و شیرینی خطبها
و شعرا خطب و اشعار فصیحہ نظماً و نثراً قرائت
کرده و هموم ذاکرین بدعا سکونتی ذات اقدس
اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه اسلامیان پناه خلداده
تعالی ملکه و سلطانہ و حضرت مستطاب اشرف والا
صدر اعظم مدظله رطب اللسان گردیدند الحق تاکنون
چنین مجلس جشنی دیده نشد و انصافاً مجلس جناب
سلطان الذاکرین نسبتی به مجلس جشن نیمه شبان نداشت
ایضا

شاهزاده ابراهیم میرزای آیب الاباله حکمران
مشغول نظم امور و محاکمتی با کمال مواظبت و مہرم
داری از صبح الی چهار ساعت از شب وقت در
دیوانخانه نغسته بدادخواهی مشغول چند روز قبل
یکنفر از نوکرهای آقا علی رضای تاجر صندوق را
شکسته صد تومان وجه سرقت سکود این خبر
بشاهزاده حکمران رسید فوراً حسام دیوان
فرایشی فراش فرستاده در دو فرسخی شهر سارق
را با وجه مسروق در دیوانخانه حاضر وجه را
بساحبش مسزود و قبض رسید از آقا علی رضا گرفتند
قصه بسیار شکفت انگیز

خانم انگلیس بنام (سرزچاوزکاخ) حکایت
ذیل را یکی از روزنامهجات سیلان مینویسد
چند سال پیش ناخدای یکی از کشتیهای پاریس
شکایتی از (سوندربند) میگفت مادونه از کشتی

دیگر از اشخاصیکه در این موقع ناخوشی بذل
جهد نموده و پیبوجبه خود داری و مضایقه نکرد
جناب آقا میرزا حیدر کمال بود که شهیدان این مرد
بزرگ با آنکه فعلاً شغل خود را کمالی قرار داده است
و در فن طبابت و جراحی مهارتی تام و تمام دارد
در این زمان ناخوشی ترك امور مقرر خود را
نموده از صبح تا دو ساعت از شب رفته هر بیچاره
که مبتلا بناخوشی می شد فوراً بدون هیچ مضایقه در
باین او حاضر شده مشغول معالجه میگردید این
شخص محترم نجیب سلطنت در دزفول از روی کمال
صداقت بابناء وطن خدمت میکند و جنم بزد گرفتن
ندارد بلکه در اغلب اوقات مردمانیکه مکنت ندارند
گذشته از اینکه مجاناً معالجه میکنند مخارج هم از خود
بایشان میدهد خداوند این گونه اشخاص حقه
اسباب آبادی ملکی مستند زیاد فرماید تا دیگران
نیز خود را قیاس بایشان نموده در فکر اصلاح کار
برآیند تا آنکه عنادقه مأجور و عندالمخلوق معزز و
محترم باشند

در اینوقت که حسن خان سرکرده طایفه سکوند
از خرم آباد از جناب مظفرالملک روی گردان شده
بطرف دزفول آمده اهالی دزفول خیلی پریشان
بودند جناب مستطاب نغزالامجد آقا سید عبدالحمید
قلبالسادات مالک قطعه زمین صالح آباد بنوعی
ایشانرا از راه یوانتیک گرفته و همه نوع با ایشان
همراهی و مخارج فوق العاده نموده که تا اکنون سه
چهار ماه است حقه این حضرات سکوند در این
حوالی مستند با آنکه بخیالات دیگر آمده بودند فعلاً
خود را خدمت کار صرف دیوان میدانند و با طامه
مردم حسن سلوک و رفتار نیک می نمایند بپید نیست
که تا آخرماه از شوشتر حرکت نموده بطرف دزفول
بیایند

گنبد قابوس

پس از آمدن سیل در شب قبل و خراب نمودن
همارت کیسپون و کنطور رقابیه که آقا میرزا محمد علی
مشیرالتجار برای رقابیت اهالی و رفع احتیاج
از خارجه در گنبد قابوس فراهم نموده بود دبالتی
بمسارایه خسارت وارد آورد بتوسط هزلت مجله

خود با چند نفر جاشو برای خرید میوه و سبزی
تازه که در آنجا مردمان فقیر و بی بضاعت میکارند
یکی از نهرهای دریا فرستاد ماشوه بکناره رسیده
نزدیک خشکی جاشوان آه را با طناب و لنگر بست
یکی را برای حفاظت ماشوه گذارده باقی برای خرید
روانه شدند مستحفظ زورق در هنگام غیبت رفتای
خود بخواب رفت در آن حال بی خبری افی بسیار
بزرگی از جنگل بر آمده خود را پاشوه رسانیده
دور تا دور جاشوی خفته حلقه زده میخواست او را
بلمیده و خورد سازد که از حسن اتفاق رفتایش باز
آمده فوراً با اسلحه و حربیه بر افی تاخت قدری
دم او را از تنش جدا کردند بطوریکه از حرکت افتاد
بعد از آن افی مذکور را کشته آنگاه افی را از سر
تا دم پیمودند شصت و سه فوت طول آن بود که
معاذل یا پست و یله وار انگریزی یا پوزده گز و
سه ربع شاهی ایران است المظمنه - ترجمه از روزنامه
(اهودیکت اف امدیا) مطبوعه ۴ دسمبر سنه ۱۹۰۴
ترجمه میرزا کاظم نمازی از حیدرآباد

مکتوب از دزفول

(من لم یشکر المخلوق لم یفکر الخالق)

شهادت در این مقدمه ناخوشی و بیه که اکثری از
حضرات اطباء از خانه بیرون نمی آمدند و مراجعه
بمرضا نمی کردند جنابان مستطابان آقا سید محمد مهدی
و آقا سید محمد ابد ماهه تعالی حقه ابا عن جد در
دزفول مشغول طبابت بوده و اهالی دزفول نیز
بایشان با اطمینان کامل و اعتقاد راسخ رجوع داشته
و دارند داد نوع خواهی دادند

در این موقع که ناخوشی بدزفول سرایت کرد
این دو وجود محترم غالباً دیده می شدند در کویچه و
باران آنها از صبح تا شام مشغول طبابت بودند
و بخوبی تشخیص مرض را نموده و معالجه می کردند
چنانکه از ده نفر مریض گاه می شد که یکی دو نفر فوت
می شدند حاصل آنستکه اهالی دزفول کلاً از ایشان
رسانند مستند امید دارم که انشاءالله خداوند عالم جل
شانه ایشانرا موفیق و مؤید بدارد و اجر کاملی عطا
فرماید

عربستان

ناخوشی و نا که تانیاً در قریه قبلیه بروز کرده بود
اندکی در محرم هم ظهور نمود و چند یوم شدت
داشت - ایکن خدا را که رفع و دفع گردید و
بطوریکه با دید این وزهای آخرکی مبتلا نشده است
بیشتر در محرم بار بروز این ناخوشی و وقوع
تقاصت ج. ب. آقای اغلامالدوله کارگذار عربستان که
هر دو حالی ز صعوبت و سختی نبود از حسن نداوی
و معرفت و دلگیری دولت فرانسیس طیب قرنینه
تبعه انگلیس که - هاست ممتحر به خدمت این دولت
ابد مدت و مشغول بمعالجه مأمورین و اهالی این ولایت
است شرحی عرض شد - بقراره علوم این اوقات با استدعای
کارگذار معزی الیه و تصویب وزارت جلیله خارجه
دولت علیه و تصایق سفارت سنیه دولت تقیه انگلیس
عض پاداش و تشویق دو اکثر موصوف يك قطعه نشان
طالی شیر و حورشید از درجه سیم بدو مرحمت
گردیده است

جناب مستطاب اعظم السلطنه حکمران عربستان نوعیکه
سابق معروض اتد از شوشتر بدزفول حضرت نموده
امید است به اصلاح وضع آنجا موفق و در انجام
مقاصد مؤید بوده بزودی از هر جبهه مقضی المرام
رجعت بمركز و معر حکومت فرمانند
فوج در جزئی که مأمور عربستان بود چندی
قبل آمده گویا از ناخوشی در راه زحمت و صدمه کلی
به آنها وارد شده است

مهندسين هولاندى در چند ماه قبل حسب الامر
از بله شوشتر و سد امواز که هر دو از اینیه نافع و
آثار تاریخی است برای تعمیر یا تجدید باز دید کردند
از آنجا که شاهزاد - رت عظمی از این صناعات
و فوائد این اقدامات خصوصاً و از کلیه امور و سود
و صلاح مملکت عموماً خبرتی به سزا دارند و در
انجام آنها بذل مسامی جلیله میفرمایند یقین
است این بار نمیتوان مانند سابق بعضی حرف
فرض کرد - خاصه در صورتیکه وزیر مستقیم الرأی
درست الطوار بی نظیری مثل جناب اشرف
مشرافوله در حضرت سفارت معاون و بمانند این
انظار است البته باید از هر باید امید و اثر و قدر

امور خارجه بخصه پای اقدس هاپوز مرض و اعظم
نموده برای جبر حصر خسارات وارده به کنطور
سی جریب از اراضی گنبد بموجب صدور فرمان
مبارک در حق آقا مهزنا محمدعلی مشیرالتجار مرحمت
شده که نیز در صد آبدی آن برآید مشارالیه هم
مجدداً با آجر ریخته و آهک عمارت بزرگ و کنطور
طوبی تقریباً با سه هزار تومان مخارج ساخته و همه روزه
در صد ازدیاد آن میباشد گویا ترتیب بنای مشارالیه
در استرآباد هم تالی نداشته باشد مثل مسکنهای
حکیمالملکی در حیابان ناصریه طهران میباشد که از آن
بعد از سیل محفوظ است

چون برای رئیس کیسیون - زل لازم بود از طرف
دولت علیه مسیو (هرمان) رئیس گرك بندر جز برای
این کار معین شد مسیو هرمان به گنبد قابوس آمده
طرح تقفه ریخت و يك زرع از زمین بنارا بالا آورد
مسیو (هانس) رئیس گركات بحر حاضر برای رسیدگی
و باز دید به گنبد قابوس آمده طرح بنای مسیو هرمان
را نه پسندید با آنکه دو هزار و چهار صد تومان خرج
تراشی شده بود تماماً را خراب کرده مجدداً نقشه کشیده
در نه هزار تومان بکریلائی علی نجار باشی استرآباد
مقسطمه داد که سقف اطاق و لوازم طوبی و غیره
را برای کیسیون و سرتیب فزاقها بسازد چهار اطاق
آجری هم سرپل برای گرك و تلگرافخانه ساخته شود
و به اقتساط هم وجه او برسانند تا کنون سه هزار
تومان از گرك بندر رسانیده اند چون رئیس گرك در
(الاجق) منزل داشت اول عمارت گرك را بنا
کردند حالیه بای چوب ریزی رسیده ولی هرچه کربلائی
علی فریاد میزند و تلگراف به مسیو [هرمان] برای
وجه میکند جواب نمیدهد همین است که ایران ترقی
نمیکند شاید یکماه بعد مسیو فلان بیاید و بگوید این
تقفه مسیوهانس طوبی نیست باید خراب کرده طرح
دیگر ریخت معلوم نیست دوا - برای يك منزل
کیسیون چه قدر باید پول بدهد و طاقبت بازم تا تمام
عائد الشایقه اگر پول قرار داد بنای را رسانیدند و
عمارت تمام شد عرض خواهد کرد

ناخوشی و باد اطراف گنبد در چند دهات بروز
کرده ولی بمسکنهای خود گنبد سرایت نکرده است

انتظار نتایج حسنه آن روزگار بود. و این را نیز میباید دانست که اولیای دولت علیه دو فکر چندین سد سدید میباشند یکی سد هاییک مانع ترقی و آبادی است باید بردارند و دیگر سد هاییک باعث آن است بگذارند

با اینکه موسم بارندگی غالب جهات هرستان طاه عقرب است امسال هرکس منتظر زولرحمت کاملی بود مع هذا نا بحال در بیشتر نقاط ایجا بارندگی درستی نشده است خداوند نرحم خود را شامل کند

و یس قونسل دولت انگلیس مقیم اهواز که بحرم آباد رفته و با یک انگلیس دیگر از آنجا سرستان می آمد کویا در راه لرستان و هرستان اشرار طایفه دیرکوند آنها را مجروح و اموالشانرا سرقت کرده اند حکومت لرستان با جناب مظفرالملک بود بموجب خبریکه به این صوب رسیده بشاهزاده فرما فرما الی کرمانشاهان واگذار شده است

از قرار سموع بر حسب امر قد قدر هاپون اعلی و دستورالعمل حضرت اشرف صدارت عظمی وزارت جلیله جنگ در تهیه اردوی مکملی برای لرستان و هرستان است و در تحت ریاست و سرداری جناب سالار معظم برادر زاده جناب مستطاب آقای نظام السلطنه حکمران سابق خلیج فارس که مستغنی از تعریف اند در شرف حرکت میباشند و حضرت والا فرما فرما نیز با استعداد کامل به لرستان آمده اند و ظاهراً بختیاری و پشتکوهی و بعضی از شیوخ و طوایف همرا نیز به اردو بخواهند و مقصود تشکیل و تأدیب اشرار الوار و اعراب است که در حقیقت بی اندازه خود سر و بلند پرواز شد و خیلی ادب میخواهند

جناب معزالسلطنه سردار ارفع حکمران محرمه و جنب و اهواز و بی طرف و حوزیه هم بملاحظه آخری فایده وهم بلحاظ اخوش محرمه هنوز احتیاط در فرستادن دارند و اداره امور حکومت و سرحد با جناب حاج محمد علی تاجر پیشکار و رئیسالتجار است و کارهای منتفی و مهم را از محرمه و مرکز بواسطه همایش یا تلفون یا در موقع های لازم شخصاً رفته برض و انجام میرساند و صدور احکام میباید و غیر از جناب حاج رئیس از محرمه احدی از داخله را اجازه بار حضور

نیست خداوند حدود و ممالک دولت علیه را محفوظ نگه دارد ضرر و خطر هرگونه میکروبیای داخلی و خارجی ندارد

بشارت و مسرت بی پایان

اداره جلیله جریده مقدمه و خاطر محترم مطالعه کنندگان مسبوق و اشارت این بشارت را منتظر اند مهندسین هولانندی سابقاً بر حسب امر و اجازه اولیای دولت علیه برای باز دید بندر اهواز و شوش آمدند بودند اینک هم مجدداً به سرحد محرمه وارد و امروز که (سلخ رمضان) است روانه اهواز شدند امید که در سایه هوایه هاپون و اولیای دولت روز افزون عقرب اکیال معلومات و شروع به عملیات این دو بنای بزرگ خواهد شد - و بزودی زوده آن به سمع وطن پرستان خواهد رسید تا بکلی اطمینان بخش خاطرهای نگران گردد انشاءالله

تاخوشی و با نیز از اهواز و محرمه یکباره مرتفع و مندفع گردیده است و بمحداقه و قوقاق تازه نیست. بارندگی هم در اغلب نقاط هرستان شده و بفضل اقه تعالی باز خواهد شد امر زراعت در ایجاها دو اهمیت دارد یکی قوت اهل ولایت و دیگر با خارجه سر رشته بزرگ تجارت و در واقع باعث مزید ثروت مملکت است

جغرافیای ایران

(از شماره ۱۵)

کوههای کیلان

اینکوهها از گنگاه اردبیل گرفته تا بحرای سفید رود امتداد و دارای دو ذروه نامی اند یکی از آنها سفید کوه است که ارتفاعش (۴۱۰۰) متر و در نقطه تلاقی حدود ایالت آذربایجان و سیلان و عراق عجم - واقع است و دیگر کوه (ساولان) و یا (سامان) که موازی سلسله و اساساً بطور متصل در میان شهرهای (منجیل) و (زنکان) و ساحل طرف جنب رودخانه قزل اوزن واقع است

دامن جنوب این کوهها برهنه و تاری از اشجار و بالمعکس دامنه شمالی او سر تا پا با درختهای جنگلی قوی تنسور که بجه بهم دیده اند مستور و پوشیده است در میان ایالتی کیلان شهری است که

و در این رشته کوهی که از همه بلند تر و مشهور ترست یکی کوه تخت سلیمانست که از دست راست سفید رود ابتدا و به بلندی (۴۴۰۰) متر میباشد و دیگر کوه دماوندست که در شمال طهران واقع و بلندیش (۶۶۰۰) متر میباشد و کوههایی که فبا این دو کوه واقع است (البرز) میباشد در جنوب آن يك رشته کوه هست که با او موازی و متمست و او را کوه خسه می نامند و دارای معادن بسیار است حتی تسائیکه از سلطانیه بتزویین میروند در دامنه کوه خسه بدون زحمت معادن فلز آهن را بطور آشکارا مشاهده نمایند

و کوه دماوند که ذکرش سبقت نمود حکومت آتش فشان و اینک هم از آنکوه بخار گوگرد در کال کثافت و بشده هر چه تمامتر دود و خاکش منتشرست دهنه انجباء آتش فشان بقدر صد متر است و بالای اینکوه بر آمدن هم بسیار دشوارست و هم بهم ملاحظت دارد زیرا در اطراف قله کوه طبقات خاکستر که روی آنها را برف مستور داشته از نخستین موانع صعود به آنجاست

از طرف شرقی کوه دماوند رشته کوه طبرستان کشیده شده در دره که رشته کوههای خراسان می پیوندد معدن ذغال سنگ فراوانست و همچنین معدن نمک و یکی دیگر شاه کوه که ارتفاعش چهار هزار متر و از پارچه های همین رشته است دو راه یکی در شرق و دیگری در شمال اینکوه موجودست که نام یکی از آن راهها (چالچانیان) و دیگری شمشیر بدست است فبا این استرآباد و شامرود واقع است

مردم نصبه شاه کوه بالا که در گذرگاه چالچانیان واقع است همه ساله در تابستان باید هر قدر برف و یخ از برای حاکم استرآباد در کارست از کوههای همجوار خود باین برده تسلیم نمایند که این بدهی ناچار لازم است

◀ کوههای خراسان ▶

از طرف شرق استرآباد آغاز و بجانب شرق یعنی بحدود افغانستان هر قدر نزدیک تر میشود بر پهنایش می افزاید

این رشته اساساً از شمال بندر ازون آمده که در کنار دریای مازندران و در خاک ترکستان واقع است

اگر مردی بخط مستقیم دروه اینکوه را سر تا پا به چپاه در حالتیکه يك جانب چهره او بسمت جنوب و سمت دیگرش بطرف شمال باشد نمی که بسمت جنوب است از گرد سم سمند طبرین که در طرف عراق در رفت و آمدند با گرد و خاک پوشیده و طرف دیگر که بسمت شمال باشد با بوی اشجار و ریاحین گوناگون مطر خواهد بود - و مردم عراق هم بیوسته از بوی هوای کیلان و تب ماک بودن آن که بیشتر مردم آنجا باورنج تب بدروود جان میگویند و پیش از هفتاد سال هرقی کنند سخن میرانند - و ازین رو ضرب المثل شده (اگر مرگ میخواهی برو کیلان) اما با آنکه هوای کیلان مانند گرمای گرم و هرق و رطوبت است خاکش در نخستین پایه مذبت و محصولدارست

اگر کسی مانند مرغ در میان هوا ایستاده بیست جموعه کیلان از نقطه هرقی نگاه کند ممکن نیست که او را حیرت دست ندهد زیرا منظره دارد در نخستین پایه لطیف و دلنورب که بیابانش در سبزی و انضارت بدریای عمان میباشد بیشتر از هزارهش با برنج صدی که از برنجهای بسیار دایذیرست مزروع و باقی زمینش با درخت توت و انجیر و شفتالو و کلابی و پرتقال و ترنج و لیمو و درختهای کل مستورست زمینهای که در اطراف نشیمنهاست بر از درختهای کهن کورکن و تاکهای سالخورده که به آن درختان جنان پیچیده اند که همه آن درختان را با شاخ و برگ خود بر کرده اند مستورست - در موسم انگور خوشه های بزرگ انگور که حیرت افراست آن درختان را زیب و زینت میدهد و در زمینهای پست و بلند که بکار زراعت نمی آید درختهای کل خار دار که قالیه می نامند از حد افزون روئیده که در موسم بهار خوشه های گلپای سرخ و سفید آنها در نخستین پایه زیبا و دلربا و لطیف است کوههای مازندران از طرف راست سفید رود آغاز و تا نزدیکی استرآباد رفته است این رشته کوهها بهشت ایران هم نامیده اند

این سر زمین بهشت آسا و این ساحت سبزه فرخ افزا بسبب تب کهنه و حیوانات درنده و بعه های گزنده اش اگر تا یکدرجه غیر مستحکون و خلی از مردم سنگساز است

دوره تحصیل شان چهار سال است که در عرض این مدت از ابتداء الف باء شروع کرده فارسی را کامل نموده قدری عربی و اندکی از مقدمات علوم و ریاضی را تا چهار سال اصلی که مدار اسکناس حسابات است و سیاق ایرانی تحصیل نموده یکی از صنایع را نیز در همین دبستان فرا گرفته آنگاه بشغلی مشغول میشوند تمام مخارج و مصارف درسی این اطفال را جناب پرنس معظم از جیب ثروت خود میدهند و از اطفال احدی حق هیچگونه مطالبه ندارد و محل این محسنت در عمارت حاجی امین‌الضرب در محله دروازه دولاب واقع است

در این موقع که جناب پرنس بزم تقبیل آستان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی وارد دارالخلافه گفته خواستند سرکشی بدبستان حضور نموده امتحانی از تحصیلات دبستانیان نمایند بدین مناسبت جنی از اجله و اطامم و اعیانرا در آن محل شریف دعوت کرده پس از حضور مراتب تعلیمات مبتدیان را رسیدگی و امتحان نمودند - اگرچه تعلیمات این مدرسه ابتدائی است مع ذلک خوب از عهده برآمده مورد تحسین و تمجید جناب پرنس که بمنزله پدر آنها هستند و سایر حضار گردیدند

الحق والاصاف بسیار خوب از عهده برآمدند در هر صورت باید عموم وطن پرستان و ترقی خواهان از مؤسس معظم که بدون هیچ غرض شخصی عنی خدمت بشوع و ملت چنین دارالعلمی را تأسیس فرموده نهایت متشکر باشند و قدر اینگونه اشخاص را که درین راه از بذل مال و منال مضایقه نمیکند بدانند و وجود شائرا محترم بدارند و افعال و اعمال خیریه ایشانرا سرمشق قرار دهند - چیزیکه خیلی بر حسن اعتقاد ما بایشان افزود اقداماتی است که در خصوص صنایع این مدرسه بکار برده اند کسیکه مدارس صنایع و کارخانهای فرنگ را ندیده باشد از مشاهده اسباب نجاری که معزی‌البه وارد نموده فریق بحر حیرت میشود الحق چیزی در اینباب فروگذار نکرده و از بهترین قاریکها این اسباب را قیمت گزاف وارد نموده اند و اسباب ماشین کره سازی نیز بسی درخور توصیف و پاکیزه بود دستگاه پارچه بافی ایرانی نیز داشت

بد و (بالکانه) و قله‌های کوچک و بزرگ غوران و غوبیت که رو بشرق جنوب کشیده شده و در برخی جاها فیابین عشق آباد و قوچان بحکومهاشیکه قرغز میخوانند پیوسته پس از آن کوه غولستان و با دامن که ارتفاعش (۲۵۰۰) مترست درمیان خاک مشهد و سرخس در موقع تربت شیخ جام با کوه (فره‌داغ) که دارای (۳۰۸۰) متر ارتفاع میباشد نقطه ماضد عقده تشکیل داده و از مابین کوشک و هرات داخل افغانستان میشود و در نقطه تلاقی کوههای غولستان و قرغز دشتی در سر کوه بوجود آمده طولاً سی و سه کیلومتر که عبارت از شش فرسخ و نیم و ده کیلومتر عرض که عبارت از یک فرسخ و دو ثلث فرسخ بوده باشد موجود که ارتفاع هکومها که محیط آنرا بطور طبیعی تشکیل مینماید سیصد الی چهارصد مترست اما از روی زمین بتفاوت از صد متر الی دو صد مترش را با کلنگ تراشیده اند که در زمان نادر شاه مرحوم در جلو قبایل وحشی که از طرف شمال هجوم به ایران مینمودند بسبب مناعت موقعیه و حاکمیتی که دارا بود سدی اتخاذ و در جنوب و شمال مدخلی از برای او آماده نموده که مدخل و مخرج آنها با برجهای متین تجهیز و محکم شده مدخل جنوبی را دروازه ارغوان شاه و مدخل شمالی دروازه نفته مینامند و در سلسله کوه فره‌داغ هم شاهقده هزار مسجد هست که معروف بکوه بلوریه ارتفاعش (۲۲۰۰) متر میباشد و موازی همین سلسله دورشته کوه هست یکی (آلا) که به ارتفاع (۲۸۱۰) متر و دیگری بنالو که ارتفاعش (۲۳۰۰) متر میباشد و تا غرب جنوب مشهد مقدس امتداد دارند و در زروه کوه بنالو و شاهقده ده رود مرتفع تر و معروف ترین بلندیهای آن کوهست (باقی دارد)

دبستان دانش

دبستان دانش مدرسه معروف جدیدالتأسیس است که بهمت و غیرت جناب پرنس میرزا رضاخان ارض لدوله سفیر کبیر در دارالخلافه دائر گرفته و در تحمین مراحل نمایندگی است - محصلین و متعلمین این دارالعلم عبارت است از شصت نفر اطفال قراء فی بضاعت که بهمان پذیرفته شده بر میفود و اکنون

که طوالت نگارشات موثر ترک نگارش وقایع مهمه گردیداست

(۳) اخبارات همیشه به تعلق شخصی و امراض ذاتی مشوب نشود و از عنوان بسیار و القاب بی شمار به پرهیزند چه ما ایرانیان اخبار ناآشنا آنچه در اخبار ملاحظه نمایم از مدیر میبایم

(۴) عنوانیکه برای درج اخبار فرستاده شود در ورقه جداگانه باشد نه باخطوط شخصی مخلوط - بدین واسطه نیز بسیاری از وقایع و اخبارات همیشه تا نوشت میباید چه انتخاب مطلب از بین مطالب خطوط دشوار و وقت زیاد میخواهد

(۵) اشخاصیکه امضایشان معروف اداره نیست هرگاه بتوسط یکی از معروفین اداره معرفی نشده عنوانی برای درج اخبار فرستند امید بدرج آن نداشته باشند مگر عنوانی باشد که بجای بر نخورد و مفید عام باشد

قابل توجه وکلای محترم

(۱) اسم هر یک از خریداران را میفرستند ادرس کامل او را هم با خط روشن و جلی بنویسند
(۲) هرگاه تبدیل ادرس یا اصلاح یا استعفا خریداری را خواهند عین همان ادرس طبع شده را باداره باز فرستند و دستورالعمل را بالای همان ورقه ادرس به نگارنده با اسباب زحمت اعضای اداره کفر شود

اخبارات خارجه

§ روزنامهجات انگلیسی از بیانات امپراتور روس در حادثه بحر شال اظهار شکفتی نموده سخنان او را مذبذب تصور میکنند و مگویند از کلمات او ظاهر می شود که جہازات روسی بر یکدیگر هم شلیک نموده اند

§ دو انگلیسیانیکه برای خرید کشتی موشک در بلوس فرمایش داده بودند حکم احضار از عدالت لندن بنامشان صادر شده است

§ فعلاً دوازده هزار روسی در انگلستان پناهنده اند و همه روزه بر عدد آنان می افزاید

§ خبر روتر از (پریم) خبر میدهند که جہاز (کترینه) که در (جیوتل) است انکار میباید که جہازات آلمان و کشتیهای جنگی روسی ذغال داده باشند -

که حوله و امانت آزامیافتند و از بافته های دبستان نیز مقدار زیادی حاضر بود که جناب اشرفی خریدند و جیبش را بصندوق دبستان پرداخته همه حاضرین قسمت کردند یکی از آنها را نیز بجناب آقا میرزا سید حسن اخوی جناب عالی دادند که برای اطلاع بحضور عالی فرستند البته فرستاده اند و مشاهده فرمودماید که چه قدر ممتاز و لطیف و شایان تحسین است

خداوند تولیقات و تأییدات حضرت مؤسس محترم و رئیس و اعضای را زیاد فرماید تا از این بناهای خیریه بسیار از ایشان بیادگار ماند و ما را نیز چشم پنا و گوش شنوا عنایت فرماید - در خاتمه خطابه خیراتی یکی از اطفال قرائت نموده بحاجت با نهایت خرمی اختتام یافت

اخطار

چون از روی قواعد پستخانه اخباراتی که بنام چند نفر جداگانه ادرس شده در یک بسته فرستادن ممنوع است - لذا ادرس های مشترکین را علیحده و بسته اخبار را ساده و بدون ادرس گسیل میداریم که از قوانین پست مخلف نشده باشد وکلای محترم ادرسها را جیبانده بمشترکین تقدیم نمایند

(استدعا از وکلا و مشترکین محترم)

از حدود حادثه شماره های سی و هشت - سی و نه - چهل - چهل و یک - چهل و دو - چهل و سه - چهل چهار سال یازدهم مفقود شده و از هر یک صد نسخه در کار است هر یک از وکلا هر قدر میتوانند نسخه های مذکور را بدست آورده و لو خریداری از مشترکین باشد باداره ارسال دارند

قابل توجه وقایع نگاران محترم

اعضای اداره با منتهای ادب از وقایع نگاران محترم نامور ذیل را مقررند

(۱) وقایعی که برای درج اخبار میفرستند صاف و روشن باشد - مقصود خوش خطی نیست بلکه سلیقه و مشکل خوان باشد

(۲) تا جایکه ممکن است با مجاز و اختصار پردازند چه حکایت یک تربط و چه قدر است - بسیار شده

(بانوه) ۱۳۰۰۰ تن ذغال گرفته روانه شده و چنان تصور میشود که جهاز مذکور این ذغال را برای دسته جہازات جنگی بالتیک خواهد برد

در واشنگتن شهرت دارد که دولت ژاپون دعوت مسز روزیولت رئیس جمهوری آازولی را برای شرکت در مجلس حکمیت لاهی بدین شرط قبول نموده است که بیچوچه ربط و تعلق جنگ موجوده نداشته باشد یعنی در ماده جنگ موجوده هیچ مسئله پیش نشده و بحث نشود

جنرال قولسل ژاپون در بمبئی رسماً چنین خبریافته که از (مژهل) چهار شبه عصر چنین خبر رسید که جهاز نویسان تا نزدیک نشان غرق شده - و جهاز (پیدا) بطرف بندر آرتر فرار کرده و بجانب مغرب رهسپار گردید

جنرال روسیه تحریک مینایند که دولت روس در این موقع می نموده جهازات دریای اسود را از پوزان دارد نلنگذواتد - روزنامه (پوریمیا) در این باب مقالات چند نگاشته ضمناً بیان مینماید که فقط اجازه باپسالی در این باب کافی است یعنی رضایت دول چندان لازم نیست - اخبار مذکور در ستون دیگر توصیف زیادی از نپتان (کلادو) که شرکت فیصله معامله (هل) میباشد مکرره ضمناً اشاره میکند که هیچ خطری ما را از دولت انگلیس نیست - چه این دولت را جز هیاهوی ظاهری و جمع و خرج زبانی نیست - لزوم صدق مینمکنند هرگاه متنب اثری شد فها ورنه در عقب صدای خود بلند می شود - چنانچه در سال هزار و هشتصد و هفتاد و هزار هشتصد و هشتاد و پنج جمع و خرج های زبانی بسیار نمود - و اینک در معاملات دریای شمالی در ماده مای گیران جهان هیچ جمع و خرج و زبانی بسیار می نماید -

خبری واکه (پارو) روزنامه طمس اطلاع داده تصدیق میکند بیانات اخبار استند در کتاب تاریخ ۷۷ نوشته بود و چنان ظاهر می شود که بحکم شخصی یک کشتی کرمه در پاریس ساخته شده - و نیز ظاهر دافته که در این مدت فرمایش خرید دو جهاز کرمه رسید ولی از طرف اعتراض دولین متنازعین مراتب را به امپراتور پیش کردند

جهاز و صوف میگوید که در (جیوتل) جهازات روسی ذغال ذغال نموده بجہازات جنگی خود تقسیم نمودند و قایق نگار میلی میل از پترسبرگ خبر میدهد که دولت روس حکم نموده که دسته سوم جهازات نیز بجانب اقصای شرق روانه شوند - و این دسته از جهازات دریای سیاه نخواهد بود

دیروز ژاپونین مجدداً در بندر آرتر شلیک نموده و اکثر کالاهایشان کاری واقع شده است - چنانچه از شلیک جهازات مذکوره کشتی پیرسویت روسی محترق شده و جهاز ریتویسان قریب الفرق است - جب راست کشتی (پرویده) نیز بجانب آب کچ شده است - جهاز جنگی روس (برون ریتلی) که برای مرمت در (بریت) معطل بود پس از تعمیر بمرکز مقصود حرکت نمود

کیسیون کابل پس از توقف چند روزه جلال آباد بجانب (گنگامک) روانه گردید -

حسب حکم وزارت بحری روس کپتان کلادورا که بتاريخ سه در روزنامه (پوریمیا) نکته جینی در قوای بحری روس نموده بود بازده روز حکم مجبش شد و مقدمه مسز (سینت - و مسز روشی) را ملانوی گذارده اند

دیور عدالت عالیه جنگی پترسبرگ که محکمه استیفاف است امور ذیل را تصفیه نمود

خرق جهاز (تپه) که در جولائی گذشته شده بود خلاف قانون قرار داده و دعوی می و نه هزار لیرا که مالک وی نموده بود تصدیق کرده است - ولی در ماده محمولات آن هیچ متعرض نگردید - ازین ظاهر می شود که تصفیه عدالت ولادیرسنگ را بحال خود گذارده است

دو کشتی کرمه (اولک وایدونیرود) که در مقدمه دسته جهازات امیر البحر (پترسبرگ) که فرمان گذار دسته دوم جهازات بالتیک است از (نچیر) بجانب سوئز رهسپار گردید و (کشتی) که سابقاً موسوم به (سمونک) بود با دو کشتی موشک در (الجزیرا) موجودند

پس از تصرف کوه (اکاسکا) ژاپونین دو کوه دیگر را در قرب قلعه کواتشان متصرف شدند

جهاز (بنکایه) آلمان از (کاردیف) به اسم

کولانگا) پنج ضرب گلوله توپ رسیده و يك افسر نیز مجروح شده که در دریای (نخیر) مرده است
 § (کاونت ویش پولو) در دارالشورای آلمان مقوله (هر بیل) را رد نموده اظهار داشته است که ملاقات (نامیس سنجوری) بفرض آن بود که رفع اثر مفاصل دشمنانه اخبارات انگلیسی را بنماید - هیچ شخص ماقبل در آلمان خواهش نمی باید که بین دولتین انگلیس و آلمان جنگ شود

§ حسب الحکم دولت انگلیس در (کولبو) و سایر مقاطعات بحری جہازات ماهی گیری باید تمام شب چراغ های مخصوص خود را روشن نماید تا اینکه دسته جہازات بالتیک که از آن بواح میگذرند بشه نیوقتند
 § بتان (کلادو) بواسطه نکتہ چینی از اداره بحری و حرکات ناشایسته جہازات بالتیک و - مخان دلیرانه که بیان کرده بود ملزم قرار یافته او را بازده روز سزای حبس دادند - اهالی خیلی همدردی او برخاسته در پتوسبرگ با کمال گرجوشی و منتهای مباحی او را معزز داشته حامی وطن و ملتش می نمایند

§ قونسل ژاپون در بمبئی چنین خبر داده که افسر دسته سوم جہازات خبر میدهد که در دسته کشتی موشک شکن بتاريخ ۱۴ در ساعت چهار صبح در حالیکه روف و طوفان شدید بود بر جہاز (سواستوپول) حمله نمودند - يك کشتی موشک شکن مفتوح شد - باقی جہازات پسلاوت نا گشتند بتاريخ صبح ۱۴ لگهبتان راپورت داده که جہاز (سواستوپول) از جانب عقب يك ذرع فرو نشسته بین بازده و نیم کشتی های موشک شکن ما بر (سواستوپول) باز حمله کردند و يك جہاز بر سینه او حمله آورد حالات تفصیلی این حمله تا کنون معلوم نیست ولی بتاريخ ۱۵ ساعت نه نگهبانان اطلاع دادند که (سواستوپول) زیاده زیر آب رفته و کشتی های موشک شکن او نیز همه حرق شده اند

§ گرفتاری جہاز (هریبا) را مطابق حکم عدالت ولادیوستک عدالت بحرین پتوسبرگ تصدیق نمود و اعتراض (دودویل) کیانی را قابل سماعت ندانست و در ماده معمولات آن آنچه از ممنوعات جنگی بود موفع اعتراض یافت در سایر معمولات حکم عدالت ولادیوستک را باطل قرار داده است

§ کمیسیون افغانستان بکابل رسید اعضای کمیسیون همه سالم اند - و در محارتی بسیار عالی فرود آمدند که مخصوصاً امیر برای آنان تعیین نموده بود - حکومت بلدیہ و سرداران و خوانین و افسران آن بواح محترماً اعضای کمیسیون را پذیرائی نمودند و برای تبریک قدمشان باره شلیک توپ شد

§ امیرالبحر (فولکرسام) با جہازات خویش بجانب عدن رهسپار گردید

§ روزنامه طمس مینویسد که در ماده جہاز گرمه پاریس امیرالبحر فمه دار بلکه ملزم است - لازم میباشد اگر جوانی درین باب دارد پیش نماید

§ وقایع نگار (استندرد) از پتوسبرگ مینویسد که دلال جہازات جنگی امریکا مستر (فیلنت) که بزرگ دلالهای اروپاست از مسکو بجانب اسلامبول روانه گردید - چنان تصور می شود که مشارالیه را اراده این است که بر جہازات جنگی (جنتان) و (جیلی) نشان سفارت را چنانچه روس برای جہازات خود استعمال مینماید انتظام کند

§ روزنامه طمس وقایع را مکه استندرد در ۲۲ شهر گذشته نوشته بود در باره (یارو) جہاز گرمه تصدیق نموده مینویسد که يك نفر در پاریس حکم به ساختن يك کشتی گرمه داده بود و چنان ظاهر بود که کشتی مذکور برای سیر و تفریح است - و در بین جہاز ماه گذشته حکم به تعمیر دو جہاز موشک رسیده از توجهیکه که دولتین متعاهدین نمودند از تکمیل فرمایش او و امتناع شده و حکمه بحریرا آگاهی دادند - روزنامه طمس مینویسد که ذمه واری این امر بر حکمه بحریرا است و تصور بروی وارد خواهد آمد

§ خبر روزی از (پریم) خبر میدهد که دسته جہازات امیرالبحر (فولکرسام) در جزایر (موشایه) که بین (اوبک) و (جوتل) است در شب ذغال گرفته اند

§ حکمه بحریرا پتوسبرگ در ماده ماده بحر شمال رپورت امیرالبحر روسرا چنین اشاعت داده از پورت مذکور ظاهر می شود که ده دقیقه پس از موقوفی شلیک اشاره نمودند که دسته جہازات عقب بر کشتی های گرمه طوفان شلیک نموده چنانچه بر جہاز

مکتوب از بحرین

جناب مؤیدالاسلام ۹ شهر جاری از واقعه جانسوز و حادثه جگرگداز بحرین و سدهایکه بر رطایب ایران وارد شده بود با بحواسی مختصری عرض شد انشاءالله بنظر مبارک رسیده بوم ۱۹ شهر مذکور تلگرافی از نجار و مسکبه به جناب مستطاب آقای مدیرالدوله وزیر امور خارجه شد هرینه هم بمقر الدوله کارگذار بوشهر هم نوشتند و بیک نفر نجار که رشته تجارت بحرین را دارد خبر دادند چنانچه از بوشهر خبر رسیده مسکه از شنیدن این حادثه جناب دریایی و کارگذار خلیج حرکات غیرعادانه و وطن پرستانه نموده اند

و بوم ۲۱ شهر رمضان جهاز انگلیس (ریدریش) مخصوصاً برای تحقیق وارد شد

جواب تلگراف نجار و کسبه از طرف وزارت خارجه بدین عنوان رسید

تلگراف شما در باب سدهائی که از طرف اهراب بحرین بشما رسیده است واصل شد. البته خاطر شماها آموده باشد با سفارت انگلیس در این باب مذاکرات شده و عنقریب فراری گذاشته خواهد شد که دفع ظلم شده و متصرفین بجزای خود برسند (مدیرالدوله)

از رسیدن تلگراف مذکور اندک اطمینانی جبهه چاکران بعهده دولت علیه حاصل آمد. ولی تاکنون از طرف بالپوزگری دولت انگلیس چیزی اظهار نشده که نتیجه بدست آید جهاز دیگر انگلیس (اسلینکس) باید وارد شود. فعلاً مصیبت بسیار است انشاءالله بعداً عرض خواهد شد تا حال مخازن و دکاکن ایرانیان بند است

آر خامه یکی از خیرخواهان

(۱) دولت علیه را لازم است علاوه بر سرشت امور را باشخاص یا دیانت خیرخواه که دفع و ضرر دولت را با دفع و ضرر ذاتی مساوی داند تفویض فرماید یعنی امورات مهمه را باشخاص پست و رزالت پیشگان سپارد تا بواسطه خود فرضی و اغراض نفسانی ایشان بنیان دولت رو بنهدام نگذارد و امور مملکت تعسیت پذیرد

(۲) سر کرده کی سپاه و ملک را به اعلیٰ مناصب و رطایب دولت غیر جزاً و کلاً نگذارد تا بواسطه خیر

اندیشی مذهب و ملت خود در خرابی دولت اجد مدت مجال کوشش یابند

(۳) اجزاء و اراکین دولت و ملک و رؤسای شریعت ممالک محروسه را از روی کتاب الهی در خیرخواهی دولت بهمد استوار نموده در دارالشورای دولت شامل نمایند تا هر یک بواسطه معاهده مذهبی و ملق خودشان را فرد فرد جزء دولت و قیام دولت را اسباب امن و ترقی خود و قوم تصور نموده از مصالح دولت و مات انحراف نوزند

(۴) در ایجاد صنایع جدید که خروج اقبال و موجب نام آوری دولت و ثروت ملک است سعی کرده تا کلیه دفع احتیاج دولت و ملت از دول غیر و ملل خارجه بشود اراکین و رؤسای ممالک محروسه را دولت باید هم مقصد خود قرار داده در هر بلدی از بلاد و بلوکات کارخانههای متعدده ایجاد تا از هر قبیل اشیاء و آلات حرب و پوشاک و ضروریات ما محتاج فراهم و از خارجه مستغنی گردند و مداخل ملک و ملت در خارج حمل نکرده - و در هر یک از کارخانجات دولت هم خود را در رساندن مدد نقدی ولو جزئی باشد شریک قرار دهد تا در اسباب ترقی ذرایع فوق العاده حاصل آید

(۵) در امور پست و نمر که مقنن است بر چندین صیغ مختلفه است مثل لفافه های رسمی و مراسلات جوابی که بزبان انگلیس (رجستری) نامند و ذریعہ رسیدن وجه باجرت نازل که اسباب تسهیل حوایج کافه رطایب است یعنی اگر کسی از رطایب بخواهد از جانی بجای پول بفرستد و اقتساح بنگ در پستخانه که مردمان کم مایه جزئی نقدی خود را در آنجا امانت گذارند و غیره و غیره لازم و فواید بسیار برای دولت منظور است یکی آنکه در دخل دولت ترقی میشود - دیگر اسباب آسایش رطایب است - مشروط بر آنکه سرطایب رطایب در سایه حمایت و حفاظت دولت از دستبرد راهزنان و قطاعان طریق محروس و محفوظ ماند این مراتب مایه اعتبار دولت و اسباب دلگرمی رطایب است

(۶) شیوع جرایم و روزنامهجات متعدده مختلفه ملک در هر یک از بلاد و بلوکات بهترین اساس تمدن و نیکوترین تازمانه غیرت و ام نرین اسباب تمییز رجال و عهد ترقی

جاسوس دولت است اخبارات یومیه و جراید اسبوعیه و ماهانه بسمع اقدس هیونی و اولیای ابد مدت جمیع حادثات و واقعات یومیه ملکیه را مبرسانند و از حسن و قبح ظنون رطایب و ظلم و عدل امنای اولیا و کیفیت آرام و اغتشاش ولایات محروسه و دول ساز و احکام رزم و یزم سلاطین خارجه و قلب و سومدیات ملازمین دولت ابد مدت و حسن آدات هواخواهان دولت و کینیت احوال رطایب و مات داخلی و خارجاً گوش زد متصدیان امور میدارند و در تدارک و تلافی و دفع افعال زشت رطایب و ملازمین میکوشند تا هر یک را فرا خور افعال و احوال پاداش رسد

(۷) امور نظام و فوج و مواجب و پوشاک و اسلحه جدیدالاختراع و مواقع لازمه را در سلطنتهای مستقله شخصاً پادشاه باید ملاحظه فرموده احکام مستلزم را صادر فرمایند و یومیه خلاصه احوال افواج و عساکر نصرت مآثر داخله و مرحدات بذریعہ تیلگراف هرشام و صباح بسمع اقدس هیونی بلاکم و کسر و تقاب و تمنع باید برسانند. و نخوای افواج را ماهانه بلا تقدیم و تأخیر از خزانه باید به فرد فرد قشون برسانند تا سپاهیان را که محض ترقی دولت سرمازی مینمایند از امور خود و امر معاش خویش انقراض کلی حاصل باشد و بجز تقدیم امور منسوبه دوجی بدیگر کارها مثل هیزم شکنی و نمائی و تصابی و حالی و نواع کارهای دیگر نپردازند زیرا این حرکات سبب اهانت دولت است که فوج بدیگر کارهای پردازد و سپاهی که همواره در کارهای دیگر مصروف و در مسکر خود حاضر نباشد از قانون حرب چگونه اطلاع خواهد داشت و چطور خون حریبه را خواهد آموخت

(۸) در جمیع بلاد و قراء و بلوک امری شود که اطفال رطایب را در مدارس معموره منظمه دوائی و مانی حدس علوم دینی و قانون زراعت و تجارت و دستکاری که عبادت از اختراعات جلیله جدیده است تعلیم دهند و در هر مدرسه از هر فن شخص ماهری را بمشاوره دعوت مقرر دارند و نیز امری شود حکمه هر روز بعد از فراغ تحصیل علم و فن اطفال قواعد جنگی بیاموزند و بجهت جمیع اطفال رطایب بالسویه اسباب تهویق مقرر و خریداری تا بطن وسيله در تحصیل علم و فن و قانون

حرب و غیره بدل گرمی اشتغال نماید و هیچگونه گرد حرمان دامنگیر خاطرشان نگردد و بکمال شوق در تحصیل امور مذکوره اقدام نمایند تا در وقت ضرورت دعوت را در فراهم آوردن قشون با قاعده مذاقه پیش نیاید چنانچه در سایر دول عسکریه معمول است حکمه هر یک از جوانان رطایب را مدت معینی بموجب حکم دولت در مشاق عسکریه شامل مینمایند تا در تحصیل قانون و قواعد حرب بدرجه کمال رسند و بعد از آن هر یک از ایشان را اجازت داده میشود که در امور زراعت و تجارت و کارهای خود پردازند و در اوقات ضروریه بمجرد اعلان دولت برای اعانه ملک و ملک حاضر می شوند و هیچ وقت دعوت را در فراهم آوردن قشون دقت دامنگیر نمی شود

(۹) پول کاغذی که در زبان انگلیس (نوت) مینامند برای ایران بهترین ذوابع ترقی است چه اگر نوت در ایران چاپ شود بکمال سرعت دولت از تقالت و گرانی قروض خارجه سبکدوش تواند شد باید نوت از یک تومان الی هزار تومان یا کم یا زیاد حسب مصلحت دولت طبع شود و هر نوت به غیر و شمار باشد و در خیره کاغذ بخط آبی حکمه در انگلیس (واتر مارک) میگویند بجهت شناخت و دفع تقلب و غیره بگذارند تا کسی از داخله و خارجه تقلب نتواند کرد چون انتظام شیوع نوت بشود و نظام پذیرد دولت میتواند نوت های صرافان انگلیس را از تجار داخله اخذ نموده بروض نوت خود را بدهد

(باقی دارد)

مکتوب یکی از فضلاء نامدار

دام تأیداتکم. در عمره چهارم جبل المدين مکتوب نجف اشرف ملاحظه شد لازم دانستم که بجهت تنبه و آگاهی نگارنده محترم بعضی اطلاعات خود را نگاشتا شاید دفع بعضی از مفاسد گردیده اسباب آسودگی عامه که هزارها فرستگ از حضور حضرات علمای اعلام و حجج اسلام کثرتاً امانتاً دور و دستشان بدانان آن بزرگواران نمیرسد بشود

پس بخدمت حضرات اساطین دین و مروجین شریعت حضرت خاتم النبیین صلوات الله علیه و آله اطاعت عرض با کمال ادب بجهت میدارم حکمه هرگز نباید مستحکم

تو مفید است مدعی مزبور با زبان چاپلوسی از آقای معظم الیه حکم بر بطلان دعوی خود گرفته پس از چندی بدیوان خانه حکومت علیه طرز و همان صورت حکم را بامبلی تعارف تقدیم کرده اجراء حکومت بزور و جبر وجه آنرا از مدعا علیه وصول و مدعی بر ایان تسلیم نمودند بپساره مدعا علیه هر چند فریاد سکرد که این حکم بطلان دعوی مدعی است کسی نشنید و آن بنوا را بحکفر والحمد نسبت گرفتند که خلاف حکم سرکار آقا میکنند و حال آنکه اصل حکم موافق او بود - در مملکتی که وضع جریان امور این باشد که حکم بر بطلان را بجای حکم نبوت اجرا نمایند عوام بیچاره چه تقصیر دارند اگر وکالت نامچه حسیه را اجازه اجتهاد یا اعلیت پندارند خاصه اهل هندوستان که از زبان عربی و فارسی خصوصاً عبارات منلق بر ایام حضرات علمای اعلام بیخبرند -

سایر این لازم است حضرات حجج اسلامیه ملاحظه حال و دیانت و قوی انتخاسیکه بر طل و مرض و خون مسلمانان مسلط می شوند بدو که نوشته فرمایند تا روز رستخیز دامن گیرشان نشوند و خون و مال و ناموس هزارها نفوس اسلامیه بدر تود این مطلب را هم باید دلت فلان شخص که قصد گرفتن اجازه بنیات طالبات میآید ناچار خود را با کمال ورع و قوی و برهیزکاری مانند طاؤس علین در انظار جلوه میدهد تا بمرکب مراد سوار گردیده اجازه گرفته مراجعه بوطن خود نماید - پس نباید بحسن ظاهر چند روزه فریب خورده هر چه دخواست اوست رفتار فرمایند - بلکه باید اسوال و رفتارشان را از اهل وطنش و کسانی که از حالات طفولیت و جوانی مطلعند جوای شده تا عورت بدبایان خود و ابتلائی خوبشان و استهزاء بیگانگان نفوذ

روزی در مجلسی مرکب از موافق و مخالف بودم شخصی از مخالفین بطریق استهزاء و تمسخر شروع سکرد بذكر اوصالی و افعال و اطواریکه از ملتسین بلباس اهل علم بر آمده یکی از مولفین بجواب او زبان بتعدیل و توثیق گشود مباحث آنگاه بهتسیر و آنگاه لعل زبان بدبازی اجبت، بزبان نهایه این

و امهار آن بزرگواران که دارای همه گونه اهمیت است دست هر کسی بیفتد عوام الناس که ابدأ تمیز میان حق و باطل و ظلم و جاهل نمیتوانند داد - چه قصور دارند بمجریکه چشمشان بر ارقام و امهار آقایان عظام که در تعدیل و توثیق فلان نگاشته اند استاد ناچار مرا دعوی بکنند حق اجتهاد و علمیت تصدیق خواهند نمود و اگر هزارها فسق بین بلکه کفر صریح از او مهاجمه نمایند بماد (کذب سمعک و صرک) کور و کر بلکه احمق و حر حل بر صحت باید بحکمتند و گرنه فوراً شخص موصوف حکم بکفر سکرده از زمره مسالمتش خارج میکند با این وضع بناسچار یکی دوکار باید کرد یا پرده دری کرده درخواست و استدعای نسخ ارقام این گونه مردم را از حضرتشان نموده مسلمانانرا از جنگال گرگان ملبس بلباس میش رهائید یا از اصل از ارقام مبارکه چشم پوشیده انکار باید کرد و این هر دو منافی با اسلامیت و بدبنداری است

اول بسبب اینکه اهانت بزرگان دین مبین است زیرا (من مدح و ذم کذب مرتین)

دوم کذب و افتراء بر علمای اعلام که منافی دیانت و مخالف قانون شریعت است - پس چاره بیچارگان جز سوختن و ساقطن نیست مگر آنکه حضرات حجج اسلامیه علاجی فرمایند -

مطلب دیگر اینکه اگر چه حضرات علمای اعلام سواى اذن و اجازه مداخله در بعضی امور حسیه نداده باشند و صریح انکار اجتهاد شخص موصوف را فرموده باشند عوام بیچاره بمجرب زیارت آرقم باجتهاد و عدالت او معتقد شده سر رشته جمیع امور دین و دنیای خود را باو واگذار خواهند نمود چرا که قوه خواندن و فهم عبارت ندارند بلکه تمیز مدح و قدح نمیتوانند نمود یاد دارم شخصی بر دیگری ادعای طلب کرده در محضر یکی از علمای کبار همراه حاضر شدند پس از طرح نزاع و تراغ و ثبوت بطلان دعوی مدعی و برائت فعه مدعا علیه مزبور از آقای معظم الیه صورت حکم نامه طلیده در جوابش فرمودند که بطلان دعوی تو بر من ثبت شده و حکم بر خلافت نمود صورت حکمتامه بیکلوت میآید و بجز ابطال دعوی تو نمی توانم بکنم و باز برای عظم

گفتین از راه تجاری با غایت شرمساری رفع نزاع را بیصدم هستت علمای اعلام از خطا و نداشتن غیب و ما فی الضمائر و عدم آگاهی از بواطن دیگران تمسک جسته بقطع خصومت و نزاع را نمودم - رجعتی و اتق از حضرات حجج اسلام مدظلالهم العالیه علی رؤس الامام آنکه در جمیع امور خاصه امر مذکور طریقه حزم و حذقت و احتیاط را از دست ندهند

صنفاة و جمیع المؤمنین من الذنوب و الخطایا و الآثام
محمد سیدالانام و آله البررة الصکرام علیهم من امة
الصلوٰة و السلام (خاکسار علما)

حجرات ایراد مخصوص

نمرة اول سال دوازدهم روزنامه مقدسه جبلالتین زیارت شد در طلق ناظم انجمن يك عبارت خیلی نامربوط بود یعنی اصل ایرانیان را بجهت بقاء در مذهب اصابت خود بیگانه قلمداد و تقدیم ذکر ارامنه را با آنها و مقام آنها را مساوی کردن با یهود و ارامنه از الحاد دور است - شخص نسجیده نباید حرف بزند و چنان خیال میکند که در مقام خود لطفی بلیغ فرموده است طلق مختص اشخاصی معلوم و معینی است که دارای امتیازات چند هستند - طایفه ارامنه و اعتبار قول آنها و مدافعت آنان بر همه کس و اهل علم معلوم است اصلاً ما ایرانیها که ظاهراً مسلمانیم و آواره هردو جهان در هر کار جز اغراض و خودبانی خصوصاً نداریم عوض اینکه بیگانه و بیگانه را بشناسیم و قدر دوست و خودمانرا بدانیم بملت خودمان توهین می کنیم و باخبر که خرابی ایران یکجا از مداخله آنها در امور و استخدامشان در سفارتها و قونسولگریها و سایر مقامات رسمیه است اهمیت میدهم

ایراد دوم - بشارت های تأسیس مدرسه عسکریه اولی پایه سرور و خوشنودی هموطنان گردید در پروگرام آن یکجا سهوشده قرآن کریم کتاب مقدس آسمانی دین اسلام است کتاب درس اطفال نیست و آن غلام مقدس را بدست اطفال غیر مجرب دادن گناه است چرا سکه از پاك و نا پاك پریشان نتوانند گردان این حاك حرمت قرآن است در دول متدینه حکمت تأسیس کرده از قوانین جاریه آن حکمت یکی هم

تخلیف است هر قومی را بکتاب خود در مراسمات قرآن مسلمانان هم موجود است نگارنده مراتب احترام اخیار و بقرآن مسلمانها نمی تواند بیان کرده همین قدر که در مقام مرتفع و معظم و جامه و حفظه مخصوص اهل گذاشته اند هر وقت موقع حلف شد با کمال تعظیم آورده در حضور قاضی مسلمان قواعد تخلیف را جلوی می سازند اما افسوس ماها با وجود پیروی مذهب اسلام وقتی که قرآن تازه است میدهم بدست اطفال بی تمیز تا اینکه اوراق و جلد کلام شریف فرسوده و کهنه شود آنگاه در گوشه مساجد خاک آلوده مقام اوراق پراکنده است باطنال باید اول خواندن و نوشتن آموخت و عظمت قرآن را ماکه آفاق ساخت و قنیه خواندن بیسازو رند خود قرآن میخوانند و تفسیر هم میکنند اغلب طلبه های ما نجوید میداند و قرآن را غلط میخوانند سببش آن است که قرآن را مقدمه تحصیل قرار داده و در طولیت خوانده و اول بلفظ یاد گرفته اند

کرتو قرآن دین غلط خوانی

به بری رولق مسلمانی

سوم اعتراض به پروگرام مدرسه عسکریه اثری است متکلم و نا کس عیب نگیرد سخنش اصلاح نپذیرد در جزو تعین (مجازات و توبیه) اطفال دبستان نوشته آمد از جمله یکی این است در صدور تقصیر و اهل در محل در مکتب بطفل خطاب و غیرت بایند و امثال ذلك دیگری از حزا پاك کردن کفش اطفال دیگر قسمت کردن کفش بچه ها) و بر سبب کفش و غیره این فقره اسباب حیوت و تسبب است زیرا اطفال را عوض تربیت و تربیت مسکون موقوف بهمین ترتیب های غیر صحیح است طفل که در بچه گی لفظ زکات شنید و بخش شنیدن عادت مسکون در بزرگی چه میشود چون غالب ما در مکتب قدیم تحصیل ضرب زید عمر کرده ایم اول تحصیل مان بر ضرب و شتم شروع شده ولی امروزه اول کلمه تعلیمه اطفال با سعادت دینا لفظ انسانی و حرمت و دوست داشتن است ضرب و شتم در کار نیست نفس بکلی باید از ایران و از مدارس ایران قذف شود

جبهه درج نامه مقدسه مینگارم تا رفع اشتباه شده و بر همگان معلوم شود ازین تجسوز و بیجکیهای برخی مأمورین است و ابداً دولت مستحضر نبوده و نیست و وقوفات بدون حق و زاید زیلاً مینگارم

روز شانزدهم شهر شعبان جبهه بیرون آوردهن حال بگمرك اسلامبول رفته بودم در ساعت شش روز صبح كرك عملو از تجار خریب و بومی و خودی و بیگانه بود ناگاه فریاد تظاهراته دخرانی در كرك بلند شد كه میگفت ای مردم گواه باشید می خواهند مال مرا بجز و ستم از دستم بگیرند همینكه این آواز بشمع اهلی رسید هموم دست از كار كشیده و بدالو دویدند من ندیده نیز كار خود را رها نموده بدان طرف رفتم گاش ترفه و ندیده بودم در چنان موقع مقدس كه دولت امنیت آن موقع را كفالت فرموده چنان چیزی از طرف مأمورین امانت بروز میناید

باری دیدم شخصی را عمله كرك كشان كشان میبرد و فریاد او بملكه اثر بلندست در صد تحقیق برآمده معلوم شد این بیچاره گاشته و وکیل عمل كرك تجار ایرانی میباشد و از مال يك نفر تجار ایرانی يك فرد خالی بزرگ مرغوب وارد كرك شده و این بی نوا خالی مزبور را جبهه ادای رسم كرك گشوده مستشار كرك در او طمع بسته و میخواهد بزور و جبر از او بگیرد به اسم آنكه جبهه سرای هایون اعلیحضرت سلطان لازم است اما وکیل و گاشته تاجر فریاد میکند من چگونه میتوانم بدون اذن و اجازه صاحب مال خالی او را بشما تسلیم کنم مرا رها نمایید بروم بصاحب مال آگاهی دهم بعد شما دانید و صاحب مال حسی بسختان او اعتنا نموده او را جبراً و کرماً کشیدند بدون حجرة از حجرات كرك و در آنجا توقیف کردند و از طرف دیگر خالی مزبور را كه در بزرگی عبارت از صد و پنجاه متر مربع بود بروی هرابه كه قبل از وقت تدارك و مهیا نموده بودند گذارده و بردند در حقیقت این عمل سخیف كه با هیچ قانون و شریعت مطابقت ندارد تعجب و تحیر هموم را جلب نمود زیرا تا حال در كرك خانه هیچ دولت متعدي اینگونه بی اعتدالی و بی مزی دیده نشده است وقوفات را كه روزنامه روسی نگاشته صحیح است آنچه وا كه از روسیه و با حد خلاف

اعتراض دیگر آنكه نوشته اند لباس مدرسه بساده خواهد بود كه لباس اسلامی است بنده عرض می کنم اولاً اختصاص لباس به لباس اسلامی صحیح نیست بدیل اینکه همیشه اکثرشان لباسه می پوشند همان تركیب لباسه معموله حایه ایران

تانیاً اسلام اصلاً هیچ لباس مخصوص ندارد و اصول پوشاك قوم عرب قبل از اسلام و بعد از اسلام عبا بوده و پیرتن و عنال و دسهال و اسكنون هم همان لباس حایه حورشان را می پوشند

برای لباس عنیدی باید معنی آیه شریفه (و ثیابك فطهر) (ای فطهر) كه علماء اعلام تفسیر فرموده اند حمل كرد لباس بلند در میان اعراب وقتی از علامت تكبر بود و معائب دیگر هم دارد و آنكه می ما ملت ایران در اصالت و قدمت و نجاست بر همه برتری داریم لباس کیانی ما كجا و عزت نفس ما چه شد و آنكه می اگر بنا به تقلید است باید لباسی پوشید كه امروز معمول به تمام دنیاست چرا باید هر چیز ما ماریه و مندرس و متروكات دیگران باشد مثلاً سرداری چین دار لباس دهان روسها بود از منسوخ شدن آن ما اختیار کردیم وقتی كه يك لباس و يك ترتیب در ممالك دیگران معدوم میشود در ممالك ما از بی علمی طرح جدید پیدا میکند چون تحصیل ما بر بی است حوی اعراب در مزاج ما جای گرفته است و میخواهیم ملت را به دست اعراب معاد کنیم

عوس این خشنها طفلی مقصر را باید در وقت بازی اطفال از بازی منع كرد و امثال اینها كه مضرت بصحت مزاج و اخلاق او وارد نشود (خبرخواه)

تعجب و تأسف

در روزنامه عدیه (اسکالیستوق) شرحی در خصوص وقوفات ناگواریکه در كرك اسلامبول بروز نموده اندراج یافته بود چون نسبت این تجاوز و بی اعتدالی را بدوات علیه عثمانی داده بود بوجهه دیانت فریضه ذمه خود دانستم جبهه رفع اتهام از دولت علیه بنوسط آن نامه مقدسه در صد تردید و تکذیب آن بر آیم لذا آنچه را بچشم دیده و بکوش شنیده و بد تالی بروجه صحیح همان استحضار حاصل نموده ام

مردمی حکه بدون سبب و جهة نام يك ملت نجیب
اسلام را دافع دار نمایند

تکرات

(۸ شوال - ۱۶ دسمبر)

§ مخبر (رونی) از بندر (آرتس) خبر میدهد که هفت
قره روسیان مراسلات و اخبارات چند گرفته بذریعہ
حکشی خود را بیخبر رسانیده فوراً بقونسلیخانه روس
پناهنده گشتند. از بیانات آنها معلوم می شود که سه
حکشی موشک ژاپون در هرصه چند ماه بسرنگ
مصادم شده نابود گردیده است و آنان را یقین است
که تا چند ماه دیگر روسها میتوانند در بندر آرتس
خود داری نمایند

§ مخبر (رونی) از (توکیو) خبر میدهد که بر جهاز
زره پوش روس (سیواستپول) ده نوبت کشتیهای موشک
ژاپون حمله نموده عاقبت مقصی المرام گردیدند جهاز
سیواستپولیک مرتبه بی کار شده قابل بمرکت نیست
(۹ شوال - ۱۷ دسمبر)

§ سردار جلیل القدر روس جنرل (استاسل) باجنرل
(نوگو) سردار ژاپون در بندر آرتس مخامره نموده
خواهش کرده است که بر بیمارخانه های روس که در
مقام معینی میباشد شلیک نماید و قتش مخصوص مرتب
کرده مقام بیمارخانه های خود را نموده است جنرل
(نوگو) قبول این معنی را نموده ولی ذمه نگرفته و
در جواب گفته است که در وقت جنگ و حین حرکت
توب هرگاه بدان صوب شلیک شد ذمه وار نتواند بود
قاصد جنرل (استاسل) از طرف خود نیز خواهشی نموده
که بر شهر نو و نیز بجانب شرق و شمالی شهر کینه
لشکریان ژاپونی مناسب است شلیک نه نمایند - جنرل
(نوگو) متأسفانه از قبول این امر معذرت خواست است
§ مخبر (روتر) از چیفو خبر میدهد که فراریان روس
که به بندر چیفو رسیده اظهار میدارند که در جنگ
(مزهل) نقصان روسیان از دوهزار فرکتر بوده است
(۱۰ شوال - ۱۸ دسمبر)

§ یکی از افسران روسی که مراسلات جنرل استاسل
را بیخبر رسانیده جنگ مزهل را مفصلاً چنین بیان
نموده است - که ژاپونیان سه نوبت حمله نموده بلند و
پستهای کوه را از اجساد پر کردند و حلقی نهرهای

شکسته اینست که نسبت این حرکت نارواریا به امر دولت
علیه عثمانی داده که جهة سرای هایونی بدان فصاحت
ظالی بردند. غافل از آنکه اعلیحضرت سلطان ابدآ از
این گونه تجاوزات مأمورین که مخالف قانون و محل
انتظامات آگاهی ندارند عدل و داد اعلیحضرت
سلطان مسلم جهانیان و در حفظ حدود شرع مقدس
بی مثل و مانند با وجود این ممکن نیست خاطر
مقدس ملوکانه بدان رضا دهد که بدون اذن و اجازه
حاکم مال احدی را در ملاء عام با این اقتضاح
کفیده ببرد و هم بطورالیق بالاطراف تحقیق و رسیدگی
عموم معلوم شد همه این بیوالاتیها از آر دامت
طبع محمد علی بیک مستشار گمرک است و عادت او
اینست همیشه چیز برگزیده خوبی در گمرک ظهور نمود
انواع اقسام دسیه بکار می برد تا قیمت نازل از چنگ
صاحب مال بیرون نماید و اگر صاحب مال ایستادگی
نمود و نداده همه روزه او را دچار اشکالات طاقت
فرسا نموده و بضرر و خسارهای حکونتاگون مبتلا
میسازد. اینست که بچاره تجار زهره دم زدن ندارند
بلی اینگونه مأمورین نام دولتی بدین بزرگواریا
یست مینمایند و بدست اغیار وسیله و دست آویز
میدهند حکه در روز نامه ما نام بلند عادل ترین
سلطین جهان را ظالم و ستمگر و بربری بنگارند و
حال آنکه هیچ مسلمی یافت نمیشود اگر متاعی را
حکه در نزد او موجودست جهة دولت در
حکار و لازم باشد با کمال فرح و ابطاط به پیشگاه
هرضه ندارد - حالاً معلوم نیست این ظالی را برای
هایونی برده یا بحکسی دیگر داده است ولی با این
انتضاح از حکمرک که دولت کفالت حفظ مال
هموم را در عهده دارد بزور وبدون رضای صاحب
مال برداش را دیدم و در تالی شنیدم که میخواهد
لورا از جنگ صاحب حال به برای نجس قبل بیرون
کند گویا گفته است برای او همین است حکه میدم
میخواهی بگیر والا بهرحال که خواهی رجوع کن
در واقع اینگونه کودار و رفتار بیک رئیس کمرک طایه
تأسف و تعجب است

معلوم است این بیور مأمورین از طرف افسانیت
خبر و بختی در دولت میباشد زهره نامه

نموده قلعه شالی بندر آرتر که در شرق (کیوان) واقع است قبضه نمودند

§ امیرالبحر ژاپون (توگو) خبر میدهد که لشکر کشتی موشک شکن روس هنوز در بندر آرتر موجود است

(۱۲ شوال - ۲۰ دسمبر)

§ ژاپونیان زیر قلعه شالی بندر آرتر تپ زده از راه تپ عصر یکشنبه داخل قلعه شده تا نصف شب جنگ دست به یقه در قلعه بود از آن بعد کاملاً قبضه ژاپونیان در آمد. پنج توب میدانی و دو توب ماشینی غنیمت ژاپونیان شد. روسها نگاه نظر مقتواین خود را گذارده فرار کردند

§ امیرالبحر (توگو) خبر میدهد که یکی از کشتیهای موشک شکن روس که در قرب جهاز زره پوش (سیواستپول) بود مشاهده شده بر او نیز حمله شده ناقص گردید

§ با کمال سرعت سومین دسته جهازات (بالتيك) در (لیو) میهای شود ولی بواسطه قلت عملیات جهاز سازی چنانچه شاید و باید سرعت نشده اند

§ اولین دسته جهازات بالتيك از (کپ) گذشته بجانب مشرق رهسپار بوده است

§ چهار کشتیهای حامل ذغال برای جهازات جنگی روس بود در (لویسوملرکونس) وارد شدند

§ اغتشاش (مسکو) بالا گرفته بین پلیس و رهايا زد و خورد زیاد شده در این میان بسیاری نیز مجروح گردیده اند

§ انعقاد مجلسی در پترزبرگ از مهندسين روس شده باصد و نود نفر در آن مجلس شامل بودند. این رأی را در حضور امپراطور قدیم نمودند که تا وقتیکه انتظام حکومت بطریق شایسته نشود صنایع روس محفوظ نتواند ماند شش هزار نفر از مهندسين بزرگه و کوچک این رأی را امضا داشتند

§ در حالات جدید بندر آرتر پست و شش افسر ژاپونی مقتول و جبهه و جهاز نو مجروح گردیده اند

§ کشتی گرنه روس (مشوشیمه) در غرب مسکوویه بجانب ولادیوستک و صیبارجوه ژاپونیان گرفتارش نموده چنان تصور می نمود که سلسله لغیاه: نموده جنگ و

طون جاری شد ژاپونیان ذغال و چوبهای عنبر را محرق ساخته دود و شعله آن حریق به تأیید باد در اردوی روس پیچیده ازین رو لشکریان روس بفرار مجبور شدند شعله این حریق خیلی خرقناک به نظر می آمد امیرالبحر (اوتیرن) در حین حرکت در بندر قلعه بیای او رسیده مجروح گردید

(۱۱ شول - ۱۹ دسمبر)

§ در حط جنرل استاسل مفصل حالات جنگ بندر (آرتر) از دم تا ۱۸ دسمبر بیان شده ضمناً ظاهراً داشته که بموجب مقوله یکی از اسرای ژاپون ر این جنگ ها پست هزار نفر از ژاپونیان قتل شده. قبضه لشکریان ژاپونی را بر متحمل نیز شرح داده و خبر قتل جنرل (شرینسکی) را متأسفانه اظهار داشته است. دو خانم عنوان خود نگاشته که از حملات ژاپون بتاریخ یازدهم جهازات جنگی روس را نقصان عظیم رسیده ولی تا کنون جوش و خروش و قوت قلب قشون روس باقی است

§ از (توکیو) خبر رسیده که ژاپونیان در حمله بر جهاز سیواستپول در کشتی موشک خود را بر باد دادند

§ در بملاک اندرونی روس اغتشاش و بی نظمی روی داده دیروز بالغ بر سیصد نفر شاگردان مدارس در جلو عمارت دوق آثار غدر و حرکات بد و آشکارا کردند (دیوکسرجین) و مهاجرات پلیس! شمشیرهای برهنه و قزاقها با چابک بر آنها حمله نموده شصت نفر مجروح و سیصد نفر گرفتار شدند. بموجب نگارش روزنامه استندرد پست نفر در آن میان قتل رسیدند

§ تلگرافیکه از پترزبرگ رسیده ظاهراً میدارد که هم روزه اغتشاشات ملکی زیاد و آثار غدر پیش میگردد دولت روس سخت منع نموده است که اخبارات مل نام سلطنت جمهوری بیاورند

§ اشاره بحری روس در همراهی بمخیالات جراید در تدارک است که دسته سوم بالتيك را نیز مرتب نموده بجانب اقصای شرق روانه دارد. این دسته عبارت است از چهار جهاز جنگی و چند کشتی گزنه. این جهازات میگویند بسیار گنم و کهنه و کوچک اند. امیرالبحر (پیرتس) است

§ از (توکیو) خبر رسیده که لشکریان ژاپونی حمله

ژاپونیان در شامو در هر نقطه حملات بیادگان روس را رد نموده اند

§ بموجب تلگرافیکه (جنرال کروبتکن) به پترسبرگ زده در جنگی قریب راه آهن (شامو) ژاپونیان بعضی سنگرها بسته بودند اشکریان روس بر آنها حمله نموده متصرف شدند و سنگریان ژاپونی تا قریب راه آهن (شامو) فرار کردند

§ ژاپونیان در رود (چین) که قریب بندر آرتر است بر چند مقامات منبع استیلا یافته اند

(۱۴ شوال - ۲۷ دسامبر)

§ دو کشتیهای گرمه ژاپونی در دریای سنگاپور دیده شده پنج کشتیهای ژاپونی که حامل ذغال اند در (دیلاگوا) که واقع در افریقای جنوبی است منتظر حکم اند

§ مخبر (روتز) از سنگاپور خبر میدهد که دو کشتی گرمه ژاپون مجدداً امروز صبح وارد و ظهر روانه گردیدند و بموجب رپورت آنان دو جهاز زره پوش و دو کشتی گرمه از درجه اول و دو کشتی موشک شکن ژاپون از درجه دوم و دوازده کشتی موشک شکن ژاپون بطرف مغرب رهسپارند

§ سفیر روس انکار نموده است که هیچ وجه در دادن رشوه بامی گبران رسماً کوشش نشده است

§ از اخبارات ظاهر می شود که دو وکلای روس که بروز در تلگراف ظاهر شد که سعی دارند رشوه بامی گبران (هل) بدهند از سیاحان بحری انگلیس اند که یکی (والش) و دیگری (پننه) نام دارد پس از مخاطبه آنان ظاهر گردید که آنها نوسکری روس را اختیار کرده اند و چهار نفر را استتطاق در این خصوص نموده که کشتی موشک شامل جهازات مای گبران بود این ها در حضور قونسل روس بدین اقرار نامه دستخط نمودند ولی در ادای رشوه انکار دارند میگویند با آنان فقط وعده معاوضه ضمانتشان شده بود قونسل روس در (هل) که خود نیز انگلیس است بود وقت پرسش بیان کرد مرا عقیده این نبود که این خبر رسمی طبع خواهد شد فقط وظیفه من استتطاق بود که نمودم

بحری افسران روسی است که از موشک شکن روس که غریق شده در او پناه گرفته اند

§ جهاز گرمه ژاپونی يك فروند کشتی موسوم به (کنک آرتر) که یکی از امالی فرانسه از کپسالی جهازات حجم خریده و از بمبشی ده هزار بسته آرد باسم (چیفو) حمل کرده وزیر بحری انگلیس بود در حالیکه از بندر آرتر خارج می شد گرفتار نموده در آن کشتی افسران بحری بود که برای شمولیت در جهازات بالٹیک حرکت کرده بودند

(۱۳ شوال - ۲۱ دسامبر)

§ بموجب خبریکه از پترسبرگ رسیده بواسطه قلت افسران که باید بانصای شرق فرستاده شود دولت روس مجبوراً متعلمین مدارس حریبه را که عاری از تجربه هستند شامل قشون می نماید

§ رئیس جمهوری فرانسه مسیو (لوبه) اعضای مجلس حکمیت بحر شمال را ملاقات نمود - بواسطه ترسیدن امیرالبحر (دیولس) وکیل امریکا امروز مجلس منعقد نگریخت

§ امیرالبحر (دیولس) وکیل امریکا وارد شده بچشمه التفاد مجلس خواهد گردید. وزیر خارجه فرانسه مسیو (دلکاسی) اعضای مجلس حکمیت بحر شمال را عصرانه دعوت نموده است

§ روزناجات رپورت زیادی در حادثه (هل) طبع نموده مینویسند که بطریق خفیه وکلای روس به مامی گبران رشوه میدهند که بیان کنند که چند کشتی موشک درین جهازات مای گبران موجود بود

§ مخبر (روتز) از بندر (آرتر) خبر میدهد که بواسطه قبضه ژاپونیان بر قلعه شمالی بر نصف بیشتر قلاع مغربی بامنهای سهولت حمله میتوانند نمود - بندر (آرتر) را هفت قلعه محکم که محافظ شهر و بندر بود موجود است از آن جمله پنج قلعه قبضه ژاپون آمده است

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که مجدداً شش مراد توپ از اشکریان روس بقیمت قشون ژاپون شده جمله در قبضه قلعه شمالی سیزده توپ غنیمت ژاپونیان گردیده است

§ بموجب خبریکه از (پتسبرگ) رسیده دیروز

در بندر آرتر قلعه (الیسیان) را متصرف شدند. و رسماً بیان شده که جمیع قوای روس از میانه آرتور آرتر زائل شد است

§ امیرالبحر (نوگو) رسماً اعلان داد است که قسمه زیاد جہازات جنگی را از بندر آرتر بواسطه عدم ضرورت حرکت داده است

§ امارت جمهوری (وزولا) نوبخانه زیادی در (لاگورا) و (پروتوکابلو) بدین خیال گذارده که اگر از (واشنگتون) اورا مجبور نمایند برای راه دادن بخارجہ سد راه آنان گردد

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که نمایش جدید لشکری تازه در (توکیو) برپاست از نوارهایی تشکیل میدهند و همه روزه معق شده هزارها قوس شامل می شوند و همه آمادگی خود را برای میدان جنگ ظاهراً مینمایند. و نیز در سایر شهرها آمادگی قشون در کمال جستی و چالاک دیده می شود. چنان کسبیه شده که یانصد هزار قشون پیاده و عده زیادی سواره برای سپهسالار کل (مارشل اوایاما) مجدد آدر جنگ فرستند و قبل از آنیکه جہازات جنگی (بالتیک) در اقصای شرق وارد گردد در جزائر فارموزا و جزائر مشرقی تدارکات دفاعیه را بطور کامل به نمایند

اعلان

با اینکه قرار داد چنان بود که بلیت های لاطوری مدرسه مظفری در جشن میلاد اعلیحضرت شاهنشاهی که مصادف با چهاردهم جمادی الثانی است کشیده شود این طول مدت برای مصرف نمودن بلیت ها بود چون بسیاری از طول مدت شکایت دارند قرار بر این شد که هرگاه بلیت ها تا آخر مارچ همه مصرف رسید و حکمتایچه و وجبش بانجمن برسد در نیمه اپریل بلیت کشیده و انعام مقررہ تقسیم شود (سکرتری اعزازى انجمن مبارک مظفری)

ایضاً

رسماً اطلاق می شود که جناب مستطاب آقا محمد تقی صاحب تاجر افشار که مجسمه معارف پژوهی و توح خواهی ادو کالت نامه در جمیع کارهای انجمن مظفری در کلبه سوبه بهی دارند اعضای انجمن از جناب معزى البه از قبول زحمت و کالت کمال تشکر را دارند (سکرتری اعزازى انجمن مبارک مظفری)

خطار

هفته آجند بمناسبت نوروز مسیحی که عیدرسی و دولتی این مملکت است روزنامه جلالین اشاعت نخواهد شد (منظم اداره)

§ مجلس حکمیت بحر شال بجمین وکیل را از استقرا مقرر نموده و بمختومی مجلس تا هم جنوری مانوی گردید
§ ژاپونیان در ساحل رود (چین) از بندر آرتر حمله نموده چند مقامات منبیه را متصرف شده یک توپ را نیز غنیمت گرفتند از آن بعد روسها حمله کرده توپ خود را از ژاپونیان باز گرفتند (۱۵ شوال - ۲۳ دسمبر)

§ قونسل روس در (هل) بیان نموده که فقط یک نفر از مامبگیران (اولیسی) نام قسم یاد کرده اقرار کرد که جہاز موشک درین جہازات مامبگیران بود. سائرین اقرار کردند ولی دستخط ننس کردند و شخصی که دستخط نیز نموده اظهار میدارد که مرا وقتی بقوسلخانه بردند مخور و از عقل غاری بودم

§ چهار اسر دیگر از دست جہازات امیرالبحر (روس ویشونیسکی) در (کابوردو) پیاده شده که در پاریس رفته شهادت خود را در مجلس حکمیت بدهند § طلاب (مسکو) متفقاً هر ضداشتی بوزیر نمایات قدیم نموده که تا عید بزرگ در مقام تعلیمی خود حاضر نتوانند بود و تا چایک آنان را مقدرت باشد در آن سر زمین در دفع ظلم و جور کوشان خواهند شد و سختی هایکه به تاریخ ۱۸ و ۱۹ بر آنها شده دفعتش را سرداران سی خواهند نمود

§ مخبر (روتز) از (نگاسی) خبر میدهد که بموجب خبریکه از (دالن) رسیده قشون روس در بندر (آرتور) بقبول اطاعت تن در داده مشروط بر اینکه نوبخانه و جہازات را بدیشان واگذارده آنان را مرخص دارند و ابوی انکار نموده اند

§ در قلاع (کیانهاکو) و (سنگاشان) و (ارنگشان) ژاپونیان حملات شدید نموده بعد از آنیکه قلاع مذکوره را متصرف شدند لشکریان روس از قلاع (بنکو) و (حصار) بر آنان حمله نموده و تاراجک زیادی میان آنها ادا احتما این همه ژاپونیان پای استقامت فشرده روسها مقضی المرام نگردیدند - ژاپونیان از یکطرف مشغول حمله بر خصم و از طرف دیگر به ستن سنگر و لوازم دفاع اشتغال داشتند طاقت ژاپونیان آرقلاهی را ک روسیان حمله به آنها میکردند آتش زدند (۱۶ شوال - ۲۴ دسمبر)

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که ژاپونیان در روز

« حبل المتین کلکتہ »
 مدیر کل کالج استریت نمبر ۱
 « کلیہ امور ادارہ با
 مدیر کل مؤید الاسلام است
 • منظم ادارہ •
 آقا محمد جواد شیرازی است
 « دوشنبہ طبع »
 و سہ شنبہ توزیع میشود
 « یوم دوشنبہ
 ۲۰ شوال ۱۳۲۳ ہجری
 مصادف با

حبل المتین

سنہ ۱۳۶۱

« از مرکب و مرجا بلا استثناء ایوۃ اخبار »
 (مندم گرفته میشود)
 سالانہ شش ماہہ
 « روزنامہ مقدس »
 « ہند و برہمہ »
 ۱۲ روپیہ ۷ روپیہ
 « ایران و قزستان »
 ۴۰ قران — ۲۵ قران
 « عمانی و مصر »
 ۵ عییدی ۳ عییدی
 « اروپا و چین »
 ۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک
 « روس و ترکستان »
 (قبض اسمالہ مشترکین با نمبر و مہر خاصہ سل)
 ۱۰ منات — ۶ منات

۱۸ دسمبر ۱۹۰۵ میلادی (سیزدهم استقبوض سابقہ بمصرف اسمال نباید برسد) ۱۰ منات — ۶ منات

ما را چه باید کرد

از آنچه در شہارہ های قبل بیان شد ، نیکو معلوم گردید ، کہ خبر رجال دولت و امراء مملکت در اینستکہ ، در حفظ مملکت و عروج مہمات و ترقی دولت افراض شخصی را صکنار گذارده ، از صمیم قلب بخواهند کہ واقعاً ملکشان محفوظ ، و دولت و ملت شان کسب سیادت و عظمت اولیہ خود را بہ نمایند
 در این جا خوب است یکی از مسائل غامضہ کہ سالہا لایحل مانده و تشریحش بر ما لازم است موضوع بحث قراردادہ ، شاید بجل آن نائل آیم ، و این اشتباہ بزرگ کہ سالہا مایہ بسی از اشتباہ کاریہا شدہ دفع شود ، از زمانیکہ دولت علیہ ایران ، درین دورہ اخیرہ از مقام عالیہ خود نزل نموده ، یعنی بعد از آخرین جنگ ما و شکست از روس ، خاصہ از وقتیکہ پای دولتیان در اروپا باز گردیدہ ، این سخن ورد زبانہا شدہ ، کہ علت سقوط ملت ، و مانع ترقیات دولت ہمانا معامین روحانی اند
 قول خارجه درین باب هیچ قابل اعتماد و اعتنا نتواند بود ، چہ آناف را کسب اطلاع منحصر است بکسانیکہ خود الزامرا از خویش دفع دادہ بہ معامین روحانی می بندند ، یعنی رجال دولت یا کسانیکہ همخیال با آنها هستند ، و با مخالفین مذهب کہ عداوتشان بہ ما معلوم است اما آنچه را ایرانیان خود نسبت بطبقہ روحانیین دادہ ، و آنان را مانع ترقیات دولت جلوه میدهند ، و واقعاً این مسئلہ بقدری شیاع شدہ کہ احدی لازم بنور و تأمل در آن نمیداند ، بلکہ از بیہمت می شمارد ، عجب ترانکہ بر زنجال دولت مشتبہ شدہ قتل نیست مطالب روحانیان را نیز بشبہ اداختہ است

رسیدگان قلعہ بصیرت ، و ارباب اطلاع سیر و تواریخ ، را پوشیدہ نیست ، کہ از بعد زوال سلطنت صغویہ ، علمای شیعہ مساک خود را تغییر دادہ ، یعنی گوشہ نشینی اختیار کردہ ، ترک تصرف در امور دولت کردہ اند ، فقط در زمان خاقان مشغور قتلہ ایشاہ ، کہ روسہا برخلاف عہد نامہ گلستان حرکت کردہ ، و برخی از رجال دولت ہم مائل در برقرار داشتن آن عہد نامہ نبودند ، دو بردہ چند نفر از علما را مہیج آمدہ و کردند آنچه در تاریخ تبیحہ اش ظاہر است ،
 گویا در عرصہ دوست و اندی سال اقدامی کہ علما در امور سیاسی کردہ اند همان بود ، کہ بانی و مبانی آن نیز همان رجال دولت بودند ، از آن و جد ہرگز ، علما تدریجاً نمودہ در جزئیات بودہ ، و چون بحقیقت آنجزئیات ہم برخوردار شویم ، خواهیم دید کہ مہیج علما بازہمالت رجال دولت بودہ اند ، یعنی سادہ لوحان این طبقہ ہمارہ خود را سنک روی یخ رجال دولت قرار دادہ اند ، البتہ غور و تأمل در علت اصلی برخی واقعات این قرن از روی بصیرت این مسئلہ را بخوبی بر ما روشن تواند داشت ،
 مثلاً اقدام برخی از علما برخلاف حاجی میرزا حسین خان مشیرالدولہ مرحوم را سبب جزالقای شبیہ رجال بزرگ بر علما چہ بود ؟ عناد برخی از روحانیین را برخلاف مرحوم حاجی میرزا علی خان امین الدولہ (کہ اگر تا امروز دولت فقط خیالات طالبیہ او را بگری میداشت سلطنت ما نمرہ دوم آسیا بود) علت سوای رجال دولت کہ بود ؟ امروز مانع از اجرای خیالات این پرنس ، بسیار کسیرت یعنی شاہزادہ آبابک اعظم غیر از برخی خود غرضان کیست ؟

واقع دل شخص باغیرت از ملاحظه مسلک و مشرب
 برخی رجال دربار گردون وقار بدر می آید، و خوابه
 جگر از چشانش فرو میریزد، در وقت و زمانیکه همقطاران
 رجال دولت یعنی رجال سائردول در مقابل دشمنان قوی
 بجه خود تشکیل قوتی تازه نموده، خوبستن را با هیولای
 مهیبی بر خصم جلوه میدهند، رجال محترم ما تشکیل
 (پارتیهای) خلاف نموده قوای دولت که عبارت از افکار و
 افعال و اقدامات هیئت جامعه آنهاست تجزیه کرده، جسم
 مقدس دولت و ملت را بدست خود قطعه قطعه مینمایند
 بخدا قسم اگر خون گریح جای دارد، هرگاه از ابتدای
 سلطنت این شاهنشاه ترقی خواه رجال دولت متحدالکلمه
 پیروی از مقاصد عالیله شاهانه از روی دستور العمل
 حاجی میرزا علیخان امین الدوله مینمودند، امروز هم ایگانرا
 قدرت آنکه ما را مال المصلحه اتحاد خود قرار دهند نبود،
 عجب محشر، و غریب هنگامه است، که رجال دولت
 آن قدری که از جانب سلطنت با آنها داده شده، و باید در
 حفظ مملکت و استقلال مملکت بکار برند، در حفظ مسند
 دوروزه و استقلال شخصی خود صرف مینمایند، و درین راه
 بشعب مختلفه قوای دولتی خواه غمخوار مضمحل میدارند
 این بد بختی را بکه بگوئیم؟ و چگونه بیان کنیم؟ که
 در هیچ زمان دولت ایران مانند امروز در مخاطره
 نبوده، و در هیچ عهد مانند عهد این شاهنشاه ترقی
 خواه اختلاف که در رجال دولت ایران بدین پایه
 بروز نه نموده بود

خدای من داناست، مرا شرم می آید که بگویم
 امروز در طهران از رجال دولت چند (پارتی) تشکیل
 یافته، و برخلاف هر یک از وزرا که بروی کاراند هیئت های
 مختلفه مانع از اجرای مقاصد و بقسی او را مشغول
 داشته که از وظایف خود باز مانده است
 ای کاش این اختلافات برای خیر ملت و دولت بود،
 تمام این (پارتیها) برای جلب منافع شخصی، و بروز تشخص
 ظاهری، و بزرگیهای بی معنی، و بی حقیقت، بر هم ساکن
 است، که تماماً مانند تیر زهر آلود بر بدن مقدس دولت و
 ملت و وطن اثرات خود را می بخشد

داناان دقایق امور نیکو میدانند که از نحوست این
 (پارتیهای) منحوس است که همسایگان همه روزه تا یک
 اندازه رسوخشان در مملکت و ملت دولت ما زیاد و یک قدم
 پیش می آیند، از نکبت این (پارتیهای) میشوم است که شاه
 و وزیر اعظم بل فرد فرد از رجال را فرصت اصلاحات
 دست نمیدهد، از شامت این (پارتیهای) ملعون است که
 کشتی استقلال ملت و دولت مانند سفینه بادبان گسیخته
 طوفان خورده بپوهای امواج بی تمیزی آنان هر ساعتی
 بجانبی متقابل میگردد، همین (پارتیهای) مختلفه اند که یکی با

مأمور این همسایه ساخته، دیگری با نایبند آن همجولو
 شریک شده، قوای ما را مضمحل کرده بر قوت و رسوخ
 و قوت آنها می افزایند، این سخن پایان ندارد و گویا
 احدی هم نتواند منکر شامت این (پارتیهای) مختلفه برای
 ملک و ملت و دولت گردد، حق خود ارباب پارتی، پس
 بهتر آنکه از این سخنان صرف نظر نموده راه مقصود سپاریم
 تجربه که ما را حاصل است اینکه علما تا امروز شخصاً
 مانع از اجرای مقاصد دولتی نبوده اند، و در هر امر
 که علما ظاهراً بهیچان آمده اند در باطن بانوای رجال
 دولت بوده، هم رجال خود غرض این بوده و هست
 که علما را مخالف با دولت جلوه دهند، و دولت را معاند
 بپایا بپهاندند، تا هرگاه دولت اقدام در اجرای امری
 نماید، که منافع آنان را منافی باشد، بامم علما ملت را
 بر انگیزانند، و علما را سپربلای خود ساخته تمام بدنامها
 را بر آنها عاید دارند، و دولت را پیش از پیش معاند
 با ایشان جلوه دهند، این است که هر یک از رجال آدمهای
 مخصوص دارند که در دستگاه آنها موقتاً راه دارند

پنی و بینا که قصوریک بر علما وارد است آنکه
 چرا باید سنگ رویی بعضی از رجال خود غرض بشوند،
 و با اینکه میتوانند برخی اقدامات مفیده برای ترقی ملک
 و ملت و دولت بکنند چرا نمیکنند، و چرا بعضی
 ریاست ظاهری برخی از آنها بسیاری از امور را
 چشم می پوشند، و حق امر را دانت سکرت نموده، ولی
 در ابراز تشخص شخصی از هیچ امر ناک ندارد

با این همه از روی ونوق میگوئیم که علما بدون
 هیچ اقدام در هیچ امر جزئی و کلی برخلاف دولت
 نکرده، و هیچ آنها هم همراه رجال دولت بوده اند
 یکتای بی همتا شاهد است که همین قسم که رجال برخلاف
 دولت علما را مهیج میشوند، هرگاه مائل باشند، و اقدام
 کنند، در همراهی بدوات هم میتوانند، آنها را برانگیخته
 و اگر درست مذاقه شود، علما از همراهی و اعانه بدولت
 اسلام کناره کشی نموده، دولت از القای شبهه دولتیان
 خود غرض اظهار نفرت از آنها کرده، آنان هم ناچار
 دم از مخالفت زده اند

در کدام مسئله دولت از رؤسای روحانی همراهی
 خواسته که آنها همراهی نکرده اند؟ در کدام امر با آنها
 شور نموده که رأی خود را ظاهر نساخته اند؟ البته
 مشکل اینجاست که رجال دولت از یک راه نان میخورند،
 و علما ملت از یک طریق، هرگاه علما که در سابقه تشریح
 نان میخورند، با اشخاص غیر ظاهر الصلاح راه روند،
 در صورتیهم که متدین نباشند دنیایشان را خرابی
 باید میگردد، این است که چار و ناچار باید از حرکات
 غیر مشروع و سخنان موهن شرع برخی از غیر متدینین

اگر قبول شانشکی هست در قبول دیانت است، ورنه نمیتوان گفت دیانت عیسوی و بوده ترجیح بر اسلام دارد دانایان میدانند که ژاپونها باندازه ایرانیان با هم تحصیل علم و ترقی وطن بخارج ترقی، و همچنین بقدر دولت ما از خارج برای اصلاح امور آدم نیاورده اند، فرق اینست که ژاپونها به تقلیدات ظاهری فرنگان اکتفا نکرده، در هر امر که اقدام نموده نتیجه اصلی را استدراک نمودند، و فایده حاصل نموده، اساس جمیع ترقیات و شالوده کلیه انتظامات را جلب، و رنگ و روغن های ظاهری آنها را از دست دادند، و ما باندازه برنگ و روغنهای ظاهری فرنگان پیچیده که یکدفعه از حقیقت بر کنار شده ایم، و کار را بجای رسانیده ایم که در مدارس ملیه خودمان هم پسر کر بلای علی ناتوا، و مشهدی حسن قصاب را هم زبان فرانسه و انگلیسی درس میدهم، و ازین اقدام جاهلانه چنان تصور میکنیم و در ذهن مان جای گرفته که تمام درجات ترقیات ملیه و دولتی فرنگ را طی کرده ایم، چرا که بچه های مان هم جفت جفت راه میروند، و هم بزبان خارجه تعالیم می یابند

واقعه باقیه باقیه که صیغه جلاله میباشند اینها هم رنگ و روغن است، و جز نقصان بر این حرکات ما را هیچ فایده مترتب نیست، خیلی امر بر ما مشبه نشود، هنوز عامه ملت ژاپونیه درجات اخلاقی و تمدنی را ده یکجا بوضع قدیم یا جدید طی نکرده اند، تا کون زندهای ژاپونی حریان در (توکیو) دکان داری میکنند، زن و مردشان در حمامهای عمومی بدون ملاحظه از یکدیگر شریک می شوند، از این نکته معلوم می شود که چه قدر ژاپونیا در تمدن و اخلاق از طاعت اند

فقط بزرگان این قوم آنچه را که بحال ملک و مات و دولت مفید بوده از اروپائیا کسب نموده، چون خیلی سرعت ترقی کرده، فرصت جلب رنگ و روغن ظاهری را نکرده اند، و بزرگان ما هنوز قدمی از رنگ و روغن ظاهری آنان فراتر نگذاشته اند، از معترضه در گذشته بمقصود خود باز آیم

خوب با صافرا نباید از دست داد اگر جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه بخواند اداره راجه بخودشان را مرتب و منظم نمایند، کدام عالم می آید مانع ایشان بشود، و یا اگر وزارت جنگ بخواند اردوی های دولتی را منظم دارد، کدام رئیس روحانی مانع آن می شود، همین قسم است سایر ادارات دولتی و این امر مسلم است تا وقتی دولت ادارات خود را منظم نماید با انتظامات بیرونی و کارهای ملکی و مالی نمیتواند پرداخت

نمیگویم مانع و مایعی برای سدر اعظم ایران نیست، البته هست،

از رجال اظهار قدرت نمایند، و همین نکته را آنان مخالفت با دولت جلوه داده، مانع از ترقیات سلطنت قرار میدهند، متمدین ما گریا چنین تصور کرده اند که اگر ایستاده نشاندند و یا دستمال کردن نه بندند، و یا ها را مثل فرنگان سخت بزمن تزنند، و شق شق واه نروند، دولت ترقی نخواهد کرد، و اگر افراد مات زبان فرنگی ندانند، و به پاریس و ویا نه ترقی و در مجالس بافرنگیا ترقیبده باشد متمدن نیستند، و سلطنت خروج حاصل نخواهد کرد، و یا چنین تصور میکنند که اعتقاد بذهب، و پیروی باحکام آن، مانع از صعود ملت و دولت است، ما نمیگویم که کلیه این مراتب خلاف شرع است، ولی از روی تحقیق و بصیرت میگویم، این امور اهدا دخیل ترقی دولت و تمدن مات نیست

ترقیات ژاپون جمیع این خرافات را واهی قرار داد، امپراطور میکادو که بنای قصر سعادت مات و دولت ژاپون را نهاده، پس از آن همه ترقیات بحیر العقول و قنوجات خارق العاده، با جمیع رجال دربار و سرداران لشکری و کشوری خود، بمعبد آهانی خویش میروند، که ثواب این خدمات ملیه و وطنیه خود را تقدیم ارواح گرام و آباء عظام خود نمایند.

امپراطور اعظم آلمان که در سلاطین اروپا اول شخص مدبر با سیاست و عقل شناخته شده بزیارت بیت المقدس میروند، عبادت میکند، مغفرت می طلبد، پرنس آف ویلز شاهزاده جوان انگلستان با شاهزاده خانم خود، چند روزی بیاحت هند آمده چون روز عبادت که به شبه است در رسد بکلیسا میروند، عبادت میکنند، بندگی اظهار میدارد، ولو اینکه در باطن عقیده شانم راسخ نباشد بظاهر حفظ این مراتب را مایه اقتضار خود قرار میدهند

بدبختانه متمدین تازه ما عقاید مذهبی را موهومات نام میکنند، و عمل بدارانگ و مار میشارند، خصوصاً در پیش سائر ملل ولو اینکه در باطن معتقدم باشد، و این قدر شعور نیست که ملالت حرکات ظاهری آنها شده مانند آنان حفظ ظاهر دیانت خود را نموده باشند

امپراطورین آلمان و میکادو از روی خوف ببادت گاه نمیروند، یا از روی عقاید مذهبی است، و یا برای نگاهداری حسن ظن ملت در باره خودشان ای متمدین جدید گاه از آتش گرم تر نمی شود، اگر شما این تمدن را از اروپاویان بیک مسافرت پاریس حاصل نموده اید، و تقلید فرنگارا باعمال ظاهر اعظم و کن تمدن قرار داده اید، چرا در حفظ ظاهر دیانت تمیلید از آنها نمیباید و فخر خود میدانید که شما را بیدین بگویند،

ولی از رجال دولت است که ابا بروحانین مدخلیت ندارد، و مسلماً تا وقتی ادارات خاصه دولت در تحت قاعده و انتظام صحیح نیاید نمیتوان دست بسایر امور ملک و ملت زد، تا معلوم شود که علما مخالف با دولت اند یا نه؟ و تا امروز ندیده ایم که دولت اقدام در امریکه بحال ملک و ملت مفید باشد به نماید، و علما مخالفت کرده باشند، این جاست که ترستان خلط مبعث کرده اسراراً مشتمه مینمایند مثلاً دولت با هزاران وعده و وعید استراض نمود، علما ساکت بودند، وقتی معلوم شد چهل کرور پول قرض شده که یکصد و چهل کرور ملت ادا نماید، و چهل تومان خرج ملک و حفظ استقلال دولت شد، آنوقت بیهوده آمده فقط در خامه های خود برخی زمزمه ها کردند، مسلم است آنکس که شش میلیون فرانک از وضع استقراضی دولت میدزدد همینکه صدائی بلند شد، میگوید علما مانع از ترقیات دولت اند، یعنی چرا نگذارند شش میلیون فرانک دیگر هم به بهانه آخر دزدیم. گویا دردی خود را ترقی دولت نام نهاده در خصوص گمرک ملاماها قدری در مجالس خود زمزمه کردند ولی هیچ اقدامی ننمودند، البته مات اندکی ناراض بود، ولی ناراضی مات مخالفت در ادای این وجه نه بود، سهو نکنید راه اشتباه نیویسد چون نمیدانستند این همه پولی که میدهند تکجا میرود و وقتی دیدند در حفظ استقلال دولت و تصیر ملک و رفاه ملت صرف نمی شود بسدا آمدند

حق این است که ملت ایران تا کنون مصادف با يك هیئت صادقه شده، ورنه در فداکاری برای دولت همه قسم حاضر بوده و هست، بعبارة اخیری اگر دولت ایران هم مانند سایر دول خرج و دل را بدون حیث و میل ظاهر دارد، و ضرورتاً بنماید، ولوده مقابل امروز از ملت خواستگار شود، در منتهای رغبت در ادای آن اقدام خواهند نمود، فقط تصادف ملت با يك هیئت صادقه لازم است و اطمینان بر اینکه هر چه گشته می شود معمول خواهد شد، ورنه برای استقراض هم خیلی وعده ها بملت داده شد که بیکی وفا ننمودند و نزد ملت اعتبار دولت را بر باد دادند

احدی نمیتواند نبیوت این امر را دهد که طبقه روحانیان و یا سایر طبقات ملت ایرانیه این قدر کورند و ضعیفند، که ابداً ملتت کردار و رفتار دولتیان نمی شوند.

امروز جز جزء امور دولتی ماطشت از بام اوقاد است، فرد فرد مات موانع پیشرفت مقاصد عالیه مرحوم امین الدوله را نیکو میدانند که (پارتهای) مختلفه می شومه بود، که امروز مخالف پیشرفت خیالات منه الیه شاهزاده اتابك اعظم هم همین (پارتهای) مانده است، یارتی شدن رجال یکسولت یعنی چه؟ اختلاف رأی در معبران سلطنت چه معنی دارد همه اهل يك ملک و از افراد يك ملت و دارای يك زبان و

مذهب و شریک التفع و الضرر درین خاک بایکد، تیره بر ریشه خود و سایرین نژید، اولاد خویش و فرزندان پادشاه را اسیر سر بجه اجانب نمائید، خیالات فاسده را از سر بدر کنید، و متفق الکلمه در پیشرفت امور دولتی و مافی سنی و اقدام نمائید

ای فرنگی ما بان! چرا در این مواد تقلید از فرنگان نمینمایید؟ رجال سائر دول نیز با یکدیگر مناقشه دارند، و عناد شخصی میورزند و (پارتهای) مختلفه هستند، ولی در امور ملک و ملت و دولت متحد و متفق میشی می روند، اگر یارتی میشود از انگلیسان تقلید نمائید، که در منتهای مخالفت و مناقشه شخصی که در دارالشوری کفش بر سر هم میزنند و بزور پلیس آنها را خارج می نماید، ذره از حقوق ملیه و دوايه و وطنیه خود را از نظر دقت دور نمیدارند از این مدمات تا يك اندازه به نبوت پیوست که اگر تصور علما در اضمحلال ملک و ملت و دولت یکیکت تصیر رجال دولت نودونه میباشد

باز برای اثبات این مدعی منقلى طایفه بیاریم، بر هر پنا و کور روشن است، که اداره مالیه روح سلطنت است و تا وقتی که عمل مالیه دولت مرتب و تحت انتظام نیاید ابداً امید ترقی برای آن دولت نیست، و در این هم جای شبهه نموده که دخل دولت امروز، نسبت باستانی جلوس اعلی حضرت شاهنشاهی در صد هفتاد و پنج از هر جبهه اضافه شده (ازین چشم می پونیم که آنچه عمال از ملت میگیرند صفتش هم بحساب دولت نمی آید و چهل کرور هم مفروض شده ایم) خوب، ما کاری با یام گذشته نداریم این اضافه دخل دولت درین چند سال صرف قشون میشود؟ نه، صرف تصیرات مایکی شده؟ نه، علما بردند؟ نه، دزد زد؟ نه، در خزینه موجود است؟ نه، پس چه شد؟ همین رجال دولت بردند، خوردند، می برند، می خورند، و بار هم خواهند برد، و خواهند خورد، علما اگر می برند و میخورند مال دولت نیست، با سالی دیگر از مات فلك زده میگیرند یا بدیشان میدهند، و میتوان مسلم داشت که از دخل خاصه دولت در صد دو و نیم بیشتر علما با سالی مختلفه نمی برند، معلوم است اعالی حضرت شاهنشاهی هم جمع نمیفرا میند، همه را با سالی مختلفه همین پارتهای مختلف می برند و ناموس دولت را هم با مقام مختلف بر باد میدهند

حال سکه درد کار ظاهر شد، در مانش را با چند کلمه میتوان ظاهر داشت، سد جمیع این اجحاقات، و دفع جمیع این قبايات، در انتظام دستگاه دیوان است، که بارها در اخبار نوشته و می نویسم، یعنی رجال دولت و امرای محاصکت باید با نیت يك و خیال تا بناك اعلی حضرت شاهنشاهی و شاهزاده اتابك اعظم را نمند نمایند در انتظام دستگاه دیوان، که بدون آن اگر فرد فرد اهل ایران بسارک شوند هیچکاری از پیش نتوانیم برد

سد اهواز

چند سال است که بعضی از اهالی وطن قدری بیدار شده و طالب و نشئه آبادی ایران و آزادی مشروعی ایرانیان گردیده‌اند، و برای حصول این مأمول و انجام این خیال خیلی عالی از هر دری سخن میکنند ولی من بنده عرض میکنم که بجهت یافتن هر گونه سعادت و نیک بختی اول پول، دوم پول، سوم پول، لازمست اسلاف جنت مکان ما که یزدان همیشه رواشنان را شادمان فرماید، راههای هر گونه سیادت و سعادت و پایشان داده و رفته‌اند، چنانچه یکی از ادیبان عالی مقام و شعرای شیرین کلام فرمایند

(کهر خواهی سوی عمان گذر کن)

(شکر خواهی بخوزستان سفر کن)

بدیهی است که امروز نخستین اسباب تحصیل ثروت و بهترین مایه سعادت، زراعت اراضی اهواز است. که منافع هنگفت و مدامی آن برای پنج کرور ایرانیان ملاحظه فرمایید بیان محتاج بیان نیست .

حد مرخداپرا نمر دیم و شنیدید، که بر حسب امر حضرت اشرف انابك اعظم مهندسين و مأمورین کامل کاردان مشغول تدارك بستن بند اهواز میباشند، اکنون بر جمیع متمولین ایران که تفره و طلا را بدست خاک داده یا در صرافخانههای خارجه نهاده‌اند، فرض و لازم است که بدقت نظر خرید بر خاک يك اهوار نموده و هر کس بقدر همت خود زمین اتباع کرده و باین واسطه ده نفر یا صد نفر یا هزار نفر سید و فقیر و مسکین و یتیم را نان بی منت داده خود شان و اولاد شان هم همیشه منتفع شوند و هم نیکنام .

هرگاه اولیای دولت علیه بطوریکه جبل‌المتین رأی داده امر بکشیدن نقشه چند شهر برای طرفین رود کردند فرمایند، و قیمت نازله بجهت زمین معین نمایند. که قسط اول را نقد و باقی را سال بسال کارسازی شود. مشروط باینکه در تحت قانون باشد، مسلم است که تا پنج سال زیاده از سود هشت کرور تومان که میگویند مصارف میشود، از بهای اراضی باید دولت خواهد شد. بعد از آن انشاء الله تعالی سالیانه دوسه کرور تومان مالیت دیوانی و حقوق سلطانی آن خواهد شد، و روز بروز فواید ملت و دولت بد فزایش و آرایش خواهد گردید

آرخانه یکی از دانشمندان

(قابل توجه شاهزاده انابك اعظم)
آنهاييکه از وضع ترقی بعضی دول مطاع و با خبر و از حالت ندنی پاره مال مستحضر هستند، پیشک میدانند که ترقی سابق ما را هیچ سببی جز عدل و داد نبوده، و ندنی لاحق ما را هم عاتی غیر از ظلم و استبداد نه ظلم و استبداد است که مال عظیمه را از آسمان سیادت به حضیض عبودیت کشیده، انصاف و عدلست که دول صغیره را بذروه عز و شرف رسانیده . یا بعبارت ملخص و مختصر عدل و داد مادة الحیوة مات است ، و ظلم و استبداد ام الفساد مملکت .

در ممالک متممة عادلانه افراد امت را استحقاق آن هست ، که بالمساوات از عدل و داد دولت بهره‌ور شوند، و از این سرچشمه خوش گوار سیراب و در اجراء انصاف نه رعایت بزرگی و حشمت میکنند، و نه مراعات فقر و ثروت، فلهذا دارا و حکدا بد بخت و توانا ، بالمساوات از این فیض مستفیض میشوند.

اما در ممالک مستبده قاهره (مثل ایران) رعایت انصاف و داد در حق ضحای قوم باید بیشتر باشد، زیرا که ضعف و بریشانی آنها بالطبع جالب رحم و مروت است، و الا زور آور قوی بجهه را اگر عدل و انصاف حاصل نشود بقوه جبریه حاصل میکنند . و در آن مورد عدل و نصفت نایبی ندارد، چه بطوریکه گفتیم زور و قوت موجب حصول آن بوده.

ضمنا و فقا اند که در مملکت قاهره با مال جور و استبداد هستند و فرسوده ظلم و عناد، نمی بینم کسی از محررین صاحب قلم در استحصا حقوق آنها فصلی مشبع بیان کنند، الا سدرت، اکنون هم که من با بضاعت مزجات عطف عنان قلم را باین موضوع میکنم، بواسطه لزوم تذکار واقعه نا گوار نیست که رخ داده، و چون ذکر آن الزم از تطویل مندمه است، لذا شروع بمقصود میکنم و میگذارم و میگذرم

خالواری چند از بچسارگان اهالی تنگستان هینکه از عسرت قحط و غلا بتنگ آمدند، با عیال و اطفال از موطن خود بسمت بنادر عثمانی مهاجرت کرده، چندی در آن نقاط مشغول استخدام در نجاسات بودند. و پس از مدتی جزوی آذوقه که عبارت از خرما باشد بدست آورد، دوباره، مساوت با وطن خود نمودند.

بقر و عسرت ماثراً بهجوز این آذوقه اجازه دادند
آیا در حورتیکه مأمورین عثمانی آن قسم وقتار نمودند
جایز است ما این طور عمل کنیم؟

فقرا هنوز در همان حالت محبوس، و اولیای امور این
قطعه، خوب بروتی بخرج دادند مسموع شد که یکی از
تجار در کار بود وساطت کنند و یکصد و هشتاد تومان
را بعنوان مال المصلحه یا قطع دعوا از فقرا و صاحب
کشتی بگیرد، اما نتیجه معلوم نشد - آیتد، هر چه
بوقوع رسید معروض خواهد داشت، خلاصه این مقاله را
رابطاً حقوق الضعفا، نوشته اداره مقدس و بعضی از
حراید فارسی فرستادم، تا هر کدام مایل باشند در حق
کنند (فن شاه قلیؤمن و من شاه فلیکفر) اما در
صورت عدم درج آن بی تامل عین این مقاله را
بانگلیسی و فرانسه بادارات طیمس و کروئکل و مان
و فیکارو میفرستم تا ما قبیح احوال درج کنند
(م - ح - د)

در توصیف و توسع و تاریخ تجارت
و فوائد و نتایج آن باوضاع حالیه عالم
(از شماره ۱۶)
(هند شرقی)

در سنه ۱۶۰۰ میلادی انگلیسیها در لندن شرقی
باسم (شرکت هند شرقی) تشکیل دادند، و از طرف
دولت متبوعه خود امتیاز تجارت با هندوستان را
گرفته با سرمایه معادل ۳۰۰،۰۰۰ لیره انگلیسی مشغول
تجارت شدند، و بیشتر خیدالشام تجارت ادویه جات
هندوستان بود، لیکن (برتوئالیا) که قبل از آن تاریخ
بهند دست آمد و رفت دراز کرده بودند و تجارت
مشرق را مخصوص خویش میدانستند مانع شدند، که
انگلیسان با هندوستان مرابطه تجارت مستحکم نمایند،
چون انگلیسان دیدند کار دگرگون شد کشتیهای امتعه
(برتوئالیا) را جلوگیری کرده ام، الشان را بزور تصرف
کردند، و کم کم باب تجارت شان مفتوح گشت، دوازده
سال بعد از این مقدمه، سلطان امپراتور هندی پادشا
معروف دهلی، اذن داد تا انگلیسان یک مغزنی برای آنها
کردن امتعه خویش دوزدیکی شهر (سورت) بنا نمایند
و این اول مغزنی بود که انگلیسان در هند بنه نمودند
در سنه ۱۶۰۵ میلادی شاه جهان پادشا در

جوقه از آنها که مرکب از شصت نفر مرد و زن و
طفل صغیر بود، از بهره سوار کشتی بادی شده عازم
صوب مقصد گردیدند، همیشه نزدیک جزیره خارک
رسیدند، جهاز مخصوص اداره گمرک با آنها دوچار
شده، و پس از تفحص از صدق ماجری، کشتی را با
فقراء و آذوقه آنها بهوشهر آورده مراتب را خبر داد
اداره گمرک بوشهر پس از کشف حقیقت قوی
چنین داد، که چون در یکی از بنادر جزو تنگستان
اهالی دست اندازی مدیر اسبق گمرک را تاب نیاورده
و تمحیلات فوق العاده او را تحمل نکرده، اخراجش
نموده بودند، لهذا این جبهه و علاوه نظر بهمجواری
این فقراء با ساکنین آن بندر، این کشتی باید توقیف،
و آذوقه ضبط و فقراء جریمه شوند - ناقد خبیر و
مطالع بصیر میدانند، که مهاجرین فقیر که فقط محض
استخلاص جان خود از وطن دست کشیده با کمال
فلاکت و بنوئی بخارجه رفته و پس از آن باز حب
وطن موجب عودت ایشان شده، البته استحقاق دارند
که فضلاً از اینکه رعایت فوق العاده درباره ایشان نشود
صیبی از عدالت و انصاف ببرند -

بالجمله فقراء که جز چند دانه خرما که حاصل زحمت
چند ساله آنها بود چیزی نداشتند حیران مانده بالاخره
حکم مجس آنان صدور یافت، شصت نفر مرد و زن
و طفل را در یک اتیار محبوس کرده، و در ماه صیام در
آن هوای متمیز نگهداشتند، که دیدن آنها خود باعث
فرت و اثرجار بود -

هر کس که کمترین بهره از عقل دارد بی تأمل
انصاف خواهد داد، که این عمل پنهانی اقوی
دلیل بر توحش و بر بیت آن کسانیت که ما
چشم داشت تمدن از آنها داریم، و هیچ عذری در
مقابل این دلیل نخواهد بود، مگر اینکه بگوئیم تمدن
نیز باید در مالک غیرتمدنه وحشیگری را پیشه کنند،
اول و آخر، این مسئله دو پهلو دارد، اولی آنکه
بگوئیم این فقرا نظر همسایگی با یاغیان مستحق چنین
سلوک شدهاند - آیا انصاف حکم بجواز این مسئله
میکند؟ قوی اینک بگوئیم که فقرا حامل جواز گمرک
نبودند - این دلیل قدری کافی تر از اولی است، اما
چکنیم که فقرا میگویند (مأمورین گمرک عثمانی نظر

مختص کار همین ونیره گذشت، و شرکت هندو شرقی انگلیس کم کم نفوذ و املاکش در تمام هندوستان از شرق و غرب و جنوب و شمال منبسط گردید، و وقتیکه هندیان از خواب غفلت بیدار شدند، تمام طرق فلاح و تجارت را مسدود یافتند، و خود را مغلول و دست بسته در جنگ سردمان شمالی محبوس دیدند، و از بلوای تام ۱۸۵۶ هدیچکار از پیش شان ترفتن، جز کشتن و غارت کردن، عده زیادی از ملاکین انگلیس و این بلوا خود بهانه شد در دست دولت انگلیس، چه دو سال بعد که آتش فتنه بخواید، مجلس شورای انگلیس رساله هیت شرکت شرقی را بر طرف کردند و هندوستان را منضم بدولت انگلیس نموده، ملکه انگلیس (ویکتوریا) امپراطویس هند گردید، و چون مقصود در اینجا ایجاز کلام است پیش از این ذکر هندوستان جایز نیست، همینقدر باید هموطنان عزیز و مطالعه کنندگان گرام بدانند، که از دادن امتیازات تجاروتی با اروپاویان خطرات عمده برخیزد، و قن مهلکه برپا شود، کارد اجنبیان سخت تیز است، و شب و روز در فکر قطع کردن دست و پای عمالک مشرقند، جمعیت اروپ روز بروز در تزايد است، و اصحاب (بانیک) آن قطعه، یعنی کلاه برداران فکری جز (افتتاح باب تجارت) یا بباره اخری (کشور گیری) بدون جنک و خون ریزی ندارند، و چون تمام ابواب تجارت در اروپا مفتوح است، این مسئله (افتتاح باب تجارت) را با اسم آسیای بیچاره میخوانند حل نمایند، و معلوم نیست از پس برده استقبال چه بظهور رسد (باقی دارد)

مکتوب از شیراز

وقایع نگار روزنامه مقدسه جبلالتین از شیراز مینویسد، که مدتی بود غوغا طلبان شیراز مستعد بودند اسباب بلوائی فراهم آورند، تا اینکه قصه ارتضاع خانه یهود را بر خانه مسلمین بهانه نموده غفائاً رفتند و يك زرع از دیوار خانه یکی از یهودان را خراب نمودند، سردار احکرم محض اینکه در غیاب حضرت والا شاهنشاهزاده شجاع الساطه و در وزارت حضرت اشرف اتابک اعظم فتنه و فساد روی نمود جنفر قایمجان امیر بجه را با جهی دیگر فرستاد که محله یهود را حفظ و حراست نمایند،

مرض شده و اتصال بمیدان تجاروت از اطباء انگلیس مسمی به (بوتی) صحت یافت، و باعث خوشنودی پادشاه و نفعهای او گردید، و در ازای این خدمت در اجازت فرمود که انگلیسها محض صیانت و حفظ امتیازات تجاروتی شان، چند قصبه و محزن در طرف جنوب و جنوب شرقی و غربی هندوستان بنمایند، توان گفت که عمارت این قلاع و استحکامات همان بود، و تسخیر هندوستان همان در سنه ۱۶۶۱ بندر بمبئی را از (پرتوغالیس) گرفته مرکز حکومت خویش قرار دادند، و در سنه ۱۶۸۰ اورنگزیب پادشاه دهلوی فرمانی امضا کرده امتیازات تجاروتی هند را انحصار بانگلیسها نمود، تا مدتی این شرکت خیالش تجاروت و اندوختن مال بود، و در اندک زمانی سرمایه سی هزار لیره بشصت کرور لیره رسید، نوکرهای شرکت با شکم گرسنه و دستهای از انگنهد هندوستان رفته، در قابل مدتی با ثروت و مکنت فراوان بوطن مراجعت میکردند، و این فقره عات خیرت و آگهی اهالی انگلیس بثروت و مکنت هندوستان گردید، در سرها شور سفر هند و در دلها هوس زیارت آن افاده، و پیش خود گفتند، که خاک هندوستان با این همه ثروت چرا باید در تحت اقتدار نوآبها و راجها باشد، و نظم مهمام جمهور در کف اقتدار آنها؟ چرا نباید ما نفوذ نامه در مشرق داشته باشیم؟ از آنجانب طرف سلطنت مستقله هند رو بزوال و انهدام نهاد، و از نصب منهی، و جهالت جبلی، و ضعف طیبی، فاق و کدورت مبنای حکام ظاهر گشت، بجدیکه از هر گوشه شخصی بدعوی سلطنت برخاست، و علم خود سری بر افراشت، چه وقتی بهتر از این برای اجنبیان محیل؟ شرکت انگلیس شروع بخیریدن اراضی و زمین نمود، و بکر و حبله و خدعه و شعبده مابین طوائف متنوعه و ملل مختلفه هند نزاع و ففاق انداخت، مثلاً فلان نواب میبگفت اگر تو فلان اراضی را بمن واگذاری جاناً و مالاً ترا کمک میکنم، تا فلان راجه که همسایه تست مساط گردی، و ملکش را ضبط کنی، از آن طرف پراجه همسایه محضی میفرساید، که نواب همسایه تو قصد تو دارد و فلان زمین را بمن میدهد، بکنه و برا معاونت کنم، و اگر خواهی که از حمایت او چشم پوشم مرا دو چندان اوزای دار

که این قدم در حکومت و اینصفت نزاع علیه آنان بشاید فراهم می آید، امید است که از توجه کامله پناه علام و اعیان ولایت و نیت حکم رفع این افتشاش بشود و مفسدین و اشرار بسزای خویش برسند

مکتوب از بمبئی

از قرار تقریر پارسیان زردشتی تخمیناً یکصد و پنجاه نفر از این طایفه که قدری از آنها از هندوستان بوطن عود نموده و پشیمان شده و باقی بجای وطن کرده اند، با چند نفر از مسلمین و زیاده از بیست نفر زردشتی کرمانی در ماه رمضان و قبل از آن وارد بمبئی شده اند. برخی عیال و اطفال هم همراه داشتند در روز ورود هرکس از پارسیان دوست و اقربا داشت بیکان یا دوکان او منزل نمود، بقیه به مهتاب خانه که برای فقرا معین شده فرود آمدند، مسلم است که در مدت یک هفته همگی از محبت و همت هموطنان خودشان مشغول کار شده اند

دوچهل سال گذشته تخمیناً پنج هزار نفر از این گروه جلت بیکاری و بسیاری ستمکاریه مأمورین حکومت ترك وطن و خویشان نموده پیاده و یا برهنه فرار کرده به بمبئی آمده اند، پارسیان باشند بمبئی همه نوع مهربانی درباره ایشان فرمودند، و اکنون جلگی در کمال عزت و آسودگی زندگی میکنند، قرب هزار دکان مثل (هوتل) دارند در هر دکان چند نفر شریک و ملازم اند یک نفر مسکین ندارند

چند سال پیش از این، حکومت جلیله حیدرآباد فرمانداد که در یک روز تمام مسکین اسلام و غیر اسلام را در آنجا طعام بدهند، مأمورین حکومت اسامی گداهای شهر را نوشته جریده کردند و از هر طایفه گدا و گرسنه یافتند بفر از زردشتی همه هر قدر جستجو کردند ندیدند، بلکه یک آدم منت گذران هم نیافتند که شامل آنها نمایند، اخبارات تعجب نموده این خبر را با آب و تاب بیان کردند

خوب است ما، نوع دوستی و مات نوازی را از این طایفه قدیم ایران که رسم باستان خودمانست یاد بگیریم، تا اینکه در شیراز با طفل شش ماهه یهودی جنک بکنیم (چنان زانوش پرستان شد جهان گرم) (بسیار با دای زین مسلمانان شکر شرم)

آقایان امانت به بستان دکان هونده، وقتند در مسجد نو شیراز جمعیت کردند، روز بعد را بعضی از اطفال و غیره بدولت خبر رو بمحله یهودان آورده بنایه غارت گذاردند، مستحفظین هر قدر خواستند آنها را به صحبت زبانی روانه کنند چاره نداد، آخر الامر ناچار شده چند تیر بسوی آنها انداختند که متفرق شوند، بقولی سه نفر بقولی هشت نفر زخم دار شد. از آن بعد اشتهار بچید در شهر که اطفال مسلمین را یهودیا به تیر زدند، همینکه این خبر با آقایان رسید، از آنجا نقل مکان نموده بمدرسه خان متحصن شدند، ماده غلیظ تر گردید، اشرار نیز یراق بسته در پی فساد بودند، ولی آقایان تا این درجه را راضی نبودند، همین قدر یقین شد که جماعتی از زنان و جمعی از اطفال و اشرار در بازارها ریخته دکان را می بستند و در خانه محترمین رفته آنها را باقتضاح و فحش از خانه بیرون می آورده که در مدرسه بیابند از طرفین هم علی الاتصال تلگراف بطهران میشد، و جواب میرسید، که مردم را ساکت نمایند، یکی از آن تلگرافها که از طرف شاهزاده انابک اعظم بجناب سردار اکرم رسید این بود، «آف زمانهای سابق که اشرار بازی رواج داشت گذشت، و ابداً اینگونه حرفها مسموع نیست، شما نظم شهر را بجناب - الارسلطان واگذار نماید، تا اینکه مردم را ساکت نماید، و الا مسئول دولت خواهند بود»

جناب - الارسلطان هم فردا کوشش نموده مدرسه را از تصرف اهالی شهر بیرون آورده و مستحفظ بر آن قرارداد، بمیدانم چه شد که روز بعد باز مردم اجماع نموده مدرسه را از تصرف آنها بیرون آوردند، و مجدداً اجماع شد، جماعتی هم بطرف قوسخانه انگلیس رفته مایوس شدند، مجدداً امروز تلگراف سخت از طهران رسید که اگر بلوی آرام نگیرد جناب امیر بهادر جنگ برای نظم و نسق اشرار عازم شیراز خواهند شد،

از قرار معلوم تلگرافی هم از جناب قوام الملک برای آنها به همین مضمون رسیده که روز گذشته در بالای منبر خوانده شد، کسی نمیرسد از این خنق که چه ظلمی بشما شده، در کدام اوقات عرض نان رسیدگی نشده، حکومت مگر بذل مرحمت ندارد؟ مگر رأفت و مهربانی ندارد؟ مگر ملک کسی را بقتب تعریف نموده؟

علم السعادة

(از شماره ۱۶)

باری، کلاماً راجع بمدرسه بود - منجمه مدارسیکه علم بردار جیش ادب - و روح مملکت اند - مدرسه صحیح و حسابی با ترقیات روشن و آفتابی سعادت میباشد ، که چندبست در پوشش افتتاح گردیده ، و به یمن الطاف خداوندی با وجود عوایق بسیار استقامت داشته ، این چند روزه شروع بامتحان سالیانه آن شد ، و حسبالموعود هر روز جمعی از محترمین و محبان وطن حضور یافتند ، تحصیلات متعلمین را آزمون کرده و نتایج آن را سرفی یافتند ، هر روز یکی از علوم مختلفه را شاگردان امتحان داده قسب السبق از همکنان ربودند - در مسائل شرعیه ، و دقائق دینیه ، غایت بجزرا آشکار کردند ، و در صرف و نحو عربی نهایت مهارت بخرج دادند ، در انشاء فارسی طرز امیری بکار آوردند ، حسب و جغرافیا را نیز بنهایت خوبی از عهده برآمده ، و مختصراً بعدی آثار رشد و ترقی در این علوم هویدا نمودند که مورث تعجب و حیرت بمنحین محترم و سران معظم گردید ، و همه را شگفتی فرا گرفت ، که چگونه متعلمین یکسره ره یکساله رفته اند

چیزی که بیشتر از همه مورث حیرت بود ایست ، که اگر در انشای امتحان صرف و نحو سؤالی از جغرافی یا حساب میشد ، متعلمین با کمال طمأنینه و بدون هیچ اضطراب ، جواب صواب تقدیم میکردند ، و حاضرین صدا را بتمریف و تمجید بلند میکردند ، و بر رئیس و معلمین آفرینها مینخواستند ، راستی اگر بواسطه رحمت متوالیه مدیر و معلمین بود هیچگاه متعلمین را این درجه ترقی حاصل نمیشد ، شکر ایشان بر حوزه معارف لاسیما اولیای اطفال فرض ذمه است ، سعیشان در محفل انسانیت مشکور و اجرشان موفور باد ، زیرا که بی شائبه اشراق نهایت زحمت و مزارت را در تربیت ابناء وطن متکفل شده اند ، و حیف است این زحمات هدر رود و پوشیده و سر بسته ماند ، حق را باید گفت ، و حقیقت را نباید نپشت ، محض استحضار قراء محترم توضیح میشود ، که مدیر مدرسه آقا محمد باقر بهبهانی است ، که یکساله از معارف پرستان غیور میباشد ، و معلم اول جناب آقا شیخ محمدجین کاندونی است ، که شمع جمع وطن

خواهان و میر قبایل عوارف پروران است ، و معلم دوم آقا شیخ عبدالکریم اخوی ایشان میباشد که چکیده فضل و ادب اند ، و در این مدرسه پیش از همه کسی زحمت کشیده (اگر خوف اتهام بخلق نبود مخصوصاً در تمجید این یگانه جوان معارف پرور داد معنی دادی ، تا سایرین نیز اقتفا بقیوه ایشان کنند)

اگر بخواهیم شرح تمام محسنات و تفصیل امتحان را یکبارگی بیان کنیم سخن بدراز میکشد ، همینقدر مزیداً لتوضیح میگوئیم ، که روزیکه موقع امتحان انگلیسی بود چند نفر از مأمورین محترم انگلیس و فراسه حضور داشتند ، و از حسن تحصیلات اطفال در این عرصه قلیل نهایت تعجب نمودند ، زیرا که اغلب در طرف ششاه دوسه مرحله را طی کرده ، و با نهایت دقت کتاب اول و دوم را فرا گرفته بودند ، این مسئله خود بنهائی حاضرین را موجب شگفتی بود

باری چون جناب دریابیکی (که خود مؤسس این اساس مقدس بودند) چندین مرتبه در مجالس امتحان حضور داشته ، و مراتب تحصیلات نونهالان را بدقت مشاهده فرمود امر باعطاء جوایز و صلات بمعلمین و محصلین نمودند ، و شب شنبه ۶ رمضان جشن با شکوهی در مدرسه گرفتند ، که جمیع اعظام و اکابر داخله و خارجه در آن دعوت شده بودند ، و در حالیکه یکصد سینه موزیکانچی جهاز دولتی برس بایس مشغول نواختن مارش ملی بود ، شاگردان هر یک از درجات را بترتیب بمجلس آورده درجه ترقی و تحصیل آنان را گوشزد حاضرین محترم کرده ، و کما یلیق اسام و جوایز از قبیل قلمهای ممتاز و دولت ، و مقراض ، و قلمتراش ، و دفاتر متعدده که محصلین را بکار میدادند ، و مقراض ، و متعلمین دو اطاق خطبه های فرا خواندند ، که خیلی مورث تحسین و آفرین بود (محض اجتناب از اطباب از ذکر آن خطب چشم پوشی شد)

بعد از آن مدیر و معلمین را بزبانی خدمات صادقانه آنها شایسته ترمه و عباای زردوزی و ساعتی منهدم انعام دادند ، که موجب تشکر و امیدواری همگی گردید ، و پس از تقسیم هدایا مدعوین صرف شربت و شیرینی کرده این جشن میمونرا بدعای دوام سلامت و ازدیاد شوکت اعلی حضرت قدر قدرت اقدس هایون شاهنشاهی

و استقامت. رفعت و مزید توفیقات او ایام دولت مباحث مدتی لاسیبا شخص شخص حضرت ارفع لشرف الالبک اعظم حتم نمودند.

هر چند سخن خیلی بدرازا کشید، لیکن چون چندی بود در تلو نامه مقدس ذکری از مدرسه سادات شده بود، و حقوق این مدرسه ملی بر آن روزنامه اسلامی باقی بود زحمت افزود، امیدوارم که نگارنده را از اطاله این مقاله معذور و امر بدرحش فرمایند، در حضور ملاحظه کنندگان مفهم نیز از زلات قلبی خود جدا گانه استدعای عفو دارد

من بتدر فهم خود گویم سخن
تا پزشکان بنگرندش پیخ و بن
شیر حتم نیستم شیر هوا
فعل من بر قول من باشد گواه

(محمد منشی)

مدافعه وطن

(شماره ۱۰)

(حق را باید گفت - و حقیقت را نباید نفی)

باری آنچه خلاصه این فصل بود که منتسبین باین حکمت که تشکل حکومت‌ها را، با تشکل وجود انسانی مطابق فرض کردند، حساً گویا به خطا رفته باشند، چرا که بر است کتب حکمای جدید و عتیق که عدل سبب بقای ملک است، و این کله معنی میدهد که تا عقل هست ملک هست

عوض اینکه صرف بی سند نیاشیم باز شغل ترجمانی در عهده میکنیم: حکیم معروف (مسیونتکیو) در بیاناتش میگوید:

باید متدشده و قووات حالیه بنای تولیدش و قووات طایفه است، و طهورات مستقبه منشأش جز جریان امورات حل چیزی نیست، و این حرکات يك حرکات منتظمه است که هیچ از قاعده، خودش فارغ نمی شود مثل اینکه: سم نمی تواند از اثر خودش فارغ شود و این ظهورات طبیعی که در حیوط و صعود مال و ام مشاهده می شود، نه موقوف به تصادف است، و نه متعلق به تقدیر، یعنی يك قوه ما فوق الطبیعه ندارد امور جزئی را ضامن نیست، و ظهور يك قوه بدون تردید در صورت اطلاع بر قواعد تجاربه مضرخ و

کاشف مراتب آنچه است.

مثلاً از دواج بحکم مادت سبب تناسل، و اگر تناسل شود، از علل وارده بعنوان معلومی است، و در حکم کلی داخل نیست، فرض، در هر ماتی که مساوات و عدالت انقطاع پیدا کند، همه روزه حکم خرابی سر دروازه آن آویخته است، و در تعیین استتباب آن مات هیچ دو چار زحمت نمی شویم، در عطف استقامه عدل و مساوات ما را بیک امنیت نامه از فنا و زوال حکومت یا جمعیت ها، اطمینان میدهد، پس باید در حال عارضه دقت، ماده علاج هر مرض را پیدا کرد در ذیل این تحقیق حکیم معروف معلم (سیوپورنی) میگوید: این فلسفه بود که تا مدتی قوت الظاهر حکمای جایل و سر کرده های بزرگ روما شده بود، و وقتی استقلال روما محوشد که اختلال در این فلسفه حادث شد، این مسالکی است که ابدأ تصادف. در او راه ندارد، و يك قوه خارجی ما فوق خود را آلت نیست، بلکه متعلق يك نهر در عدم ظهور ماسه بطرف مصب خود دائم در جریان است

باز به ترجمه يك جمله دیگر از پیناب (مسیونتکیو) شروع کنم، میگوید (تخریب این قسم فلسفه تخریب بیان سعادت بشری است، چرا که مسالکی که انسانها بسوی فکر سوق میکنند این مسالک است، و مسالکی که عفت و استقامت و متانت و ثبات را با انسان می آموزد این مسالک است، مسالکی که مشاء دوستی وطن و حفظ نفع عامه است این مسالک است که بضمیم حرکات یومیها با اضمام قدرت جله شأنه مثل حرکات مطرده سبای در تحت قواعدی است، که وقتی با قواعد آشنا شویم، دوا را از طیب میخوانیم و شفا را از دوا)

و قتیکه نوبت فکر آمد که سبب خرابی حکومت ایران چه بود، و کدام حرکات جزئی سبب ظهور این کلی شد، آنوقت جای این فلسفه باید بکلن خالی بماند، که چون چنگیزی ها مشترك بودند اسلام و ایران را خراب کردند، در قواعد حکمت مثل اینست که بگویم: که سیل از کره سرازیر شد، و يك خانه را تماماً سوزانید، خیر شغل آب خرتیبه خرق، امثالک اشیاء از خراسان فانی قابل قبول نیست. باید اطفالی عزیز من که در مکاتب وطن هستند بدانند که از طرف

تاریخ و سیرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خراب و سواد

... کتیبش ها این عمارات تاریخی دنیا را گویا
 قطبیک نغ ویسی ، گاهی سکوره کج بزی ، گاهی جبهه
 سایر کارخانه های استعمال میکردند = یکی از مورخین
 انگلیس در شرح حال اسف استعمال روما و مطابقت
 با زمان سکه ها خیل رگ حینش پیمان آمده
 ند میرود و میگردد

بقین است که خراب کننده بناسی عداوت و
 مدنیت (اژکوست ها) و (وانداک) ها و (بورخان) ها
 نبودند ، بلکه کتیش های مسیحی بودند که دشمنی
 با هم و معارف داشته کتیش ها بودند که زینت دنیا
 را هر دو میدادستند ، صحبت آخرت را وسیله گذراندن
 معاش و درگ مقام قرار داده بودند

کتیش ها بودند که حبه تعمیر خانه های خودشان
 معاهد حلیله و قدیمه را بتاراج دست وحشت دادند ،
 چون ملیت و قومیت های داشتند ، دین می فهمیدند ،
 از روی بی عاقلی در روی ستونهای سنگ ساق که
 هر یک کزورها قیمت داشت صورت اعززه یعنی بزرگان
 از کتیش ها را نصب می کردند

و ستونهای محکوک مصری را که دارای مایونها
 قیمت تاریخی بود بواسطه آنکه تصاویرش مخالف مذنب
 کلیسا بود شکسته ، و جبهه تعمیر کلیسای (سن پتر)
 دو عبادت خانه بزرگ و رومان را دستخوش تاراج و
 و خراب کردند ، این ارباب کلیسا که بنیادت خودشان
 از برای نشر هدایت و دفع ظلم و آفندی دنیا آمده
 بودند ، خرابی در روما کردند که وحشی های جبرطن
 نکرده بودند ، اگر مفصل تر بخواهید تاریخ (رانق)
 مراجعت کنید ، که سی جلد شرح مظالم عیسویت را
 نوشته است درحالی که خود عیسوی است (باقی دارد)

مکتوب خراسان

سابق در عرض اقدس مشهد مقدس که پای
 تخت مذهبی ایران است ، آقا شیخ محمد علی در
 سنه یک هزار و سیصد و هجده مدرسه دابر نمود مسی
 بمدرسه همت مظفری ، مدت یکسال هم این مدرسه
 دائر و با رونق گویا دارایی مسجد قر شاگرد
 بود ، تا مجلس امتحان فراهم و جمیع رجال و
 آقایان شهر در آن مجلس شرکت نمودند خیل
 با شکوه و رونق شد ، جناب الامیرالمؤمنین مدبر روزنامه

یوحنا یک عده بهترین مذاهب فریست ، ولی آنچه
 باعث خرابی یک حدوت نیا بلکه حکومت است ، ظلم است
 و فساد ، اطلاق نه شولندو کفر ،

خوب است از زمان یکی از مورخین ابطالیا که خود
 ملوحتی است محقق ، بنابریم ، که بیان میکند حال حکومت
 برتیبسته ها و ، و آلهدی رضیه الکبری را ، با حله
 و قیامه قبله مسیحی هابشود و جایگاه موحدین

شهری که معروف به بلده لوله بود ، درخندگی
 خراموش شد ، و کوه و خیابانهای که در زمان
 امپراطور (اوجکوست) از شغاف و برق مرمر
 هایش چشم خیره بود ، امروز بواسطه کثرت کثافات
 بچشم دیده نمی شود ، ستونهای سنگ ساق و مرمر که
 زینت دو طرف جاده های شهر بود شکسته و بحال ماس
 دشته مبد (ژوبیت) و تسم ، خراب و محل بوم

و خانه خراب شده ، سدهای عظیم که بر رود ها بسته
 بودند و مخرهای آب که بطرف شهر بخدمت آبیاری
 کشتان ها مأمور بودند ، بخی شکسته ، و دیگری بسته
 و چشم تمدن بسوگواری گلهای رنگ رنگ و ریلین
 آبادی اشک ریز است (محله کاشول قدیم) به تپه بزها
 معروف شده ، و مجلس (سناتو) محل شر قوانین

صف دنیا را میدان گاوها میکوبند ، بروی تل خاکی
 که تصور قیاسه اتی عشر را در زیر دامان گرفته
 انواع خارهای مخراتی روئیده ، حاشیهای معروف
 امپراطور (قازه قلله) و آن دره های مشهور و جنگل
 های مصنوعی مزین انواع سگلهای الوان دو چار
 بزمردگی و در بند افسردگی افتاده ، قصور عالیله
 و بناهای واتمه که محل التجاء غالب از سلاطین
 دنیا بود ، از فرط خجالت و شرمندگی با علف های

خود رو روی پوشیده ، الآن تیار (قومیه)
 میتوانست استیباب هشتاد هزار تاشا گر کند ، ثلث حیثت
 اصلیه اش را برای تپاندگی تمدن عصر مشرکین با بیادگار
 گذاشته ، این تیار که وقتی بزینت چندین سلاطین هشتاد
 هزار جبیت را یک دفعه در خود دیده ، در زمان
 استیلای موحدین در حکم یک قلمه خراب و بدمکن
 رجال مفلس روما شد ، و این ابنیه و ایله از طرف
 کتیش ها بکراه حله می شد و سنگ های مرمر

و آهن هایش بشهریج بصره فروتن می رسید ،

شریف ادب نیز شرف حضور داشته، خطبه فرمائی قرائت فرمودند: و تخمین مبلغ پانصد تومان در آن مجلس جمع شد، که صرف اطفال مجانی و ساعات محترم شود و شاهزاده معظم نیرالدوله والی ایالت مملکت خراسان و سببالت چندر بدأ و لساناً دربارهٔ مدرسه اطه فرمودند، تقریباً، مبلغ دوست تومان خودشان مرحمت فرمودند با این هم

(خورشید خشید ولی دولت مستعجل بود)

رسیدت این وجوه اطه آبی بود که بروی آتش شمه دار بریزند، برعکس نتیجه بخشید، در عوض ترقی نازل کرد، بعد از مدتی نزد آقا شیخ محمد علی مدیر مدرسه رقم، حکم عوض ترقی نازل کردید گفت :-

بلی، کرک دهن آورده و یوسف ندیده ندیم پرسیدم، وجه اطه آقاهاست محترم چه شد جواب داد، که فلم میخواست، وزیر علوم مملکت این سؤال را از من فرماید، ولی، چه فایده نه وزیر علوم سؤال می کند، نه من تکلیف گفتن دارم، (آنکه البته بجای نرسد فریاد است)

تا در این روز ها یکروز از کوچهٔ ارک تفرج کنان گذشته، رسیدم، بدر بسیار بزرگی، قراولی دیدم دم در ایستاده هنوز مشغول تماشای بود، حکم از دور چند نفر فرانس قریب بجهت طفل را بترتیب نظام آورده وارد مدرسه شد؛ هم با لباس ایستاده، و کلاه ای تراقی، با کمال ظلم، منم ورود بمدرسه نموده، دیدم چهارطاق فرش کرده همه قالیتهای عراقی و خراسانی، اطفال هر کدام زیر نمرهٔ خودشان جای گرفت، و معلمین در مقام خود مشغول تدریس شدند، اطاقهای مرب و مشنگ همه رنگ و روغن زده با نقاشی ایرانی، پرسیدم این همت را که نموده و این مخارج را کی متحمل شده فرانس، گفت، اگر فرمایشی دارید فرمایید در اطاق از مدیر سؤال و جواب بمانید، آمدم بالا، از در حکم داخل شدم، جنتم افتاد به آقا شیخ محمد علی مدیر سابق مدرسه، بسیار از وضع این مدرسه خوشنود شدم، ولی بجزم افزود با آن وضعی سابق مجدداً خیالشان بجهت افتتاح این مدرسه بسیار که قوت گرفته است، چون

بهم وقت ایشان خطبه فرمودند، لایحه ای در حقش و خدا حاکمی کرده بوجت نمودم.

آنچه از خروج و داخل تحقیق شده، بصورت حشو، و زاید برض میروانم، چون بنگاه از افتتاح مدرسه گذشت، بمنتضای معارف بروی و بزرگ منشی آقا، محمد حسن خان ملک الحکما نجل جلیل مرحوم ندیم باشی که از معارف این شهر شهیرند، با چند نفر از آقاها محترم دیگر که اسامی ایشان ذیلاً نگارش می شود

- جناب حاج شیخ ابو محمد شیخ الاسلام توشه
- جناب دوکتر هادی خان از اطبا معروفه
- جناب منصور السلطنه امیر بجه سرتیب فوج افشار
- جناب محمد حسن خان سرتیب توپخانه مبارکه

جناب حاجی علوالدوله و جبهی دیگر از محترمین شهر تشریف فرمای مدرسه شده، چند نفر از اطفال را احضار نموده جزئی امتحانی نمودند، اطفال امتحان درس بنگاه را بسیار صحیح دادند، محترمین محض تشویق اطفال بحد و حصر آفرین و تحسین کردند، آقای ملک الحکما و حاج شیخ الاسلام هر کدام يك عیای بسیار سنگین به مدیر مدرسه خلعت مرحمت فرمودند، علاوه يك عیای بملین دیگر مدرسه مبنول شد، و باطفال هم هر يك دو دفتر سفید جدول کشیده امام دادند.

روز چهاردهم جمادی الثانی که یوم عید و جشن مولود بندگان اعیان حضرت شاهنشاهی مظفر الدین شاه ولینعت ایرانیان بود رسید، شب عید را دروب مدرسه و حیاط مدرسه را با غلایه های ایرانی زینت صکرده، چراغان قشنگ نمودند، ایالت کبرییه والی مملکت خراسان و سیستان علی الرسم شب بجهت تفرج و تماشای شهر گردش میفرمود، عبوراً از دروب مدرسه گذشتند، و بسیار تحسین فرموده، محض تشویق مدیر و معلمین و اطفال فرمودند، فردا در سلام عام باید حاضر بشوید، محض امتثال امر فردا صبح عید را با مراقبت ناظم مدرسه روانه ارک شدند، بعد از ورود بارگ بنده هم داخل در تماشای چایان بودم، الحق باغیبه ارک باغ فردوس پرین جمیع باغ و درستان باغهای بزرگ زینت داده، بیخ طاق

تذکره اول (۱۳۳۲) - تذکره دوم (۱۳۳۳) - تذکره سوم (۱۳۳۴) - تذکره چهارم (۱۳۳۵)

حضرت در سر هر خیابانی بسته ها به برقیهای شیر و خورشید پیراه و زینت داده شده بود، میان باغ منبر بسیار بزرگی برپا کرده، تمثال بی مثال بندگان اعلی حضرت شاهنشاهی را بجهت شکوه نصب نموده بودند، سالار حکرم با جمیع سرکردگان و صاحب منصبان هم مجلس بلباسهای رسمی، و دو دست موزیکانچی در دو سمت خیابان ایستاده افواج هم خود را بلباسهای نیکو زینت داده بودند.

در جمیع خیابانها پلیس و قزاق و سرازان فوج مخصوص و افشار به ترتیب نظامی صف بسته بودند، و منبر های بسیار بزرگ با شکوهی بجز افشای الموان ملون نموده، آنها مثل چشمه سلسیل در جویها روان و جاری، از روی انصاف چنان چراغان با شکوهی در خراسان به قدرت دیده شده بود، بعد از تحقیق معلوم شد، که جمیع این اقدامات را مظفر نظام امیر بجهت فوج مخصوص که بیگلیگری شهر در عهده ایشان است نموده، از روزیکه این مرد بر این عهده مقرر شده، مشهد از سابق بهتر است، منجمله جمیع کوچهها و خیابانهای شهر سنگ آجین شده در بعضی از کوچهها چراغهای شیشه نصب نموده، بدون اینکه از احدی دیناری مطالبه نماید، در مدت مأموریت ایشان گویا کت سارقین بسته شده، و خاق در مهد امن و امان راحت نموده اند. و اگر فی الجمله دست بردی زده شود، دوسه روز نگذشته حال صاحبش استرداد گردد، چندی قبل دزدی بخانه تقیب الاشراف سرکشیک اول آستانه قدس شبانه داخل شده بهیچ چیز آنگاه دست برد زده فقط بکعبه ملو از جواهرات تقیبه برد، مظفر نظام خبردار شد، سه روز نگذشته سارق را پیدا کرده، جعبه جواهرها از او گرفت، بعد از آنیکه مطالبه سیاهه نمود بسیار از مالها با ایشان رد شد که در سیاهه از فراموشی ذکر نبود، سبب معلوم و مبرهن است. دسته کمان ایشان مردیانی با زینت و با کفایت هستند، منجمله حسین خان سرهنگ فوج مخصوص که از صبح تا شام با مدعی و مدعی الیه که بمعا که نشسته اند مشغول و بقدر جوی خلق تشکی نمیکنند، و با کمال اخلاق با آنها سلوا منجمله در ...

آمده از اطفال و مدیر و اجزا بسیار خوش آمد و راهبانی فرمود، رو بروی سند ایالت اطفال را جای داد، در این بین شخص ایالت از دور نمایان شده، ملاحظه فرمود بعضی گلهاییه آفتاب بر سر اطفال تابیده، امر کرد در یک خیابان در سایه زیست کنند، تا بطور صحیح از ایشان امتحان گرفته شود، اطفال در خیابان که مرحوم شیخ در توصیف آن فرموده

(باد در سایه دوختاشتر)

(گسترانیده فرش بوقلمون)

ایستاده تا سلام نظامی تمام شد خطیب خطبه غرانی قرائت نمود، و جناب ملک الشراء میرزای بهاری قصیده در مدح شهنشاه ایران بصوت بلند قرائت کرد. بعد از آن مظفر نظام مجددا شخص ایالت را یادآوری نمود، که اطفال در خیابان منتظرند ایالت کبری با وقار تمام محض احترام شاگردان و تشویق مدیر و اجزاء خود شان نزد اطفال معامضه مظفری رفتند، چون اطفال چشمشان بشخص ایالت افتاد، قصیده غرانی هم آواز خواندند، و یک قصیده هم در مدح اعلی حضرت تاجهداری قرائت نمودند.

بعد از تمام شدن قصاید طفلی از میان اطالع جدا شد، بسن پنج الی شش سال، خطبه بسیار بلغی خواند، که احسن و آفرین از جمیع حضار بلند شد، ایالت سکبری فرمودند این سر خطیب پاشی است؟ معلم عرض سکبرد خیر سر مدیر مدرسه است، خیلی تحسین کرده آفرین و مرجبا نمودند، وعده دادند که خودم بمدرسه خواهم آمد، و امتحان صهیبی از اطفال خواهم گرفت، خیلی اظهار لطف و مرحمت نموده که اینها بمنزله فرزندان منند، سپس امر شد برسم عیدی مبلغ پنجاه تومان بشاگردان بدهید، که مشغول دعا گوئی اعلی حضرت اقدس شهر یاری باشند، و در درس جد و جهد تمام نمایند، انشاالله وقتیکه مدرسه آمدم اگر از امتحان خوب بیرون آمدند در حق آنها زیاده التفات و مرحمت خواهم فرمود

اسباب تشویق بسیار خوبی بجهت اطفال فراهم آمده، که از آن روز هر وقت وارد مدرسه میشوم، وملاحظه اطفال را میکنم سعی میکنم، که ذرتبه

آمودم نور احمد خستيد، و مشوليد، منتظر انتظار امنجان
بانوي ايلت مستند.

الحدقة با وجود كمي باران بهار و قدری كم بود
حيوانات در بكال فراوانی و ارزانی است.
حضرات زواری كه سابق در اين شهر آمده
بودند، ملتفت اند، كه چه عرض ميكنم، سابق از
گذشت عبور و مرور بسيار مشكل بود، حال الحمدلله
اگر پنج شبانه روز باران بياد كفتن هيچكس گل
آلوده نميشود، در ميان كوچهها چاه هاي مخصوص
بجهت آب باران كنده شده، و كوچهها تمام سنگ
فرش پشت ماضي كه عايرين از آمدن خود مكيف
ميكنند، بازار تجارت بسيار گداست، اميد رواحي
آن را از حضرت رب الارباب طالب و خواهام.

مكتوب يكي از وزراي بادش ايران
(از شماره ۱۶)
(كتابچه غيبي)

(قانون هفتم در احياي دولت ايران)

فقره اول - جزای خان دولت قتل است ؟
فقره دوم - هر وزيريكه در امور حكومت خلاف
قانون نمايد خان دولت است
فقره سوم - در ميان چاكران هر كس از كسي هزار
دينار رشوه يا پيشكس بگيرد خان دولت است
فقره چهارم - تخنيق و حكم خيانت وزرا بر
عهده مجلس تنظيمات است

(قانون هشتم بر اجتناع قوانين دولت)

فقره اول - مجلس تنظيمات در مدت يكسال كل
احكام شرعي و دولتي كه دابر بامور مملكتداري است
جمع خواهد كرد، و بواسطه اجراي شروط قانوني
جزء قوانين دولت خواهد ساخت
فقره دوم - مجلس تنظيمات در مدت يكسال
جمع قوانين دولت را در پنج مجموعه تقسيم خواهد
كرد، و اجتناع قوانين هر يك از اين پنج مجموعه را يك
قانون نامه عاينده قرار خواهد داد

فقره چهارم - تقسيم اسامي اين قرار نامه
(۱) حقوق نامه
(۲) ديوان نامه

(۱) با همجنسها
(۲) نظامنامه
(۳) اداره نامه

فقره پنجم - هر يك از اين قوانين نامه هاتصم
خواهد بود باوواب و فصول و فقرات
فقره ششم - هر باب و فصل يك اسم مخصوص
خواهد داشت
فقره هفتم - هر فقره يك عدد معين خواهد
داشت

فقره هشتم - اين پنج قانون نامه در جاهت دولتي
جاب خواهد شد

فقره نهم - سند حقوق در دولت ايران منحصر
باين پنج قانون نامه خواهد بود
(قانون نهم در بنیان ترتيب وزارتخانه ها)
فقره اول - عدد مناصب و مواجب و تكاليف
جميع عمال وزارتخانه ها بمحكوم قوانين مخصوص معين
خواهد شد

فقره دوم - هيچ وزيري مأذون نخواهد بود
كه عدد عمال وزارت خود را بدون اذن و اجازه يك
قانون مخصوص زياد و كم نمايد

فقره سوم - ترتيب و ترقى مناصب عمال از روى
قانونيكه در آتى ذكر شود خواهد بود

فقره چهارم - هيچ وزيري نميتواند مواجب
مناصب را تغيير بدهد

فقره پنجم - در هر وزارتخانه يك دائره تعلم
خواهد بود

فقره ششم - هر كس بمخواهد صاحب منصب
بشود بايد دو سال در دائره تعلم خدمت بكند

فقره هفتم - اجزاي دائره تعلم بويجوجه مواجب
نخواهند داشت

فقره هشتم - هر كس بمخواهد داخل دائره تعلم
بشود، بايد اقلأ شانزده سال داشته باشد، زبان
فارسي را كاملاً بداند، حساب بداند، هندسه بداند
جغرافيا بداند، تاريخ بداند

فقره نهم - علوم فوق بجهت دخول جميع وزارتخانه
ها تاگريست، ولي بجهت هموزارتخانه علوم مخصوص
عائنه خواهد شد

دوره چهارم - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ (۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶)

(حابعیه)

این مطالب در قانون مخصوص بیان شده است .
فقره دهم - بجهت درجات علوم و طریقه امتحان
طلاب دایره تلم قانون مخصوص مقرر خواهد شد ،
فقره یازدهم - هیچ صاحب منصب نمیتواند ب منصب
بالا برسد ، مگر پس از دو سال خدمت در منصبی
صکه دارد .

فقره دوازدهم - استثنای این فقرات ممکن نخواهد
شد مگر با اقتضای ضرورت آنها بحکم و فرمان
شاهنشاهی

فقره سیزدهم - هیچیک از صاحب منصبان
هیوان از نوکری اخراج نخواهد شد مگر بحکم
قانون عدت و دوم

فقره چهاردهم - اسم مواجب باعین مواجب
مطابق خواهد بود

فقره پانزدهم - مواجب صاحب منصبان سه ماه
به سه ماه برسر وعده بدولت تخلف داده خواهد شد
سه قسم قانون هست

(۱) قانون ارکانی ،

(۲) قانون اصولی

(۳) قانون ترتیبی

این دوازده قانون که ذکر شد با استثنای
جزئی قوانین ارکانی محسوب میشوند ، قوانینیکه ذکر
خواهد شد اکثر اصولی و بسنی ترتیبی میباشد
(قانون دهم بر ترتیب وزارت)

(امور خارجه فقره اول - ادارات وزارت
خارجه ازین قرار خواهد بود)

(۲) دایره مخصوص وزارت (۲) دایره امور
دولتی (۳) دایره امور تجاری (۴) دایره ترجمه و
خطوط رمز (۵) دفتر ثبت و ضبط (۶) دفتر
زسوم و تصرفات (۷) دفتر محاسبه و ترتیب اجزاء
(۸) فراشخانه وزارت

فقره دوم - درجه اجزای وزارت از این
قرار است

(۱) وزیر (۲) نایب (۳) ناظم (۴)
معاون (۵) مترجم (۶) کاتب (۷) محرر تلم
(۸) قرائن باشی (۹) خزان

شقره بیستم - رئیس هر دایره نایب است و رئیس
هر دفتر ناظم

فقره چهارم - کار مخصوص دایره وزارت از
اینقرار است

(۱) مکاتبه شخصی (۲) وزیر امورات مخفی
(۳) وصول و ارسال نوشتهجات دولتی (۴) ترتیب
ملاقات سفر و ارباب رجوع (۵) وزیر بیرون
نویسی مطالب عمده برای حضور شاهنشاهی

فقره پنجم - اجزای مخصوص دایره وزارت از
اینقرار است

(۱) يك نایب (۲) يك مترجم (۳) يك
منشی (۴) دو کاتب

فقره ششم - کار دایره مخصوص امور دولتی از
اینقرار است

(۱) نوشتهجات دولتی (۲) عهد نامه جات و
سایر قرار داد های دولتی (۳) مرحدات (۴)
رد فراری (۵) ترتیب و مواظبت مأمورین خارج
فقره هفتم - اجزای دایره امور دولتی از این
قرار است

(۱) يك نایب (۲) دو منشی (۳) کاتب
(۴) چهار محرر تلم

فقره هشتم - کار دایره امور تجارت از اینقرار است
(۱) ترتیب امور قوسولها سیه خارج و اتباع
آمان (۲) عهد نامه جات و قرار داد های تجاری
(۳) مطالب تجار خارجه (۴) مواظبت امور تجار
ایران در خارج

فقره نهم - اجزای دایره امور تجارت از این
قرار است

(۱) يك نایب (۲) دو منشی (۳) سه کاتب
(۴) سه محرر تلم

فقره دهم - کار دایره ترجمه و خطوط رمز از
اینقرار است

(۱) ترجمه نوشته جات السنه خارجه بفارسی
(۲) ترجمه فارسی بالسنه خارجه (۳) ترجمه مکالمات
(۴) ترجمه خطوط رمز (۵) تحصیل اطلاعات
خارجه

فقره یازدهم - ترتیب اجزای دایره ترجمه از این
قرار است

شماره ۱۲۲ - ۲۰ - دولت (۱۳۳۳) - مجله - شماره ۱۲۲ - شماره ۱۲۲

(۱) يك مترجم نایب (۲) سه مترجم منشی
 (۳) چهار مترجم کاتب (۴) پنج مترجم محرر ،
 فتره دوازدهم - کار دفتر ثبت و ضبط از این
 قرار است
 (۱) ضبط و ترتیب اصل و سواد جمیع مکاتبات
 وزارت (۲) تحصیل عهدنامه جات و مستندات دیپلو
 ماتیک دول خارجه (۳) ضبط جمیع قواعد وزارتخانه
 بین اطلاعاتیکه بجهت خدمات دیوان از وزارت خارجه
 بخواهند ازین قرار خواهد بود (۱) دادن تذکره
 (۲) امضای مطابقت اصل با سواد
 فتره سیزدهم - ترتیب اجزای دفتر ثبت از این قرار است
 (۱) يك ناظم (۲) يك منشی (۳) دو کاتب
 (۴) سه محرر نظم
 فتره چهاردهم - کار دفتر رسوم و تشریفات از این قرار است
 (۱) نوشتن عهدنامه جات (۲) اختیار نامه جات
 (۳) قرار نامه جات (۴) تصدیق نامه جات - منشی
 (۵) حل مسائل تشریفات و امتیازات و حقوق
 مأمورین خارجه و تهیه ملاقات رسمی
 فتره پانزدهم - ترتیب اجزای دفتر تشریفات
 از این قرار است
 (۱) يك ناظم (۲) يك منشی (۳) دو کاتب (۴) دو محرر
 فتره شانزدهم - کار دفتر محاسبه از این قرار است
 (۱) اداره کلی تخواه که برای مخارج - ایوانه در محاس
 تنظیمات معین میشود (۲) ایصال جمیع مواجب اجزای
 وزارت (۳) ثبت عدد مناسب جمیع اجزای وزارت
 (۴) مخارج سفرا و امام (۵) مخارج چهار (۶) مخارج
 مخفی (۷) تعارفات دولتی مستمی
 فتره هفدهم - اجزای دفتر محاسبه از این قرار است
 (۱) يك ناظم (۲) يك کاتب (۳) يك محرر
 فتره هیجدهم - فراشخانه وزارت مرکب است
 (۱) يك فراشباشی (۲) ده فراش
 فتره نوزدهم - نایب و ناظم را اعلی حضرت
 شاهنشاهی معین میفرمایند، و سایر اجزا را خود وزیر
 موافق دستور العملی که در بند مخصوص قانون
 معین شده
 فتره بیستم - مواجب اجزای وزارت از این قرار است
 (۱) وزیر شش هزار تومان (۲) نایب هزار

و پانصد تومان (۳) ناظم هزار تومان (۴) منشی پانصد
 تومان (۵) کاتب سیصد تومان
 (۶) محرر تعلیم هیجده مترجم هر يك از این درجات
 را که داشته باشند سه عشر علاوه بر مواجب اصلی
 خواهد گرفت، محرر مترجم صد تومان فراشباشی صد
 تومان فراش چهل تومان
 فتره بیست و یکم - مأمورین خارجه از اجزای
 وزارت امور خارجه منتخب خواهد شد
 فتره بیست و دوم نایب وزارت شای وزیر
 بخاری را دارد
 فتره بیست و سوم اجرایی اینقانون بر عهده
 وزیر دول خارجه است یعنی اگر اجرای این قانون
 بنظر وزیر مشکل یا محال بیاید همان ساعت از وزارت
 استعفا بیاید

۵- نیز دارالخلافه طهران

(عطف باسبق)

عقلا، دانشور فرموده اند - چند کار است، که صادر
 شود، مگر از صاحب شطط و خداوند جهل و شطر
 (۱) نادانی که در زمین شوره زار تخم باشد و
 نماید حصول مزروع و کشته آفت دوز شارد، چه
 افتادن بذر در جنان سرزمین يك حماقت، و رجاء نفع
 و حصول زرع حماقت دیگر
 (۲) جاهلی که بپوش سلامت و عاقبت پشانی شبر
 سرزه خارد، و هوای دوشیدن شبر با پلنگ ماده در
 يك بیفوله سر برد، چه تقرب بچوالت مفترسی که
 جز سبیت نداد، يك جهالت، و طمع بهره نصیب از
 این کار حماقت دیگر
 (۳) اباهی که در موقع کشت جوکار و در مقام
 درو کردن توقع درودن گندم کند، غافل از اینکه
 این نمغی خیالی محال و سودائی خام است، سید
 اصفیاء میفرماید (رحم الله امره عرف نفسه و حفظ
 قدره) خداوند رحمت و عنایت خود را شامل کند،
 بمردیکه خود را بشناسد، و خویشتن را گم نکند، و
 قدر و مرتبه خود را محافظت نماید، و آبروی خویش
 را بخناك مذلت و انكسار نریزد، که شرف در حفظ
 رتبه و مقام است، و نگاهداری عزت و منزلت
 خویش، و چاره آن بنصیر است، بصری باجد که

نہامن از کلام خویش است، اینک در اتمام این موعظت و اکمال این نصیحت فقراتی چند از معایب و مصرات آنرا بر شمارد، شاید شنوندگان بهوش آیند و مضمون کلام فلاسفہ (السعيد من التخط بغيره، و من لم يتخط بغيره، اتخط به غيره) را بفهمند

(۱) هیچ اختلافی پدید نشده و تفرق کلمه واقع نگردیده، و اجتماع مبدل بافتراق و جدائی ننگشته، و امتی را تنازع داخلی روی نموده، مگر بواسطه حدوث مرض طمع در رؤساء امت، که هر کدام بر طبق مصلحت و مقصود خود امت را بسوی خویش کشیده و کلمه قوم را متفرق نموده، البته هر کس میداند طمع ملک گیری و - اطنت معاویة بن ابی سفیان را دعوت بر احداث تفاق و تآثر در بین مسلمانان نمود، و امت اسلام را منشعب بدو فرقه ساخت، اجماع نبی اسرائیل را علت چه بود، حز طمع ریاست رؤساء و بزرگان. دلیل واضح بر نعت مسئله آنکه هرگونه اختلاف و تنازع که منشاء آن غرض قضائی و جلب فوائد شخصی نباشد قابل رفع و دفع است، پس چون دو شر رئیس یا بیشتر را نزاعی حادث شود و غرض و طمع در کار نباشد، با کمال پشت سرد آید، و ما به الزاعرا موضوع بحث سازند. و هر کدام بر همان و حجت بر طبق مدعی اقام کنند، از میانه آنکه محکمت و اقرب بصواب است پذیرفته و حز او مردود شود، چنانکه وزراء و رؤساء در محاکم قانونیه و عادلانه هر روز نزاع و جدال کنند، و باندک تأملی خلاف برداشته شود، و گفتگو برخیزد، و شمل امت را ترق رخ نماید، چه این حزب وزراء باید بر حسب قانون از هر نوع غرض خصوصی مبری باشند، و جز نفع امت طلب نکنند، به بیان واضح تر و صریحتر گویم چون طمع از بین بر خیزد و منظور رؤساء راحت نوع بوده باشد هرگز اختلاف رویی ندهد، زیرا که اختلاف فرع تباین مشرب و عداد نیت و تخالف افق خیال است، و بدیسی است که باوجود اتحاد مصلک و توافق افق خیال، چیزیکه دعوت بر عذر نماید موجود نیست، پس مثل آنان، مثل اشخاصی است که از محیط یک دایره طرف مرکز حرکت کنند، اگرچه خط سیر هر کدام در ظاهر مختلف، یکی از شمال بطرف جنوب

بزرگان، از زبان راستانی گفته اند، (هزمن قمع، ذل من طمع) هر که در خیمه قناعت منزل نمود، جامه عزت ابدیه در بر کرد، آنکه دکان طمع را گشود کلاه ذلت و حقارت بر سر نهاد - و بحقیق اشتباه کرده اند ناس در فهم معنی و حقیقت قناعت، چه گمان کنند، خوردن مأكولات رده، و پوشیدن البسه مندرسه، و سکونت در منازل مغروبه، و کف نفس از صرف طبییات و تنعمات آلمیه، که دست موجد کل جلت آلاء، برای مخلوق خود در سطح غبراء بودیم نهاده روح قناعت است، و این خود شبهه است بزرگ که اصغر را بواهمه افکنده، و هرگز چنین اعمال را مقابل طمع و ضد او نتوان فرض نمود، بلکه کف نفس از مشتهیات جائزه اگر در میزانی اعتدال قرار گیرد صرفه و اقتصاد گویند، و عقلاً و شرعاً محمود و مستحسن باشد، و اگر از حد اعتدال بگذرد و از جاده میانه روی تجاوز کند امساک خوانند، و عقل و شرع او را نکوهش کنند، و ضد آن اسراف و تبذیر است که صرف مال و متال در امور غیر عقلانیه و بی فائده، لیکن قناعت که از مالکات فاضله و اس اساس قوام حضارت و مدنیت است، عبارت از توقف شخص است در نزد حقه خود، و تجاوز نه نمودن از حدود و موازین مندرره، که رسولان ظاهر و باطن معین کرده اند، و این صفت اصل همه فضائل است، و معادل آن که از مالکات رزبله و اخلاق قبیحه شمرده میشود قصد تجاوز از حدود و حقوق است، پس همان نیت و خصات را طمع گویند، و چون در مقام فعالیت و عمل آید ظلم و ستم گویند. اقبیح قبایح و رأس جمله مفاسد است، و غرض اصلی از ارسال رسل و انزال کتب هانا رفع این عامل قوی فساد است، تا جهان تمدن بر محور خود گردش کند، و حرکات بر طبق انتظام صحیح واقع شود -

یکی از اجله فلاسفه را پرسیدند چه وقت دوره طلایی عصر الذهب شروع میشود، و امر و نهی از میانه مرتفع گردد، قائد و سانس لازم نمیکردد، جواب داد هر وقت که افراد مات از حقوق و حدود خود تجاوز نکنند، از این بیان فلسفی بخوبی آشکار میگردد که قرب بنیان تمدن هانا تجاوز از حدود و پای بیرون

زائل شود فوراً از حرکت باز ماند و بحالت سکون و وقفه افتد، که مرگ و ممات عذارت از اوخت بدیهی است که مزاجت و مفاربت که نگاهدارنده نفس و حافظ تراز است بدون میل و محبت حاصل نشود. هر چند سبب محبت شهوت باطن هم باشد - تربیت و سرور دن اولاد و اطفال با آنها مضمومت و مرامت که رینت پدر و مادر را خم میکنند، و جوان را پیر میسازد سبب عبرت محبت و دوستی نباشد، مسئله واضح است - محتاج بفکر و بحث نیست، اسان چون در بیابان تنها ماند ملول و دلخور است بمجرد آنکه یکن از جنس خود بپند در قس خویش احساس محبت ناگهانی نسبت باو میکند، هر چند او را نشناسد، و زیانتن را فحتمه، پس چیست آنچه یک طورت اصله را منقلب نموده و آدمیرا بر آن وا داشته که کز عداوت برادر نوعی را بر میان نندد، و باتیغ بیرحمی ریشه حیانتش را قطع کند؟ همانا قاطع این درخت و فاسد کننده این حامل بزرگ طبیعی، حرصفت خبیثه طمع نتواند بود، که درجۀ بار آور که محبت و الفت را چون عشقه پیچیده لافز و تحریف و بالاخره خشک سازد، و شجره خبیثه هژاد و دشمنی را که نمزش غدر و مکر و خیانت و فتنه و آشوب و قتل و عدم است در جای او میکارد، طمع است که خاق را بکشتن فرزند رسول دعوت میکند، طمع است که حلق را بر پذیرفتن باطل و رد کردن حق و ادار مینماید - در این مقام قصه و حجت انگیز مرا بخاطر آمد که حقیقت مسئله را نشان میدهد و آن حکایتی است که صاحب کتاب تمدن اسلامی در مجلد رابع صفحه هفتاد نقل از کتاب هند الفرید جلد اول صفحه (۱۱۰) نوشته است، که توجه او بجزیره این است (باقی دارد)

ملاحظات تجارتن

(از شماره ۱۶)

بعد ازین واقعه اسکندر سیم امپراطور روسیه در خیال افتاد که همان تیار اول تجارتی را که از طریق خشکی از شرق بطرف غرب با انحراف بسمت شمال حرکت میکرد، بحری دارد، و انقلابی بزرگتر از همه انقلابات تجارت دهنده از این رو راه آهن را که مرکب راهوار تجاروت است از مسکو شروع نموده

و دیگری از مشرق بسمت مغرب، و ثالثی بکن آن وهیادند، لکن بی شبهه منتهای الیه سیر که منصد شان است همان قطعه واحده مرکزیه است، و خلاف حقیق در بین معدوم است، هر چند بر حسب صورت هر کدام را طریق حرکت مابین با دیگری باشد، یا فی المثل نهرهای مختلف را شبیه اند که هر یک از سمتی جاری و ساری اند، ولی مصب کل در دریاست، و چون بدو رسند تبارین تمام شود، و جایکی غرق در وجود کل کردند، هاما اشخاص بمنزله نهر اند و دریا بمذابۀ مات

(۲) هر جنگ و جدال و خونریزی و کشتار فرزند ان و اسر و قتل و خرابی دیار و هتک عرض و ناموس و بریادی و هدم بلاد، که از بدو خلقت بشر تاکنون در سطح این سیاره ما بجز ظهور رسیده منشأ و علت اصلی آنجمله طمع خبیث است، اگر نبود که هر آینه حرص مالک گیری و طمع توسعه نطانی مملکت کجا واقع میشد اینهمه ستیزهای خونینش و چگونه بلاد و اماکنی که مخصوص استراحت نوع آدمی است قصاصت بشر و مسایخ فرزند اسان میکشند، ساحنا که سلطان و پادشاه را خیانتی دیگر نیز در سر باشد، افراد عسکری را دامی چیست؟ که از مراکز خود خارج شده فرسنگها در نور دیده بر اوطان دیگران حمله نماید، تاریخ توریۀ با نشان و خبر میدهد که محبتین نزاع که در بین ابناء آدم ابوالبشر تولید گشت بین هابیل و قابیل بود، و علت آن قتل النفس طمع قابیل در زوجۀ هابیل بود، آری طبیعت و سرشت آدمی زاده قهراً بطرف محبت و مودت است، و بالعطره همچنان را دوست دارد و گرامی شمرد، و این موهبتی است از جانب خداوند در حق اشرف مخلوقات، و اگر این خصلت نبودی چسان دور یکدیگر اجتماع نمودندی و تشکیل عائله و قایل دادندی، و رفع حوائج از همدیگر کردندی، و بر تعاون و تعاضد و تجزیۀ اعمال که رکن رکن بل مدار علیه تمدن و حضارت است اقدام نمودندی - ارباب عرفان گویند، دوران افلاک، و گردش لیل و نهار، و حدوث کون و فساد، و انبات نباتات و . . . و . . . را علی جز شوق و محبت نیست، و حیات و حتی جهاد که مایه حرکت و دوران است جز میل و محبت نیست، و هر کدام را که روح محبت

عالم مشاهده نمودند، که بعد از ذلتها و نلاکتها و از دست دادن ثرون از چهار صد هزار مرد جنگی و زیاده نژدویست پیاون لیرا با کمال ناامیدی دست طمع از بلاد منجوری شستند، و بدولت ژاپون و آذکار نمودند و همه کس میداند امپراطور اسکندر دوم را از ترتیب این قشه و تهیه این اسباب جز نفوذ تجارتی مقصودی دیگر در خاطر خطوط نمیکرد، بچاره مستر ویت که مأمور انجام این مصالحه گردید در چند سال قبل صربجا در مجلس وزراء روسیه بصوت بلند فریاد زد، که این راه را باید منفذ تجارتی قرار داد، و صرف نظر از پاتیک نمود، صلاح دولت روسیه در آست که تصرفی در ملک چین و منجوری نمایند، و وجهه هم خود را ترقی معاملات روسه با شرق مترو دارد، و بیقین بدانند که اگر متوجه انجام این مقصد بزرگ شویم بی نافع تر و مفید تر بحالت ما و محکمتان خواهد بود، زیرا که اولاً مدعی در این خیال نداریم، و احدی را بخرسد سکه ما را از مقصود خود مایع شود، بعکس اگر قصد سلطت گیری کنیم اول ژاپون، دوم تمام اروپائیان، خصوص انگلیسان در مقام مخالفت برآیند، و عاقبت منجر بفساد بزرگ شود

و ثانیاً ما امروز محتاج بتوسعه سلطت نیستیم، و خاک کنونی روسیه برابری میکنند با بزرگترین ممالک عالم بعکس محتاج بزوت و تجارتیم، و حالت اقتصادی بلاد ما بسیار بد و بی رونق است، اهالی فقیر صنعت در درجه پستی منزل دارد، و هرگاه ما بر این شبهه رفتار کنیم، تا بیست سال دیگر قهرراً نفوذ و سلطه ما بالتبع تجارت در افطار وسیعاً چین نفوذ خواهد یافت پس زین امر که اکنون پیرامون این حرکات ناقضه عهد شکن نگردید، و از روز اول عداوت خود را در قلوب مشرقیان جای مدهید، و اعتبار و اعتماد را از قول خود زایل سازید

اکن يك مشت و زراء نادان از سوء تدبیر و قات درایت و اعوجاج عنان از حقیقت غفلت نموده ره افسانه زدند، شیطان وهم در سدورشان تولید توسعه طساق ملک داری نموده، امیرال اکسیف که از باد نخوت و غرور مست و مخور بود، بر طاقمائی آن ملک تاصرز کردند، و لکه عار و تنگ که تا ابد از سپا

آسیای منتهی را در نور دیده بجناب شمال گذشته تا کنار دریاچه بایکال و از شرق بایکال تا آخر سیریا رفته آهن را عمد نمود، و تا بندوگاه (ولادی وستک) رسانید، اما این خود واقعی باصل مقصود نبود، زیرا که این قطعه را تا مرز سکنز چین مسافت شایانست، و از طریق بحر نیز بواسطه انجماد دریا در اکثر ایام سال فائده منظوره حاصل نمیشد، این بود که در این غوغا و کشمکش چین و سورت بوکسر و سایر فتن شرق اقصی، روس بزرگوک بود قطعه منجور بر قبضه نموده، شبهه حزیره لداویانک را استبحار کرده، راه آهن ملوراه سیریا را تا بندر معروف (ارور) یا (آرهر) امتداد داد، کبکت جلالت را تا مرکز چین و وسط دریای حار خوانید - دانایان فن مسبوقند که اگر دو امر دیگر نیز صورت پذیرد بچاره بحرایی و خط سیر تجارت دیگرگون شود

اول آنکه در داخله بلاد چین راه آهن کشیده شده وصل براه آهن منجوریا شود، و گرنه باز سیر بحری از کار بفتند، و بواسطه نهرهای بزرگ و کوچک که بدریای مشرق الاقصی منتهی و مصب میشوند محمولات در سفاین کوچک نقل به بحر شود و راه آهن چنانکه باید اتساع نیابد

دوم آنکه راه آهن هندوستان بواسطه راه آهن سمرقند متصل بارویا شود، در این صورت اجناس آسیا بارویا و از اروپا بآسیا بتوسط این خط متصل گردد، و حمل و نقل شود، و شمال اروپا و آسیا فوق العاده آباد و معموز گشته کسب اهمیت، خارق عادت نمایند، ثروت و غناء در بلاد هامبورغ وریکا و پریم و امستردام و روتردام و مسکو بهائقی عجیب ترقی کنند، و نقاط مزبوره در عداد اولین مراکز تجارتی عالم محسوب شود، و دریای بالتیک حوض عمومی برای این امواج تجارتی گردد بجهتی که دریای مدیترانه را رونق و بازار اشهار شکته گردد

الحق روس را در این خیالات باند چندان منافع و فوائد متصور بود که قلم از تحریر آن عاجز است، لکن بواسطه جهالت و نادانی وزراء و مباشرین امور مسئله سنیمه پاتیکی یافت و نفوذ تجارتی مبدل بساطه ملکی شد، و عاقبت این ناملق همان بود که همه اهل

و جهره روسیه زایل نشود بروی خود نهدند -
(باقی دارد)

جواب مکتوب شیراز از بی بی
مکتوبی از شیراز رسیده و هر شخص با انصاف
ملاحظه فرماید اعتراف مینماید، که سطر بسطر باکله
بکلمه آن مملو غرض و مرض است، که اشرار اشراف
نمای غوغا طلب شیراز که همیشه بدون حاجت لجاجت
موروثی دارند. غیبت موبک حضرت والا شاهنشاهزاده
را غنیمت شمرده و از راه غناد اسباب فساد را فراهم
کرده اند. باین جهت بنده محض خیر خواهی عامه
سواد نامه را با جواب نوشته بداره روزنامه مقدس
جبل المین میفرستم و تمنا دارم که درج فرمایند
اولاً - مرقوم فرموده اند (قبرستان یهودیها را دیده
اید که چه شکل است)

جواب - این شکل که از زمان حضرت موسی
عیه السلام نبوده، این شکل را بواسطه سنگاریهای شا
و اسلاف شا اختیار نموده
بعد فرماید - ماه گذشته دخترش روزه از ملای
یهودیها که از پاریس آمده و معلم خانه باز کرده مرد -
بوضع قبور مسلمانان که این ایام میسازند قبری روی بیجه
شش روزه ساختند، مردم بیچاره آن بنا را خراب کردند.
جواب - امروز تخمیناً زیاده از سیصد هزار نفر
از مسلمان ایرانی در ممالک غیر مسلم خارجه که شا
آنها را کافر و خودتان را مسلمان میخوانید اقامت
دارند. مسلم است که بعضی بدعت کثرت ظلم و ستم حکام
سابق و برخی بواسطه ناداری و ناچاری ترک وطن
کرده اند. معلوم است که در بلاد اجنبیه اسباب رفاه و
آسودگی برای جلد فرام است، که همگی در آن
صفحات مسکن نموده اند

در صورتیکه حکام غیر اسلام اسباب زندگی و
امنیت جانی و مالی مسلمانان ایران را باعلی درجه
آماده داشته اند و آنها را مایه مزید آبادی ممالک
خود شان کرده اند، و مسلمان مساجد عالی و قبرستان
مانند گلستان در آنجا ها ساخته و احدی مانع آنان
نشده، بلکه بآب مقام همواره کمال احترام را معمول
میدارند، شا مسلمان را چه افتاده که نمیتوانید بینید
چند سنگ و آجر بر قبر بیجه شش روزه غیر اسلام باشد

حقاً این کار مردم بیچاره نیست کار اشخاص بیچاره
است که دنبال کار میگردند

خوب این قبر طفل یهودی بود و اهدام آب
در شریعت شا و رسم و قانون قدیم شا واجب و لازم
مینمود. خواجه حافظ علیه الرحمه که یهودی نبود چرا
حزار آن غفران مآب را حراب فرموده و اسبابش
را غارت کردید، و بحکم کدام دین بخانه بردید
مدرسه جذاب انتظام للمالک را از آن حراب تر
نموده و نگذاشتید که دار الجهل شا کم دارالعلم شود
هرگاه اهل شیراز را سعادت یار بود بمجرد ورود
ملای یهود از پاریس به پایتخت پارس طریقه اطفال
پروری و مسکن نوازی را از یهودیان پاریس یاد گرفته
اولاً بقدر کفایت کودکان شهر شیراز احداث و افتتاح
دبستانها کرده بودند - بلکه احداث و افتتاح هم لازم
نبود. مدرسه در شیراز بسیار است تعمیر و انتظام
مصارف آنها را از لوازم شمرده بودید

دیگر از تحریرات یار صداقت شمار من
جادر را يك شاخ انداخته این است، و اینجاست
که فرماید (بجناب . . . آقا پیغمبر معین همایون عارض
شده مأمور فرستاده اند از اشخاص بیچاره که اطراف
قبرستان یهودیها زمین و زراعت دارند، التزام گرفتند
که اگر کسی آن بنا را خراب میکند مورد سیاست
دیوان همایون اعلی باشد، چوب بخورند صد تومان هم
بدهند، قبرها هم بسازند، حال از این فقره و چند فقرات
دیگر از این قبیل ها بعضی حرفها بین مردم گفتگو
است که در این خلاف رسم و قانون مملکت که از
قدیم تا حال جاری بوده و حالا یهودی مبعوهد رفتار
کنند تکلیف این بیچارهها چیست؟ در اینگونه کارها که
کسی قدرت جلوگیری عوام را ندارد

بس باید آدمی بگیرند و مایه مبتلی موجب بدهند
که مستحفظ قبر یهودی باشد، آنها فرخا که چنین کردند
شب اهل صحرا و زارعین و غیره بمنازل خود میروند
این مستحفظ موجب خور که برای حفاظت قبر یهودی
موجب از مسلمان میگردد که جز يك نفر پیش نیست
اگر شی جعی از الواط و اشرار با آنجا ریختند و این
مستحفظ بدبخت خواست از در عنایت بیرون آید جز
اینکه در این راه بر خیر شهید شود چاره نیست و
کمان نپروند که کسی بتواند جلوگیری کند فقط